



چهارچوب‌های سیاست‌گذاری و الگوهای توسعه پایدار در گردشگری دریایی و ساحلی



پژوهشکده
مطالعات فناوری



انديشكده
پيشرفت دريايي





پژوهشکده
مطالعات فناوری



اندیشکده
پیشرفت دریایی

چهارچوب‌های سیاست‌گذاری و الگوهای توسعه پایدار در گردشگری دریایی و ساحلی

نویسنده: محمدرضا خاکباز

پژوهشکده مطالعات فناوری

۱۴۰۴



چهارچوب‌های سیاست‌گذاری و الگوهای توسعه پایدار در گردشگری دریایی و ساحلی

نویسنده: محمدرضا خاکباز

گروه پژوهشی: اندیشکده پیشرفت دریایی

انتشار: آبان ۱۴۰۴

گرافیک و صفحه‌آرایی: سید حامد رضوی

واژه‌های کلیدی: گردشگری دریایی، گردشگری ساحلی، اقتصاد دریا، توسعه پایدار

نشانی: تهران - خیابان شهید دکتر حبیب‌الله، تقاطع خیابان سروش (یکم) پلاک ۹۶، پژوهشکده مطالعات فناوری

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۰۰۶۵ | پست الکترونیکی: info@tsi.ir | شبکه اطلاع‌رسانی: <https://tsi.ir>

«انتشار آثار در چارچوب سیاست آزاداندیشی علمی است و بر موضع رسمی پژوهشکده مطالعات فناوری دلالت ندارد.»

«حق چاپ و نشر برای پژوهشکده محفوظ است.»

فهرست مطالب

مقدمه ۱

خلاصه مدیریتی ۱

فصل اول: گردشگری ساحلی و دریایی ۵

۱-۱- مقدمه ۷

۱-۲- مفهوم گردشگری دریایی ۹

۱-۲-۱- گردشگری دریایی کروز ۱۰

۱-۲-۲- آینده گردشگری دریایی کروز ۱۴

۱-۳- مفهوم گردشگری ساحلی ۱۶

۱-۳-۱- وسعت و اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی ۱۸

۱-۴- زنجیره ارزش گردشگری دریایی و ساحلی ۲۰

۱-۵- موقعیت ویژه جزایر کوچک در حال توسعه ۲۱

۱-۶- مسائل جهانی گردشگری ساحلی و دریایی ۲۴

۱-۷- روندها جهانی در گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت ۳۲

۱-۸- جمع‌بندی ۳۳

فصل دوم: برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری ساحلی و دریایی	۳۵
۱-۲- مقدمه	۳۷
۲-۲- نیاز به برنامه‌ریزی در گردشگری ساحلی و دریایی	۳۸
۳-۲- چارچوب‌های برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری	۳۹
۴-۲- اصول برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی	۴۱
۱-۴-۲- مطالعه موردی: رشد گردشگری در جزایر گالاپاگوس	۴۴
۲-۴-۲- مطالعه موردی: برنامه رشد گردشگری کشور مالزی با وجود شیوع کرونا	۴۶
۳-۴-۲- رویکرد مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) برای توسعه گردشگری پایدار	۴۸
۴-۴-۲- رویکردهای برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری	۵۰
۱-۴-۴-۲- رویکرد برنامه‌ریزی گردشگری ناتورا ۲۰۰۰	۵۳
۵-۴-۲- مفهوم ظرفیت بخش گردشگری	۵۴
۵-۲- نتیجه‌گیری	۵۶

فصل سوم: گردشگری ساحلی و دریایی پایدار	۵۷
۱-۳- مقدمه	۵۹
۲-۳- تعارض بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست در گردشگری ساحلی	۶۱
۳-۳- هدف و دامنه	۶۲
۴-۳- گردشگری پایدار در مناطق ساحلی	۶۳
۱-۴-۳- گردشگری پایدار: رشد گردشگری در مقابل توسعه گردشگری	۶۳
۲-۴-۳- تاثیرات و چالش‌های اصلی گردشگری ساحلی	۶۵
۵-۳- تحول در روابط جوامع ساحلی با دریا از طریق گردشگری پایدار	۶۹
۱-۵-۳- ساخت جوامع گردشگری پایدار برای حفاظت دریایی	۶۹
۱-۱-۵-۳- تعریف جوامع گردشگری در محیط‌های دریایی	۶۹
۲-۱-۵-۳- اصول کلیدی گردشگری دریایی مشارکتی با جامعه	۷۰
۳-۱-۵-۳- پروژه «گهبنان مرجان» در مالدیو، نمونه موفق جوامع پیشگام حفاظت دریایی	۷۰
۴-۱-۵-۳- جوامع صیادی سنتی به‌عنوان رهبران حفاظت	۷۱
۵-۱-۵-۳- منابع درآمد پایدار و تأثیرات زیست‌محیطی	۷۱
۶-۱-۵-۳- نتایج قابل اندازه‌گیری حفاظتی گردشگری جامعه‌محور	۷۲
۷-۱-۵-۳- ساخت جوامع گردشگری مؤثر و پایدار	۷۲
۸-۱-۵-۳- آینده‌ای پایدار برای گردشگری دریایی	۷۳

۷۴	۳-۶- ایجاد دگرگونی در گردشگری ساحلی و دریایی بعد از بحران کرونا.....
۷۸	۳-۷- احیا و بهبود اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی.....
۸۰	۳-۸- معرفی کلی از طرح مثلث مرجانی.....
۸۴	۳-۸-۱- رویکرد گردشگری دریایی با ابتکار مثلث مرجانی.....
۸۶	۳-۸-۲- حمایت از برنامه اقدام منطقه‌ای (RPOA) در مثلث مرجانی.....
۸۷	۳-۸-۳- تهدیدهای موجود در منطقه مثلث مرجانی.....
۸۸	۳-۸-۴- بررسی پتانسیل گردشگری دریایی کشورهای مثلث مرجانی.....
۸۹	۳-۹- سازگاری و تاب‌آوری گردشگری دریایی و ساحلی.....
۸۹	۳-۹-۱- مفهوم تاب‌آوری در گردشگری ساحلی و دریایی.....
۸۹	۳-۹-۲- چالش‌های پیش‌روی تاب‌آوری.....
۹۰	۳-۹-۳- راهکارهای تقویت تاب‌آوری.....
۹۲	۳-۱۰- نتیجه‌گیری.....

۹۳	فصل چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۹۵	۴-۱- مقدمه.....
۹۶	۴-۲- جمع‌بندی گزارش.....

۹۸	منابع.....
----	-------------------

فهرست اشکال

- شکل ۱-۱- تماشای موجودات داخل دریا بوسیله کشتی‌های مخصوص و غواصی در دریا..... ۹
- شکل ۱-۲- کشتی آکواریوم نیکا، نمونه یکی از کشتی‌های گردشگری در جزیره کیش..... ۱۰
- شکل ۱-۳- کشتی AIDAnova (آنووا)..... ۱۲
- شکل ۱-۴- کشتی Seas the of Oasis..... ۱۲
- شکل ۱-۵- کشتی Harmony of the Seas..... ۱۲
- شکل ۱-۶- کشتی MSC CRUISES، رویکرد هدفمندتر تعهد به پایداری در بین کشتی‌های کروز.. ۱۵
- شکل ۱-۷- گستره گردشگری ساحلی با توجه به تعریف آن..... ۱۷
- شکل ۱-۸- نمونه‌ای از جزیره کوچک در حال توسعه Antigua & Barbuda..... ۲۲
- شکل ۱-۹- میانگین نرخ رشد گردشگری در اقتصادهای نوظهور و پیشرفته در چشم‌انداز ۲۰۳۰..... ۳۴

- شکل ۲-۱- سه استراتژی اصلی به حداکثر رسانیدن گردشگری در کشور مالزی..... ۴۶
- شکل ۲-۲- جهت‌گیری‌های راهبردی کشور مالزی جهت جذب گردشگران در دوره ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۶..... ۴۷
- شکل ۲-۳- رابطه بین برنامه‌ریزی بلندمدت و برنامه‌ریزی استراتژیک گردشگری..... ۵۲

- شکل ۳-۱- جزایر دورافتاده اندونزی محصور در آبسنگ‌های مرجانی واقع در مثلث مرجانی..... ۸۱
- شکل ۳-۲- مرجان میزی (نام علمی: Acropora)، یک سرده از زیررده شش‌مرجانیان واقع در مثلث مرجانی ۸۲
- شکل ۳-۳- مرجان نرم صورتی واقع در مثلث مرجانی..... ۸۲
- شکل ۳-۴- لیسه نئون متغیر (نام علمی: Nembrotha kubaryana) یک گونه از لسیه‌های دریایی رنگارنگ واقع در مثلث مرجانی..... ۸۳
- شکل ۳-۵- دلقک‌ماهی یکی از گونه‌های ماهی از خانواده شقایق‌ماهیان واقع در مثلث مرجانی..... ۸۳
- شکل ۳-۶- نقشه منطقه حفاظت شده مورد اجرای طرح مثلث مرجانی..... ۸۶

فهرست جداول

- جدول ۱-۱- شرکت‌های برجسته کشتی‌سازی در جهان و نمونه‌ای از کشتی‌های تفریحی ساخته‌شده
توسط آن‌ها..... ۱۱
- جدول ۱-۳- چالش‌ها و فرصت‌های آینده برای گردشگری ساحلی و دریایی..... ۷۶
- جدول ۲-۳- مصادیق زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی گردشگری پایدار ساحلی و دریایی... ۷۹
- جدول ۳-۳- ارزش گردشگری در سال ۲۰۱۵ و چشم‌انداز ۲۰۳۰ گردشگری مبتنی بر طبیعت در مثلث
مرجانی..... ۸۸

مقدمه

در جهان پرتحول و پیچیده امروز، صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقشی بی‌بدیل در تعاملات بین‌المللی و تقویت اقتصادهای محلی ایفا می‌کند. در این میان، گردشگری دریایی و ساحلی به سبب برخورداری از ظرفیت‌های منحصر به فرد طبیعی، اقتصادی و فرهنگی، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و جوامع محلی قرار داشته است. با این حال، توسعه این بخش بدون توجه به اصول پایداری و حفظ تعادل زیست‌بوم‌های حساس، می‌تواند فرصت‌های ارزشمند را به تهدیدهایی جدی بدل ساخته و آینده نسل‌های آتی را با چالش روبه‌رو کند.

گزارش حاضر با عنوان «چارچوب‌های سیاست‌گذاری و الگوهای توسعه پایدار در گردشگری دریایی و ساحلی» حاصل ماه‌ها پژوهش، مطالعه تطبیقی و تلاش جمعی پژوهشگران در اندیشکده پیشرفت دریایی است. هدف از تدوین این اثر، ارائه راهکارهای علمی و عملی برای دستیابی به توسعه‌ای متوازن و پایدار در این حوزه است. اثر پیش‌رو با نگاهی جامع، از یک‌سو به واکاوی چالش‌های پیش‌روی گردشگری دریایی و ساحلی می‌پردازد و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی و مطالعات موردی بومی، زمینه را برای تدوین سیاست‌های کارآمد و اجرایی فراهم می‌سازد.

بی‌تردید، دستیابی به توسعه پایدار در گردشگری دریایی، نیازمند نظام سیاست‌گذاری هوشمند و مبتنی بر شواهد علمی است؛ نظامی که بتواند میان سه محور اصلی «اقتصاد، محیط زیست و جامعه محلی» تعادل برقرار کند. در این مسیر، شناخت دقیق ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق ساحلی، برنامه‌ریزی فضایی مناسب، آموزش جوامع محلی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مدیریت منابع دریایی، از الزامات اساسی به شمار می‌رود. چنین نگاهی، تنها با اتکا به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و همکاری میان نهادهای علمی، اجرایی و بخش خصوصی قابل تحقق است.

از سوی دیگر، توسعه گردشگری دریایی و ساحلی در ایران، با وجود دارا بودن سواحل گسترده در شمال و جنوب کشور، هنوز با چالش‌هایی چون پراکندگی سیاست‌ها، ضعف زیرساخت‌ها و ناهماهنگی میان دستگاه‌های متولی روبه‌روست. این امر، ضرورت ایجاد چارچوب‌های ملی منسجم و آینده‌نگر را دوچندان می‌سازد تا ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی، به صیانت از اکوسیستم‌های ارزشمند دریایی و ارتقای کیفیت زندگی جوامع ساحلی منجر شود.

در کنار این رویکرد ملی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه گردشگری دریایی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. حضور فعال در شبکه‌های جهانی گردشگری، مشارکت در پروژه‌های مشترک با کشورهای حاشیه دریاهای خزر، عمان و خلیج فارس و تبادل دانش فنی و مدیریتی می‌تواند جایگاه ایران را به‌عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری دریامحور در منطقه تثبیت کند. این تعاملات، ضمن گسترش دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی، به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری‌های نوین در مدیریت پایدار سواحل کمک شایانی خواهد کرد.

امید است این کتاب بتواند به‌عنوان منبعی سودمند برای مدیران ارشد، سیاست‌گذاران، پژوهشگران، فعالان صنعت گردشگری و تمامی علاقه‌مندان به توسعه پایدار دریامحور مورد استفاده قرار گیرد و گامی هرچند کوچک در مسیر اعتدالی اقتصاد دریاپایه و صیانت از میراث طبیعی و فرهنگی مناطق ساحلی کشور عزیزمان ایران بردارد.

در پایان، بر خود لازم می‌دانیم از همه همکاران و متخصصانی که در تهیه و تدوین این اثر ما را یاری کرده‌اند، صمیمانه قدردانی کنیم.

دکتر محمدخادمی کله‌لو

رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری

خلاصه مدیریتی

گردشگری دریایی و ساحلی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد جهانی، نه تنها نقشی اساسی در تأمین معیشت جوامع ساحلی ایفا می‌کند، بلکه پیوندی تنگاتنگ با زیست‌بوم‌های حساس و شکننده این مناطق دارد. این نوع گردشگری که حدود نیمی از صنعت گردشگری جهان را در بر می‌گیرد، در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱.۵ تریلیون دلار درآمد مستقیم ایجاد کرده و برای بیش از ۵۲ میلیون نفر شغل فراهم نموده و سهمی معادل ۵.۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی داشته است. به طور نمونه، ایالت‌های ساحلی آمریکا همچون فلوریدا، کالیفرنیا و نیویورک ۷۴ درصد گردشگران خارجی را جذب کرده و درآمدی بالغ بر ۶۴۰ میلیارد دلار را نصیب این کشور کرده‌اند.

با این حال، توسعه بی‌رویه این بخش بدون در نظر گرفتن اصول پایداری، فشار مضاعفی بر منابع طبیعی و اکوسیستم‌های دریایی وارد کرده و آن‌ها را در برابر تهدیدات اقلیمی مانند افزایش سطح آب دریا، طوفان‌ها و اسیدی شدن اقیانوس‌ها آسیب‌پذیرتر کرده است. از این رو، چارچوب‌های سیاستی جامع و مدل‌های توسعه پایدار، با تمرکز بر مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، مشارکت ذی‌نفعان و هماهنگی میان سطوح مختلف حکمرانی، به منظور ایجاد توازن میان منافع اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر در این حوزه محسوب می‌شوند. در این میان، نمونه‌هایی چون افزایش پیش‌بینی‌شده تعداد گردشگران در مدیترانه تا ۳۱۲ میلیون نفر تا سال ۲۰۳۰ و تراکم بالای جمعیت در سواحل این منطقه، بر فوریت بازنگری در سیاست‌ها و راهکارهای تطبیقی تأکید دارند.

در ذات خود، گردشگری دریایی و ساحلی مبتنی بر تعاملات پیچیده‌ای میان محیط‌های طبیعی، بازار گردشگری و نهادهای متعدد حکمرانی است. چارچوب‌های سیاستی در این حوزه به دنبال هماهنگی توسعه پایدار ساحلی با تلفیق حفاظت زیست‌محیطی، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی جامعه محلی هستند. این چارچوب‌ها اغلب بر مفاهیمی همچون تاب‌آوری، باززنده‌سازی و توازن میان ابعاد بوم‌شناختی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی تمرکز دارند تا پایداری بلندمدت تضمین شود.

مفاهیم کلیدی این رویکرد شامل مدیریت مبتنی بر اکوسیستم، مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) و جهت‌گیری کنشگران سیاستی در سطوح و بخش‌های مختلف حکمرانی هستند.

حکمرانی یکپارچه اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که مناطق ساحلی به‌عنوان مرز بین خشکی و دریا، با تداخل حوزه‌های قضایی و تنوع ذی‌نفعان مواجه هستند. از این‌رو، چارچوب‌های سیاستی باید به انسجام افقی سیاست‌ها (بین سازمان‌های هم‌سطح)، انسجام عمودی (بین سطوح مختلف حکمرانی از محلی تا ملی) و هم‌راستاسازی برنامه‌ای (از سطح چشم‌انداز و اهداف تا مأموریت‌های نهادی و اجرای میدانی) بپردازند. به‌عنوان نمونه، هماهنگی میان سطوح استراتژیک، تاکتیکی و عملیاتی سبب می‌شود اهداف کلان پایداری به سیاست‌های اجرایی قابل پیاده‌سازی تبدیل شده و همکاری نهادی مؤثر گردد و از بروز رویکردهای جزیره‌ای که موجب تضعیف اهداف پایداری می‌شوند، جلوگیری شود.

مدل‌های توسعه پایدار در حوزه گردشگری دریایی و ساحلی عموماً رویکرد سه‌گانه پایداری را اتخاذ می‌کنند که شامل مدیریت هم‌زمان حفاظت محیط زیست، منافع فرهنگی - اجتماعی و سودآوری اقتصادی است. اصول پایداری شامل تضمین پایداری بلندمدت محیط طبیعی، توسعه اقتصادی محلی همراه با توزیع عادلانه منافع، و حفظ ارزش‌های فرهنگی و رفاه اجتماعی جوامع است. افزون بر این، این مدل‌ها گردشگری را یک بخش پویا در نظر می‌گیرند و بر لزوم سیاست‌گذاری‌های تطبیقی برای پاسخ‌گویی به شرایط متغیر زیست‌محیطی و تقاضای بازار تأکید دارند. مشارکت ذی‌نفعان و همکاری فرابخشی نیز ستون فقرات چارچوب‌های مؤثر سیاستی در این حوزه به شمار می‌رود. مشارکت فعال بازیگران مختلف - از جوامع محلی و کسب‌وکارهای گردشگری گرفته تا نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی - به مشروعیت و اجرایی‌بودن ابتکارات پایداری کمک شایانی می‌کند.

همچنین تغییرات اقلیمی، تهدیدهای عمیقی را برای گردشگری دریایی و ساحلی ایجاد کرده‌اند که موجب چالش در چارچوب‌های سیاستی و تلاش‌های توسعه پایدار در سراسر جهان شده است. بالا آمدن سطح دریا، افزایش دما، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و رخداد‌های شدید جوی مانند طوفان‌ها و گردبادها موجب تخریب زیست‌بوم‌های ساحلی و زیرساخت‌های گردشگری می‌شوند؛ منابع طبیعی که شالوده اصلی گردشگری دریایی محسوب می‌شوند. برای نمونه، سفیدشدگی گسترده مرجان‌ها باعث کاهش تنوع زیستی دریایی و جذابیت گردشگری شده و به‌طور مستقیم بر معیشت‌های وابسته به گردشگری مرجانی اثر می‌گذارد. تغییرات دمایی نیز با تأثیر بر آسایش حرارتی گردشگران و الگوهای تقاضا، موجب دگرگونی در فصول سفر و پایداری مقاصد گردشگری سنتی می‌شود. افزون بر آن، زیرساخت‌های ساحلی با افزایش خطرانی نظیر فرسایش، سیلاب و طغیان دریا مواجه‌اند که نیازمند هزینه‌های سنگین برای مقاوم‌سازی یا جابه‌جایی هستند. ماهیت نامطمئن و بلندمدت تغییرات اقلیمی، برنامه‌ریزی گردشگری را دشوار می‌سازد، زیرا افق‌های تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت معمولاً با مقیاس و زمان‌بندی چالش‌های اقلیمی همخوان نیستند.

علاوه بر پیامدهای زیست‌محیطی، تغییر اقلیم آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و اقتصادی را نیز تشدید می‌کند. این پیامدهای زنجیره‌ای شامل کاهش منابع، اختلال در معیشت و نابرابری‌های فزاینده‌ای است که جوامع محلی وابسته به گردشگری دریایی و ساحلی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک (SIDS) نظیر آروبا و دومینیکا، به دلیل موقعیت جغرافیایی و وابستگی اقتصادی خود، آسیب‌پذیری بالایی دارند. این شرایط ضرورت اتخاذ راهبردهای انطباقی بومی محور و در چارچوب اهداف کلان توسعه پایدار را نشان می‌دهد.

راهبردهای انطباقی در چارچوب‌های سیاستی گردشگری ساحلی و دریایی بر تقویت تاب‌آوری از طریق ارتقاء زیرساخت‌ها، تنوع‌بخشی به محصولات گردشگری، احیای زیست‌بوم‌ها و توانمندسازی جوامع تأکید دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انطباق با تغییرات اقلیمی باید از اقدامات منفرد فراتر رود و به رویکردهای حکمرانی یکپارچه تبدیل شود که میان توسعه گردشگری و تاب‌آوری اجتماعی-زیست‌محیطی توازن برقرار کند.

مطالعات موردی گوناگون در سطح منطقه‌ای نشان می‌دهند که چگونه چارچوب‌های حکمرانی راهبردی و مدل‌های توسعه پایدار می‌توانند رشد گردشگری را با حفاظت زیست‌محیطی و سازگاری اقلیمی همساز سازند. چارچوب حکمرانی چندسطحی ارائه‌شده توسط محققان، نمونه‌ای آموزنده در این زمینه است که بر هم‌راستاسازی کنشگران سیاستی و عناصر برنامه‌ای در سطوح مختلف حکمرانی برای مدیریت نواحی ساحلی-دریایی تأکید دارد. در آروبا، به‌عنوان اقتصادی جزیره‌ای که به شدت به گردشگری ساحلی وابسته است، همکاری نهادی با استفاده از پیوندهای میان اهداف توسعه پایدار (SDGs) تحول یافته است؛ به‌گونه‌ای که توانستند اهداف کلیدی مانند کاهش آلودگی دریایی (SDG 14.1) را شناسایی و در اولویت قرار دهند. همچنین مورد دومینیکا نشان می‌دهد که تاب‌آوری کشاورزی می‌تواند به‌عنوان راهبردی کلیدی برای پایداری گردشگری ساحلی و دریایی ایفای نقش کند. ترویج سیستم‌های کشاورزی جنگل‌محور به تنوع‌بخشی معیشت، ثبات بوم‌شناختی و کاهش آسیب‌پذیری شیلات در برابر شوک‌های اقلیمی کمک کرده است. همچنین در استرالیا، حکمرانی مربوط به صخره‌های مرجانی بزرگ (GBR) با چالش‌هایی نظیر تضاد منافع بین حفاظت محیط زیست و توسعه اقتصادی مواجه است. برای مثال، بهبود کیفیت آب به‌عنوان یکی از تهدیدهای جدی این زیست‌بوم، نیازمند برنامه‌ریزی مشترک بین نهادهای کشاورزی، معدنی و حفاظت محیط‌زیستی است که از طریق گفت‌وگوی بین‌سازمانی و سازوکارهای تصمیم‌گیری مشارکتی انجام می‌شود. در سطح محلی، ابتکار تعاونی صیادی صدف در سانتا کروز د میرامار مکزیک، نمونه‌ای از نوآوری حکمرانی تاکتیکی است که با بهره‌گیری از همکاری جامعه و نهادهای علمی، مدیریت پایدار منابع را امکان‌پذیر ساخته است.

در مقیاس منطقه‌ای گسترده‌تر، توسعه گردشگری ساحلی در آفریقا از طریق ادغام برنامه‌ریزی گردشگری با مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی، بهبود ساختارهای حکمرانی، نظام‌های پایش و چارچوب‌های سیاستی به تحقق منافع حفاظتی و اجتماعی کمک می‌کند. همچنین سیاست‌های

زیست‌محیطی منطقه‌ای اتحادیه اروپا در پی هماهنگی بین حفاظت از زیستگاه‌های ساحلی و توسعه گردشگری در چارچوب مدیریت پایدار نواحی ساحلی هستند.

گردشگری دریایی و ساحلی در تقاطع چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی تشدید شده‌اند. تکامل چارچوب‌های سیاستی و مدل‌های توسعه پایدار، نشان‌دهنده درک فزاینده‌ای از لزوم رویکردهای حکمرانی یکپارچه، تطبیقی و چندسطحی است. مفاهیم بنیادین بر انسجام میان‌بخشی، مشارکت ذی‌نفعان و توازن میان ابعاد سه‌گانه پایداری تأکید دارند. تغییرات اقلیمی تهدیداتی ملموس برای منابع و جوامع گردشگری ایجاد می‌کنند که نیازمند راهبردهای انطباقی متناسب با شرایط محلی و پیوندخورده با اهداف کلان پایداری هستند. راه‌حل‌های منطقه‌ای که در قالب مطالعات موردی متنوع مطرح شده‌اند، حاکی از آنند که موفقیت مدل‌های توسعه پایدار در گرو هم‌راستاسازی چشم‌اندازهای راهبردی با ساختارهای نهادی و اقدامات عملیاتی است که هم‌زمان به مقتضیات محلی و اهداف جهانی پاسخ دهند. در آینده، نوآوری در سازوکارهای حکمرانی، ارتقاء انسجام سیاستی و تجهیز جوامع و صنایع برای مقابله پایدار با پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های آینده، بیش از پیش ضرورت خواهد داشت.



فصل اول:

گردشگری ساحلی و دریایی



صنعت گردشگری یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهان است و در دهه گذشته، بخش گردشگری دریایی و ساحلی به‌عنوان یکی از سریع‌ترین محورهای این صنعت، رشد قابل توجهی داشته است. اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی، غیرقابل‌انکار است و به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمد، برای بسیاری از کشورها و مناطق شناخته می‌شود. کشورهای در حال توسعه، در حال برنامه‌ریزی برای استفاده از گردشگری به‌عنوان محور توسعه آینده خود هستند. با این حال، تمایل به کسب سود اقتصادی از صنعت گردشگری، به‌ویژه در کوتاه‌ترین زمان ممکن، منجر به رشد مداوم و غالباً غیرقابل کنترل فعالیت‌های گردشگری می‌شود. در این زمینه، رساندن رشد گردشگری به سطح پایدار و در عین حال ارتقاء محصول گردشگری، جذب مشتریان متنوع و بهبود کیفیت خدمات به‌عنوان اولویت شناخته می‌شود. این موضوع اساس تعریف گردشگری پایدار است که توسط سازمان جهانی گردشگری ارائه شده است.

توسعه گردشگری پایدار نیازهای گردشگران و میزبانان فعلی منطقه را برآورده کرده و در عین حال ضمن بهبود فرصت‌های آینده از شکل‌گیری آن‌ها حفاظت می‌کند. تمرکز اصلی این نوع گردشگری مدیریت همه منابع به‌گونه‌ای است که تمامی نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی را برآورده کند و در عین حال به یکپارچگی فرهنگی، حمایت‌های محیط‌زیستی و فرآیندهای بوم‌شناختی احترام بگذارد. برای تحلیل و بررسی مفاهیم گردشگری دریایی و ساحلی، ضروری است که ابعاد مختلفی مورد توجه قرار گیرد. این ابعاد شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. تفکیک انواع فعالیت‌های گردشگری دریایی و ساحلی: در ابتدا بایستی بین فعالیت‌های مختلف گردشگری دریایی و ساحلی تمایز قائل شد. این فعالیت‌ها شامل گردشگری تفریحی، ورزشی، اکوتوریسم، گردشگری فرهنگی و تاریخی و سایر فعالیت‌های مرتبط با دریا و سواحل می‌شود که هر یک ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود را دارند.
۲. تفکیک مکان‌های با دسترس‌پذیری بالا و دسترس‌پذیری پایین: در این بخش باید به تفاوت میان مناطق ساحلی و دریایی با دسترس‌پذیری بالا (که به راحتی قابل دسترسی و مشهود هستند) و مناطق با دسترس‌پذیری پایین (که کمتر شناخته شده و برای گردشگران دسترسی به آن‌ها محدودتر است) توجه شود. این تفاوت‌ها می‌تواند تأثیرات مختلفی بر جذب گردشگران و توسعه گردشگری در این مناطق داشته باشد.
۳. شناسایی اهمیت فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی (زنجیره‌های ارزش): باید به اهمیت زنجیره‌های ارزش در گردشگری دریایی و ساحلی توجه شود. این زنجیره‌ها شامل فعالیت‌های مختلفی مانند حمل‌ونقل، خدمات گردشگری، توسعه زیرساخت‌ها و صنایع وابسته به گردشگری می‌شوند که هر یک نقش مهمی در ایجاد ارزش افزوده و بهبود تجربه گردشگری دارند.

۴. پرداختن به آثار اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی: تأثیرات گردشگری دریایی و ساحلی بر اقتصاد، محیط‌زیست و جوامع محلی باید به‌طور دقیق ارزیابی شود. گردشگری از یک سو می‌تواند به رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و توسعه زیرساخت‌ها کمک کند. اما از سوی دیگر، ممکن است آثار منفی مانند تخریب محیط‌زیست، آلودگی و ترافیک بیش از حد به همراه داشته باشد که باید این آثار به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرند.

۵. تمرکز بر بازیگران خاص، به‌ویژه بازیگران محلی و منطقه‌ای و همچنین کسب‌وکارهای کوچک و متوسط: توجه به نقش بازیگران مختلف در این صنعت، از اهمیت بالایی برخوردار است. بازیگران محلی و منطقه‌ای، به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، نقشی حیاتی در موفقیت گردشگری دریایی و ساحلی دارند. این کسب‌وکارها، نه تنها به رشد اقتصادی محلی کمک می‌کنند، بلکه در حفظ فرهنگ و هویت محلی نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند. تحلیل بخش گردشگری دریایی و ساحلی، نیازمند در نظر گرفتن ابعاد گوناگون و بین‌رشته‌ای آن است تا بتوان استراتژی‌های کارآمد، پایدار و متناسب با شرایط محلی و جهانی طراحی و اجرا کرد. این فصل با ارائه تعریفی روشن از مفهوم گردشگری دریایی، به‌ویژه گردشگری کروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال آن، آغاز می‌شود و سپس به چشم‌انداز آینده این صنعت پرداخته می‌شود. در ادامه، مفهوم گردشگری ساحلی و نقش اقتصادی و گستردگی آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بخش دیگری از این فصل به تحلیل زنجیره ارزش در گردشگری دریایی و ساحلی اختصاص دارد که نحوه خلق ارزش در این حوزه را از مراحل اولیه تا ارائه خدمات نهایی تبیین می‌کند. جایگاه خاص جزایر کوچک در حال توسعه، به عنوان مناطقی با پتانسیل بالا برای توسعه گردشگری دریایی و ساحلی و نیز چالش‌های خاص آن‌ها، مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، مسائل و دغدغه‌های جهانی مرتبط با این نوع گردشگری مانند تغییرات اقلیمی، فشار بر منابع طبیعی و تخریب اکوسیستم‌های حساس دریایی و ساحلی بررسی شده‌اند.

در بخش پایانی، روندهای نوظهور گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت که از رویکردهای پایدار حمایت می‌کنند، مورد توجه قرار گرفته و در نهایت، با یک جمع‌بندی جامع از مفاهیم و رویکردهای مطرح‌شده، مسیر آینده این صنعت ترسیم می‌گردد.

۱-۲- مفهوم گردشگری دریایی

گردشگری دریایی^۱ به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبتنی بر دریا اشاره دارد که شامل قایقرانی، گردشگری کروز، ورزش‌های دریایی، اکوتوریسم دریایی، غواصی، ماهیگیری، سیرک‌های آبی، آکواریوم دریایی و بسیاری دیگر از سرگرمی‌های آبی و خدمات و زیرساخت‌های مرتبط با این فعالیت‌ها می‌شود. این نوع گردشگری، به دلیل جذابیت‌های طبیعی و فرهنگی مناطق ساحلی، روز به روز در حال گسترش است و نقش مهمی در توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها ایفا می‌کند. فعالیت‌های دریایی، نه تنها به تأمین نیازهای تفریحی گردشگران کمک می‌کند، بلکه موجب ایجاد فرصت‌های شغلی و رونق کسب‌وکارهای محلی نیز می‌شود. زیرساخت‌های لازم برای گردشگری دریایی شامل بندار، مراکز تفریحی، رستوران‌ها و هتل‌ها، به جذب گردشگران و بهبود تجربه آن‌ها کمک می‌کند.



شکل ۱-۱- تماشای موجودات داخل دریا بوسیله کشتی‌های مخصوص و غواصی در دریا

گردشگری دریایی به دلیل ماهیت منحصر به فرد خود، نیازمند تجهیزات تخصصی، زیرساخت‌های ایمن و آموزش‌های حرفه‌ای است؛ چراکه فعالیت‌هایی مانند غواصی، قایق‌سواری یا سفرهای دریایی، به‌ویژه در نواحی با آب‌های عمیق یا ناآشنا، با خطراتی مانند تغییرات ناگهانی آب‌وهوا، مشکلات فنی یا حوادث انسانی همراه‌اند. این نوع گردشگری همچنین تأثیرات بالقوه‌ای بر محیط‌زیست دارد؛ ورود حجم بالای گردشگران به زیستگاه‌های حساس می‌تواند منجر به آلودگی آب، آسیب به مرجان‌ها یا برهم زدن تعادل اکولوژیکی شود. با این حال، اگر به‌درستی مدیریت شود، گردشگری دریایی می‌تواند موتور محرکی برای توسعه پایدار مناطق ساحلی باشد؛ چراکه ضمن ایجاد اشتغال و درآمد برای جوامع محلی، می‌تواند با آموزش و تجربه‌گرایی، آگاهی زیست‌محیطی گردشگران را

افزایش دهد. در این راستا، بهره‌برداری از جاذبه‌هایی مانند آکواریوم‌های آموزشی، شهربازی‌های آبی یا اقامتگاه‌های شناور، در کنار برنامه‌های حفاظتی، می‌تواند نمونه‌ای از توازن میان بهره‌برداری اقتصادی و حفظ محیط‌زیست باشد.



شکل ۱-۲- کشتی آکواریوم نیکا، نمونه یکی از کشتی‌های گردشگری در جزیره کیش

۱-۲-۱- گردشگری دریایی کروز

گردشگری کروز به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های گردشگری دریایی، به یکی از صنایع نوین و پررونق در سطح جهانی تبدیل شده است. این نوع گردشگری که شامل سفرهای تفریحی دریایی با کشتی‌های بزرگ است، طی چند دهه گذشته رشد قابل توجهی را تجربه کرده و به یک بخش اصلی از صنعت گردشگری جهانی بدل شده است. کشتی‌های کروز، امکانات رفاهی و تفریحی متعددی را در اختیار مسافران قرار می‌دهند و به آن‌ها این امکان را می‌دهند که از جاذبه‌های متعدد فرهنگی، تاریخی و طبیعی مناطق مختلف جهان بازدید کنند. گردشگری کروز به سفرهای تفریحی دریایی با استفاده از کشتی‌های بزرگ مسافرتی گفته می‌شود که معمولاً به مدت چند روز یا چند هفته به مقاصد مختلف انجام می‌پذیرد. کشتی‌های کروز به عنوان هتل‌های شناور شناخته می‌شوند؛ زیرا تمام امکانات رفاهی، اقامتی و تفریحی در این کشتی‌ها فراهم است.

اولین کشتی‌های کروز به منظور سفرهای لوکس و تفریحی در قرن نوزدهم طراحی شدند. با گذشت زمان، این نوع سفر به یک صنعت مهم جهانی تبدیل شد. اولین کشتی‌های کروز مدرن در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط شرکت‌هایی همچون Cunard Line و Royal Caribbean ساخته شدند. کشتی‌های کروز به دلیل اندازه و امکانات گسترده خود، تفاوت زیادی با کشتی‌های معمولی دارند.

این کشتی‌ها دارای امکانات اقامتی نظیر اتاق‌های لوکس، سوئیت‌ها و کابین‌های استاندارد هستند. رستوران‌ها و غذاخوری‌های متنوع با انواع غذاهای بین‌المللی از دیگر ویژگی‌های این کشتی‌ها است که بسته به شرکت کروز و مسیر سفر دریایی، ممکن است به صورت آلاکارت یا بوفه ارائه شوند. همچنین کشتی‌های کروز دارای استخر، سالن‌های تئاتر، سالن‌های ورزشی، کازینو، فروشگاه‌ها و سایر امکانات تفریحی برای سرگرمی مسافران هستند. علاوه بر این، کشتی‌های کروز معمولاً مجهز به اسپا، سالن‌های ماساژ، زمین‌های ورزشی و باشگاه‌های بدنسازی هستند که به مسافران امکان استفاده از ورزش و خدمات بهداشتی را می‌دهند. کشتی‌های کروز توسط شرکت‌های مختلفی ساخته می‌شوند و هر شرکت شناخته‌شده، کشتی‌های خاص خود را تولید می‌کند. نام تعدادی از کشتی‌های کروز مهم به ترتیب شرکت‌های سازنده در جدول زیر بدان اشاره شده است. این شرکت‌ها، برخی از بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین سازندگان کشتی‌های کروز در دنیا هستند و کشتی‌های آن‌ها به دلیل طراحی مدرن، امکانات لوکس و ویژگی‌های منحصر به فرد شهرت زیادی دارند.

جدول ۱-۱- شرکت‌های برجسته کشتی‌سازی در جهان و نمونه‌ای از کشتی‌های تفریحی ساخته‌شده

توسط آن‌ها

شرکت	کشور	کشتی‌ها
میر وارفت (آلمان) (Meyer Werft)	آلمان	<ul style="list-style-type: none"> ▪ AIDAnova (آنووا) ▪ Iona (ایونا) ▪ Quantum of the Seas
(فینکانتیری - ایتالیا) Fincantieri	ایتالیا	<ul style="list-style-type: none"> ▪ MSC Meraviglia ▪ Costa Smeralda ▪ Viking Jupiter
کشتی‌سازی آتلانتیک (فرانسه) (Chantiers de l'Atlantique)	فرانسه	<ul style="list-style-type: none"> ▪ Symphony of the Seas ▪ Harmony of the Seas ▪ Oasis of the Seas
کشتی‌سازی سامسونگ (کره جنوبی)	کره جنوبی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ Quantum of the Seas ▪ Anthem of the Seas
Meyer Turku (فنلاند)	فنلاند	<ul style="list-style-type: none"> ▪ Celebrity Edge ▪ Spectrum of the Seas



شکل ۱-۳- کشتی AIDAnova (آنووا)



شکل ۱-۴- کشتی Oasis of the Seas



شکل ۱-۵- کشتی Harmony of the Seas

گردشگری کروز به چندین مدل مختلف از لحاظ نوع سفر تقسیم‌بندی می‌شوند که هر کدام ویژگی‌ها و مقاصد خاص خود را دارند. کروزهای دریایی بلندمدت شامل سفرهایی هستند که ممکن است به مدت یک ماه یا بیشتر به مناطق مختلف جهان انجام شوند و معمولاً برای افرادی که به دنبال تعطیلات طولانی‌تر هستند، جذاب است. کروزهای کوتاه‌مدت نیز معمولاً به مدت ۳ تا ۷ روز به مقصدهایی مانند جزایر کارائیب، مدیترانه یا آمریکای شمالی می‌روند. همچنین کروزهای رودخانه‌ای که بیشتر در رودخانه‌ها و کانال‌ها انجام می‌شوند، مقصدهایی مانند شهرهای تاریخی و مناطق دیدنی در داخل کشور را شامل می‌شوند. همچنین کروزهای خاصی وجود دارند که بر اساس موضوعات خاصی مانند سفرهای فرهنگی و طبیعت‌گردی برگزار می‌شوند.

گردشگری کروز برای مسافران و جوامع محلی مزایای زیادی دارد. مسافران می‌توانند در کنار سفر از امکانات تفریحی، ورزشی و درمانی موجود در کشتی بهره‌مند شوند و در عین حال از بازدید از چندین مقصد در یک سفر لذت ببرند. یکی از مزایای مهم کروزها این است که مسافران می‌توانند در طول یک سفر کوتاه به چندین کشور یا جزیره مختلف سفر کنند. علاوه بر این، کشتی‌های کروز به دلیل امنیت بالا و امکانات ویژه‌ای که دارند، گزینه راحتی برای مسافران به شمار می‌آیند. همچنین گردشگری کروز می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد محلی بگذارد و منبع درآمد برای بنادر و مقاصد مختلف باشد. این صنعت می‌تواند فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد کند و زیرساخت‌های گردشگری را در کشورهای میزبان بهبود بخشد.

با این حال، گردشگری کروز با چالش‌ها و تهدیداتی نیز همراه است. استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست ناشی از کشتی‌ها، از جمله مهم‌ترین نگرانی‌ها است. کشتی‌های کروز ممکن است به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی و دفع ضایعات به دریا، آلودگی زیست‌محیطی ایجاد کنند. همچنین حضور تعداد زیادی کشتی در یک بندر می‌تواند به ازدحام و کاهش کیفیت تجربه گردشگری در آن مقصد منجر شود. همچنین روند فزاینده گردشگری انبوه ممکن است باعث شلوغی بیش از حد در مقاصد خاصی شود که موجب تخریب منابع طبیعی و فرهنگی آن مناطق گردد. تغییرات اقلیمی و بالا آمدن سطح دریاها نیز به تهدیدهایی برای بنادر و مسیرهای کروز تبدیل شده‌اند.

گردشگری کروز نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. این صنعت شامل فعالیت‌های مختلفی است که می‌تواند به رشد اقتصادی کشورهای مقصد کمک کند. این صنعت به طور مستقیم و غیرمستقیم فرصت‌های شغلی زیادی را در بنادر، کشتی‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها و دیگر صنایع مرتبط ایجاد می‌کند. همچنین کشتی‌های کروز معمولاً به کشورهای مختلف سفر می‌کنند و این امر باعث افزایش درآمدهای ارزی از طریق گردشگری و خدمات مرتبط می‌شود. کشورهای میزبان کشتی‌های کروز، ممکن است زیرساخت‌های خود را برای جذب بیشتر گردشگران بهبود دهند.

۱-۲-۲- آینده گردشگری دریایی کروزر

آینده گردشگری کروزر به دلیل تغییرات تکنولوژیکی و افزایش آگاهی نسبت به محیط زیست، در حال تحول است. شرکت‌های کروزر در حال توسعه کشتی‌هایی با سوخت‌های پاک و فناوری‌های سبز هستند تا تأثیرات زیست‌محیطی را کاهش دهند. همچنین به جای کشتی‌های غول‌پیکر، سفر با کشتی‌های کوچک‌تر که کمتر آلودگی ایجاد می‌کنند و تجربه‌ای لوکس‌تر فراهم می‌آورند، محبوب‌تر خواهد شد. علاوه بر این، گردشگری کروزر به سمت تجربه‌های منحصر به فرد و ماجراجویانه حرکت خواهد کرد که شامل گشت و گذار در مکان‌های دور دست و ناشناخته است.

پس از تعطیلی صنعت کروزر به دلیل همه‌گیری کرونا در اوایل سال ۲۰۲۰، این صنعت از اوایل ۲۰۲۲ دوباره شروع به رشد کرد و پیش‌بینی می‌شد که در سال ۲۰۲۳ به شرایط عادی بازگردد. کاهش محدودیت‌های سفرهای بین‌المللی و بازگشت مسافران، باعث رونق دوباره صنعت کروزر شد. در حال حاضر، بزرگ‌ترین چالش پیش روی این صنعت، ایجاد شرایطی است که تمام ذی‌نفعان از بازگشت کشتی‌ها و مسافران بهره‌مند شوند. یکی از نکات مهم در دوران کرونا و پساکرونا، تجدید تعهد شرکت‌های کروزر به پایداری است. اگرچه این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۲ به پایداری متعهد شده‌اند، اما مفهوم این تعهد در عمل پیچیده است. صنعت کروزر تنها یکی از اجزای بزرگ گردشگری کروزر است که شامل دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، بنادر و کسب‌وکارهای محلی می‌شود. هر یک از این گروه‌ها تعاریف متفاوتی از پایداری دارند و گاهی اهدافشان ممکن است با یکدیگر تناقض داشته باشد. به عنوان مثال، دیدگاه‌ها نسبت به تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی حضور کشتی‌های کروزر در بنادر ممکن است متفاوت باشد. در این راستا، مفهوم گردشگری مسئولانه مطرح می‌شود که به سوال «پایداری برای چه کسی؟» پاسخ می‌دهد. در حالی که پایداری برای شرکت‌های کروزر عمدتاً به سودآوری و کاهش هزینه‌ها مربوط می‌شود، گردشگری مسئولانه بر منافع جوامع محلی و تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد. در بحران‌های بهداشتی مانند همه‌گیری، مسئولیت شرکت‌هاست که اطلاعات لازم را به‌طور شفاف در اختیار بنادر قرار دهند تا از خطرات احتمالی جلوگیری شود.

از سوی دیگر، صنعت کروزر با مشکلاتی در رابطه با نیروی کار نیز روبه‌رو است. بسیاری از کارگران کشتی‌های کروزر از کشورهای در حال توسعه استخدام می‌شوند و شرایط کاری آن‌ها معمولاً ضعیف است. حقوق پایین، ساعات طولانی کار و نبود حمایت‌های کافی از حقوق کارکنان، مسائل مهمی هستند که نیاز به توجه بیشتری دارند. این در حالی است که شرکت‌های کروزر باید مسئولیت‌پذیرتر نسبت به جوامعی که از آنها استفاده می‌کنند، عمل کنند.

مسائل زیست‌محیطی نیز چالش دیگری است که صنعت کروزر با آن روبه‌رو است. بسیاری از شرکت‌های کروزر ادعا می‌کنند که تمامی استانداردهای محیط زیستی بین‌المللی را رعایت می‌کنند، اما در عمل گاهی این استانداردها به درستی اعمال نمی‌شود. برای مثال، کشتی‌ها ممکن است فاضلاب‌های خاکستری خود را بدون رعایت قوانین به دریا بریزند. برخی مناطق، مانند آلاسکا،

اقداماتی برای نظارت بر رفتار زیست‌محیطی کشتی‌ها اتخاذ کرده‌اند تا از آلوده شدن آب‌های ساحلی جلوگیری کنند.

همچنین، نکته مهمی که وجود دارد این است که بنادر مقصد کروز نیز باید از مزایای گردشگری کروز بهره‌مند شوند. بسیاری از بنادر با شرایط فشار شرکت‌های کروز برای کاهش هزینه‌ها روبرو هستند و این امر می‌تواند منجر به توزیع ناعادلانه منافع شود. بنادر باید به‌طور مستقل عمل کرده و از موقعیت خود در مذاکرات با شرکت‌های کروز برای به دست آوردن سهم عادلانه استفاده کنند. این امر مستلزم همکاری و مشاوره با تمامی ذی‌نفعان است تا اطمینان حاصل شود که گردشگری کروز به نفع تمامی طرف‌ها است.



شکل ۱-۶- کشتی MSC CRUISES، رویکرد هدفمندتر تعهد به پایداری در بین کشتی‌های کروز

۱-۳- مفهوم گردشگری ساحلی

گردشگری ساحلی^۱، به فعالیت‌های گردشگری مبتنی بر سواحل اشاره دارد که شامل شنا، موج‌سواری، آفتاب‌گیری و دیگر فعالیت‌های تفریحی ساحل‌محور می‌شود. مناطق ساحلی، به عنوان مناطقی تعریف می‌شوند که در کنار دریا قرار دارند و یا حداقل نیمی از قلمرو آن‌ها در فاصله ۱۰ کیلومتری از ساحل واقع شده است. این مناطق به دلیل زیبایی‌های طبیعی، تنوع زیستی و منابع فرهنگی غنی، همواره مورد توجه گردشگران بوده‌اند. این نوع گردشگری، در نواحی ساحلی انجام می‌گیرد و به‌طور خاص از منظر جغرافیایی و فرهنگی به این مناطق وابسته است. سواحل به‌عنوان مقاصد جذاب، امکانات متنوعی را برای گردشگران فراهم می‌آورد که شامل خدمات اقامتی، غذا و فعالیت‌های تفریحی می‌شود. خاستگاه گردشگری ساحلی به دوران رومیان برمی‌گردد. زمانی که اولین ویلاها در بخش جنوبی شبه جزیره آپنین ساخته شدند. از اواسط قرن ۱۸ به بعد، گردشگری ساحلی با خواص درمانی دریا و خورشید مرتبط بود. خورشید، دریا و شن و ماسه همواره از عوامل اصلی جذب گردشگران به سواحل بوده‌اند. گردشگری ساحلی از ترکیب منابع خاصی که در نواحی مرزی بین زمین و دریا قرار دارند، شکل می‌گیرد. در این مناطق، امکانات رفاهی و زیرساخت‌های مناسب با زیبایی‌های طبیعی دریا، سواحل، تنوع زیستی غنی ساحلی و دریایی، میراث فرهنگی و تاریخی و غذاهای محلی سالم همراه است.

فعالیت‌های تفریحی ساحلی که در دهه اخیر هم از نظر حجم و هم از نظر تعداد رو به افزایش بوده است، جایگاه منحصر به فردی را در گردشگری ساحلی به خود اختصاص داده است. این فعالیت‌ها، در دو نوع کاربری تفریحی شامل مصرفی و غیرمصرفی در مناطق ساحلی هستند. فعالیت‌هایی مانند ماهیگیری، صدف‌گیری و جمع‌آوری صدف و غیره در دسته اول (مصرفی) و فعالیت‌هایی همچون شنا، غواصی، قایق‌سواری، موج‌سواری، موج‌سواری، جت اسکی، تماشای پرندگان، غواصی و غیره جزء دسته دوم (غیرمصرفی) قرار می‌گیرد.

گردشگری ساحلی وابسته به منابع طبیعی مانند اقلیم، چشم‌انداز و اکوسیستم و منابع فرهنگی مثل میراث تاریخی، هنر و صنایع دستی، سنت‌ها و غیره است. این نوع گردشگری شامل فعالیت‌هایی می‌شود که تنها در مناطق خاص و تحت شرایط ویژه قابل انجام هستند. بنابراین، برخی مناطق به دلیل ویژگی‌های خاصشان برای انواع خاصی از فعالیت‌های گردشگری مناسب شناخته می‌شوند و در سطح جهانی معروف شده‌اند. برای مثال، می‌توان به قایقرانی در خلیج مکزیک، موج‌سواری در سواحل استرالیا و هاوایی و یا غواصی در دریای سرخ اشاره کرد.

توسعه گردشگری در مناطق ساحلی، تنها به شرایط فیزیکی محدود نمی‌شود. بلکه تحت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی محیط پذیرنده نیز قرار دارد. از جمله این ویژگی‌ها، می‌توان به منافع جامعه محلی، شرایط بهداشتی و امنیتی، عوامل سیاسی نظیر بحران‌های پیش‌بینی‌نشده، نوسانات نرخ ارز و مدل‌های سنتی بهره‌برداری از گردشگری اشاره کرد. همچنین، تصویر بازاریابی

موفق یا ناکارآمد از یک مقصد نیز در این زمینه نقش بسزایی دارد. علاوه بر این، شرایط محیطی به‌ویژه در مناطق ساحلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تغییرات ناگهانی آب و هوایی، وزش باد شدید و خطرات مرتبط با آتش‌سوزی‌های جنگلی، سونامی، طوفان و سیلاب‌ها، همگی عواملی هستند که می‌توانند بر توسعه گردشگری تأثیر بگذارند. تأثیرات این شرایط می‌تواند موجب کاهش جاذبه یک مقصد برای گردشگران، افزایش هزینه‌های عملیاتی و ایجاد عدم اطمینان در صنعت گردشگری شود. به این ترتیب، برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی، هم‌ترازی بین منافع جامعه محلی، شرایط ایمنی و بهداشتی، عوامل سیاسی و وضعیت محیطی ضروری است. بکارگیری استراتژی‌های مناسب بازاریابی و مدیریت ریسک می‌تواند به افزایش جذابیت گردشگری کمک کند و به حفظ تعادل میان عرضه و تقاضا در این مناطق منجر شود.



شکل ۱-۷- گستره گردشگری ساحلی با توجه به تعریف آن

۱-۳-۱- وسعت و اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی

گردشگری از جمله فعالیتهای اقتصادی اصلی در بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. آمار سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که گردشگری، بزرگترین صنعت جهان با توجه به تعداد افراد درگیر و سود اقتصادی است. بر اساس داده‌های کمیسیون اروپا^۱، ۶۳ درصد از گردشگران اروپایی ساحل را ترجیح می‌دهند؛ در حالی که ۲۵ درصد کوهستان، ۲۵ درصد شهرها و ۲۳ درصد حومه شهر را برای گردش ترجیح می‌دهند.

اگرچه به تنهایی اطلاعات قابل‌اعتماد و کامل و جامعی در مورد گردشگری ساحلی وجود ندارد، اما یکی از سریع‌ترین رشدهای بخش گردشگری در دهه‌های اخیر مربوط به این حوزه بوده است. آمار سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که ۱۲ کشور از ۱۵ کشور مقصد برتر جهان در سال ۲۰۰۰، کشورهای دارای خطوط ساحلی بودند. به عنوان مثال، بریجز گزارش می‌دهد که سه ایالت ساحلی ایالات متحده (فلوریدا، کالیفرنیا و نیویورک)، میزان ۷۴ درصد از مجموع ۲۰۶ میلیون بازدیدکننده خارجی از ایالات متحده در سال ۱۹۹۵ بودند که ۸۵ درصد از درآمدهای مربوط به گردشگران را ایجاد کردند. بنابر اطلاعات همین مرجع، گردشگری ساحلی سالانه ۶۴۰ میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا خروجی عرضه می‌کند که برابر با ۸۵ درصد از درآمدهای مربوط به گردشگری است. نمونه قابل توجه دیگر حوزه مدیریتانه است. با تمام مشکلات برون‌یابی داده‌ها از آمارهای جمع‌آوری شده در مورد کشورهای مدیریتانه، سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که مناطق ساحلی مدیریتانه به تنهایی میزان حدود ۲۵۰ میلیون گردشگر در سال ۲۰۰۸ بوده که مطابق با تخمین بلوپلن (Blue Plan)، این عدد می‌تواند به ۳۱۲ میلیون گردشگر افزایش پیدا کند. طبق گزارش آژانس محیط زیست اروپا، اوج تراکم جمعیت در سواحل مدیریتانه فرانسه و اسپانیا به ۲۳۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع می‌رسد که بیش از دو برابر فصل زمستان است.

اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی غیرقابل تردید است. مطالعه ویلسون و ویلر در سال ۱۹۹۷ نشان می‌دهد که گردشگری ساحلی در کالیفرنیا با ۹.۹ میلیارد دلار، بزرگترین سهم را در اقتصاد این ایالت دارد و پس از آن بنادر (۶ میلیارد دلار) و نفت فراساحل (۸۶۰ میلیون دلار) به ترتیب سهم دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. داده‌های منطقه اقتصادی اروپا برای فرانسه نشان می‌دهد که گردشگری، ۴۳ درصد از مشاغل را در مناطق ساحلی فرانسه تامین می‌کند و درآمد بیشتری نسبت به ماهیگیری یا کشتیرانی ایجاد می‌کند. به طور مشابه، بخش گردشگری ساحلی در سایر مناطق جهان با توجه به بزرگی و سهم آن در اقتصاد ملی و همچنین رفاه جوامع محلی، به طور فزاینده‌ای از اهمیت برخوردار است.

اقتصادهای محلی ساحلی به طرز قابل توجهی از گردشگری سود می‌برند. چرا که این صنعت منجر به افزایش درآمدها، نرخ‌های بالای اشتغال و سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها می‌شود. بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، گردشگری به عنوان یکی از پویاترین

1- European Commission (EC)

بخش‌های اقتصادی، نقش کلیدی در میان ابزارهای مبارزه با فقر ایفا می‌کند و به ابزار اولیه توسعه پایدار تبدیل شده است. به عنوان مثال، آسیا و اقیانوسیه شاهد افزایش ۷.۶ درصدی گردشگری در سال ۲۰۰۶ بودند و عملکرد قابل توجهی در مقاصد نوظهور خود داشتند. ورود گردشگران بین‌المللی به جنوب آسیا، به‌ویژه به‌واسطه هند که نیمی از ورودها به این زیرمنطقه را بر عهده داشت، با ۱۰ درصد افزایش روبه‌رو شد. همچنین ورود گردشگران بین‌المللی به کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۶ به‌رغم وضعیت ژئوپولیتیکی نامطلوب، ۴ درصد رشد داشت. نتایج مربوط به آمریکای مرکزی (+۶.۱٪) و آمریکای جنوبی (+۷.۲٪) نشان‌دهنده تثبیت نتایج مثبت کشورهای نوظهور آمریکای لاتین (به‌ویژه شیلی، کلمبیا، گواتمالا، پاراگوئه و پرو) در سال‌های اخیر است.

با وجود تلاش‌های فراوان برای مدیریت پایدار گردشگری ساحلی، این نوع گردشگری در بسیاری از مقاصد نوظهور همچنان از ویژگی‌های فصلی برخوردار است. این وضعیت باعث می‌شود که در برخی فصول سال، این مناطق با حجم بالایی از گردشگران روبه‌رو شوند که ممکن است نتایج نامطلوبی به همراه داشته باشد. تأثیرات گردشگری بر جوامع ساحلی می‌تواند در سطوح مختلفی از جمله محیط‌های فیزیکی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی نمایان شود. در ابعاد محیطی، فشار بیش از حد گردشگران می‌تواند به تخریب منابع طبیعی، از بین رفتن تنوع زیستی و آسیب به اکوسیستم‌های ساحلی منجر شود. از نظر اقتصادی-اجتماعی، گردشگری کنترل‌نشده ممکن است موجب افزایش نابرابری‌های اجتماعی، فشار بر زیرساخت‌های محلی و تغییرات در سبک زندگی ساکنان محلی شود. همچنین، تأثیرات فرهنگی گردشگری می‌تواند باعث دگرگونی در هویت فرهنگی جوامع محلی، کمرنگ شدن سنت‌ها و آداب بومی و حتی تجاری‌سازی فرهنگ‌ها شود. این خطرات به‌ویژه زمانی تشدید می‌شود که گردشگران تمایل دارند از مناطق طبیعی و فرهنگی بسیار آسیب‌پذیر دیدن کنند. مناطقی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود در برابر فشارهای ناشی از گردشگری آسیب‌پذیرترند. بنابراین، مدیریت هوشمندانه و پایدار گردشگری ساحلی با تمرکز بر حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و ایجاد توازن میان توسعه اقتصادی و حفظ محیط‌زیست، امری ضروری است.

۱-۴- زنجیره ارزش گردشگری دریایی و ساحلی

گردشگری دریایی و ساحلی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی صنعت گردشگری، شامل مجموعه‌ای پیچیده از روابط میان بازیگران و بخش‌های مختلف است. این صنعت به طور گسترده‌ای شامل انواع خدمات و فعالیت‌ها از جمله اقامت، حمل‌ونقل، سازمان‌دهندگان سفر و دفاتر محلی گردشگری می‌شود. در این راستا، تحلیل تأثیرات اقتصادی گردشگری به بررسی جریان‌های مالی ناشی از هزینه‌های گردشگری می‌پردازد و به سه دسته تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و القایی تقسیم می‌شود.

تأثیرات مستقیم به هزینه‌هایی اشاره دارد که گردشگران در زمان سفر خود به کسب‌وکارها و نهادهای دولتی پرداخت می‌کنند. این هزینه‌ها می‌توانند شامل هزینه‌های اقامت در هتل‌ها، غذا در رستوران‌ها، بلیط‌های حمل‌ونقل و سایر خدمات مرتبط با سفر باشند. از آنجایی که گردشگران در این بخش‌ها هزینه می‌کنند، این هزینه‌ها به ایجاد درآمد برای این کسب‌وکارها و نهادهای منجر می‌شود.

تأثیرات غیرمستقیم به خرید کالاها و خدماتی مربوط می‌شود که توسط بخش‌های وسیع‌تری از صنعت گردشگری دریایی و ساحلی انجام می‌شود. به عنوان مثال، هزینه‌های گردشگران می‌تواند به خرید محصولات محلی از بخش تولید مواد غذایی و نوشیدنی، خدمات ساختمانی و ساخت‌وساز و همچنین خدمات بهداشتی و درمانی محلی منجر شود. این تأثیرات غیرمستقیم به نوبه خود به ایجاد اشتغال و درآمد در این بخش‌ها کمک می‌کند و در نهایت به رشد اقتصادی منطقه منجر می‌شود.

تأثیرات القایی به تغییرات در فعالیت‌های اقتصادی ناشی از هزینه‌های خانوارها اشاره دارد. این هزینه‌ها از درآمدهایی ناشی می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از گردشگری حاصل می‌شود. به عنوان مثال، کارمندانی که در صنعت گردشگری مشغول به کار هستند، درآمد خود را صرف خرید کالاها و خدمات از دیگر بخش‌های اقتصادی می‌کنند که این خود منجر به ایجاد رونق در اقتصاد محلی می‌شود.

بطور کلی، زنجیره ارزش گردشگری دریایی و ساحلی به مجموعه‌ای از روابط پیچیده و به هم پیوسته میان بخش‌های مختلف اقتصادی اشاره دارد که به شکل متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این روابط نه تنها منجر به افزایش درآمد و اشتغال در صنعت گردشگری می‌شود، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر سایر بخش‌های اقتصادی مانند حمل‌ونقل، هتلداری، رستوران‌ها، خدمات تفریحی و حتی صنایع دستی محلی دارد. در همین راستا، گردشگری می‌تواند به عنوان یک محرک اقتصادی

برای مناطق ساحلی و جزایر دورافتاده عمل کند و فرصتهایی برای توسعه مشاغل محلی و کاهش فقر فراهم آورد. درک و تحلیل دقیق این زنجیره ارزش برای برنامه‌ریزی مؤثر و توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی و دریایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحلیل می‌تواند کمک کند تا مسئولان و تصمیم‌گیرندگان به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این صنعت پرداخته و سیاست‌های مناسب برای توسعه آن تدوین کنند. برای بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های گردشگری دریایی و ساحلی، نیاز است که سیاست‌گذاران و فعالان این حوزه با همکاری نزدیک‌تر و تبادل اطلاعات، به ایجاد استراتژی‌های مؤثر و پایدار بپردازند. این همکاری باید شامل اقدامات مشترک میان دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی باشد تا تأثیرات منفی گردشگری مانند تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن منابع طبیعی به حداقل برسد. علاوه بر این، توجه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی گردشگری می‌تواند به غنی‌تر شدن تجربه گردشگران و ارتقاء کیفیت خدمات در این صنعت کمک کند. به‌طور مثال، معرفی و ترویج هنرهای محلی، صنایع دستی و فرهنگ‌های بومی می‌تواند تجربه‌های فراموش‌نشدنی برای گردشگران ایجاد کند و در عین حال باعث حفظ و ارتقای هویت فرهنگی جوامع محلی شود. از این رو، با اتخاذ رویکردی هماهنگ و جامع، می‌توان به رشد و شکوفایی بیشتر گردشگری دریایی و ساحلی دست یافت.

۱-۵- موقعیت ویژه جزایر کوچک در حال توسعه^۱

جزایر کوچک در حال توسعه به‌عنوان قلمروهایی آسیب‌پذیر، میزبان اکوسیستم‌های بی‌نظیر دریایی و ساحلی هستند که با ویژگی‌هایی مانند صخره‌های مرجانی، ساختارهای زمین‌شناسی خاص و مناظر چشم‌نواز شناخته می‌شوند. این مناطق با وجود جمعیت اندک، با چالش‌های متعددی مانند کمبود منابع طبیعی، فاصله زیاد از بازارهای جهانی، حساسیت بالا به بلایای طبیعی، وابستگی شدید به واردات و تجارت بین‌المللی و آسیب‌پذیری در برابر تحولات جهانی مواجه‌اند. افزون بر این، اقتصادهای محلی این جزایر توسعه‌نیافته بوده و با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل، ضعف در زیرساخت‌ها و دشواری‌های مدیریتی روبه‌رو هستند. کمبود منابع انسانی متخصص، ضعف نهادهای اجرایی و محدودیت‌های مالی نیز مانع بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی در این کشورها می‌شود. در چنین شرایطی، گردشگری به‌عنوان اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی و اجتماعی در این جزایر ایفای نقش می‌کند و در برخی مناطق، مانند کشورهای کارائیب، عملاً تنها صنعت فعال محسوب می‌شود. برای نمونه، کشورهای آنتیگوا و باربودا، آروبا و آنگویلا بیش از ۷۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را مدیون گردشگری هستند که بیش از ۸۰ درصد جمعیت شاغل را نیز در این بخش به کار گرفته است؛ هرچند نوع اشتغال در این صنعت غالباً به مشاغل غیرماهر یا نیمه‌ماهر محدود می‌شود.

این جزایر که در مناطق جغرافیایی گوناگونی همچون کارائیب، اقیانوس‌های آرام، اطلس و هند، دریای مدیترانه و دریای جنوبی چین قرار دارند، با وجود ظرفیت‌های طبیعی فراوان، با محدودیت‌های

1- Small Island Developing States (SIDS)

جغرافیایی و اکولوژیکی در مسیر توسعه پایدار روبه‌رو هستند. صنعت گردشگری در این کشورها علی‌رغم ایجاد درآمد قابل‌توجه، وابسته به فعالیت‌هایی است که به‌شدت بر محیط‌زیست تأثیر منفی می‌گذارند. ساخت‌وساز بی‌رویه در سواحل، فعالیت‌هایی مانند غواصی تفریحی و برداشت‌های بی‌رویه از منابع دریایی، باعث تخریب زیستگاه‌های حساس به‌ویژه صخره‌های مرجانی شده است. نبود چارچوب‌های قانونی مؤثر، ضعف سیاست‌گذاری زیست‌محیطی و نبود نظارت اجرایی مؤثر، از جمله مشکلات رایج در این کشورهاست. با این حال، تجربه برخی اقامتگاه‌ها نشان داده است که ابزارهایی مانند گواهی‌نامه‌های زیست‌محیطی یا استانداردهای اکوتوریسم می‌توانند نقش مهمی در ترغیب فعالان گردشگری به اقدامات حفاظتی ایفا کنند. حتی اقامتگاه‌هایی که فاقد گواهی‌نامه رسمی هستند، گاه به‌واسطه قرارگیری در محیط‌های طبیعی بکر، به‌صورت داوطلبانه به فعالیت‌های پایدار محیط‌زیستی روی می‌آورند، که این خود می‌تواند الگویی برای توسعه گردشگری پایدار در سایر نقاط مشابه باشد.

نمونه‌ای از یک جزیره کوچک در حال توسعه

آنتیگوا و باربودا یک کشور مستقل بین دریای کارائیب و اقیانوس اطلس است که از سه جزیره آنتیگوا، باربودا و ردوندا تشکیل شده است. سنت جان به عنوان پایتخت و بزرگ‌ترین شهر این کشور شناخته می‌شود. جاذبه اصلی این کشور بندرگاه نلسون است که بزرگ‌ترین پارک ملی آنتیگوا محسوب می‌شود و در گذشته مهم‌ترین پایگاه دریایی بریتانیا در کارائیب بوده است. این مکان تاریخی با ساختمان‌های حفظ‌شده و موزه اختصاصی خود، بازدیدکنندگان را به سفری در زمان می‌برد. با این حال، آنتیگوا و باربودا بیشتر به خاطر سواحل بی‌نظیر خود شهرت جهانی دارد که همواره در فهرست بهترین سواحل جهان قرار می‌گیرند.

این جزیره به بهشت علاقه‌مندان ورزش‌های آبی تبدیل شده است و فعالیت‌هایی مانند قایقرانی، ویندسرفینگ، کایت‌سرفینگ و یات‌سواری از محبوبیت ویژه‌ای برخوردارند. از سال ۱۹۶۸، مسابقات بین‌المللی سالانه قایقرانی با حضور بیش از صد یات در این کشور برگزار می‌شود که نشان‌دهنده جایگاه ویژه این منطقه در جهان ورزش‌های آبی است. اگرچه این کشور از میراث تاریخی ارزشمندی برخوردار است، اما امروزه سواحل خیره‌کننده و رویدادهای ورزشی هیجان‌انگیز آن را به مقصدی جهانی برای گردشگران تبدیل کرده است.



شکل ۱-۸- نمونه‌ای از جزیره کوچک در حال توسعه Antigua & Barbuda

با توجه به این واقعیت که مناطق مورد نظر به طور کامل ساحلی هستند، می‌توان گفت که گردشگری در این مناطق به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری ساحلی محسوب می‌شود. اگرچه فعالیت گردشگری در این نواحی شامل گردشگری داخلی و بین‌المللی است، استراتژی توسعه گردشگری در درجه اول بر جذب گردشگران بین‌المللی متمرکز است. این تمرکز بر گردشگران بین‌المللی قابل توجیه است؛ چرا که گردشگری داخلی عمدتاً منجر به توزیع مجدد درآمد ملی می‌شود، در حالی که گردشگری بین‌المللی می‌تواند ارزآوری زیادی برای مقصد داشته و درآمدهای ارزی مورد نیاز را تأمین کند. گردشگری در این مناطق، پتانسیل بالایی برای ایجاد پیوندهای اقتصادی با سایر بخش‌ها همچون تولید، خدمات، حمل‌ونقل، شیلات و کشاورزی دارد. به‌ویژه، گردشگری می‌تواند تقاضا برای محصولات و خدمات محلی را تحریک کند و به توسعه صنایع مختلف کمک کند. با این حال در بسیاری از این مناطق، ارتباطات و پیوندهای اقتصادی بین گردشگری و سایر صنایع به شدت ضعیف است. یکی از دلایل این ضعف، تمرکز بیشتر بر واردات به جای تولید داخلی است که باعث کاهش فرصت‌های همکاری میان گردشگری و دیگر بخش‌های اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، یکی دیگر از موانع عمده توسعه گردشگری در این مناطق، کمبود زیرساخت‌های مناسب گردشگری است. نبود شبکه‌های جاده‌ای کارآمد، سیستم‌های آبرسانی مناسب و سایر زیرساخت‌های حیاتی برای جذب و خدمات‌رسانی به گردشگران، از جمله مشکلاتی است که می‌تواند مانع از رشد و توسعه پایدار این صنعت شود. بنابراین، برای بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های گردشگری، لازم است که برنامه‌ریزی‌هایی برای بهبود زیرساخت‌ها و ایجاد ارتباطات مؤثر بین گردشگری و سایر بخش‌ها انجام گیرد.

جزیره‌های کوچک در حال توسعه، تا حد زیادی به محیط‌های طبیعی بکر و مناظر منحصر به فرد خود برای جذب گردشگران وابسته هستند. با این حال، تعداد بازدیدکنندگان ممکن است گاهی اوقات از جمعیت محلی فراتر رفته و شرایط معکوسی ایجاد کند که در آن صنعت گردشگری به شکل ادامه‌داری گسترش یابد. این گسترش می‌تواند منجر به فشار بر منابع طبیعی و زیرساخت‌های محلی شود. این موضوع در نهایت به تخریب آن‌ها و کاهش جذابیت زیبایی‌شناختی و تجربه گردشگران منجر می‌گردد. این وضعیت به کاهش تعداد گردشگران و در پی آن به تضعیف اقتصادی و تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود. در نهایت، این روند می‌تواند به فروپاشی کامل بخش گردشگری منجر شود که ممکن است غیرقابل بازگشت باشد.

به منظور کاهش اثرات منفی گردشگری، هم دولت‌ها و هم بخش خصوصی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. اولویت دولت باید بر ادغام سیاست‌های گردشگری با سایر سیاست‌ها باشد تا توسعه گردشگری در هماهنگی با اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی انجام شود. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های کلیدی باید در زیرساخت‌ها انجام شود. به گونه‌ای که نه تنها نیازهای بخش گردشگری، بلکه نیازهای کلی جامعه را نیز تأمین کند. بخش خصوصی (شامل کسب‌وکارهای گردشگری داخلی و خارجی) نیز می‌تواند نقش حیاتی در توسعه مقصد ایفا کند. صنعت گردشگری

خارجی که عمدتاً شامل شرکت‌های حمل‌ونقلی، هتل‌ها و اپراتورهای تور است، باید اطمینان حاصل کند که تصمیمات تجاری آن‌ها به طور کامل به مسائل پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مقصدی که در آن فعالیت می‌کنند، توجه دارد. با این حال، بسیاری از جوامع محلی تنها سهم اندکی از درآمد اقتصادی کسب‌وکارهای گردشگری کسب می‌کنند.

برای کاهش اثرات منفی گردشگری، هم دولت‌ها و هم بخش خصوصی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. اولویت دولت باید این باشد که سیاست‌های گردشگری را با سایر سیاست‌ها هماهنگ کند تا توسعه گردشگری با اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی هم‌راستا باشد. همچنین، باید در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری‌هایی صورت گیرد که نه تنها نیازهای بخش گردشگری، بلکه نیازهای کلی جامعه را نیز برآورده کند. بخش خصوصی، شامل کسب‌وکارهای داخلی و خارجی در صنعت گردشگری، می‌تواند نقشی حیاتی در توسعه مقصد ایفا کند. شرکت‌های گردشگری خارجی مانند حمل‌ونقل، هتل‌ها و اپراتورهای تور باید اطمینان حاصل کنند که تصمیمات تجاری آن‌ها به مسائل پایداری زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مقصد توجه دارد. با این حال، بسیاری از جوامع محلی تنها سهم کمی از درآمد کسب‌وکارهای گردشگری دارند.

۱-۶- مسائل جهانی گردشگری ساحلی و دریایی

توسعه گردشگری معمولاً یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی یک منطقه است. اگرچه این تغییرات ممکن است منجر به تأثیرات منفی زیست‌محیطی مانند از دست رفتن تنوع زیستی شوند، اما لزوماً نامطلوب محسوب نمی‌گردند؛ زیرا می‌توانند به حفظ نشاط جوامع کمک کنند. در برخی مناطق ساحلی، گردشگری می‌تواند مهم‌ترین فعالیت باشد و با ایجاد مزایای اقتصادی، به کاهش فقر کمک کند. گردشگری یک فعالیت جهانی است که فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف را گرد هم می‌آورد.

با این حال، طبق گزارش سالانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ در سال ۲۰۰۶، در حدود ۲.۵ میلیارد نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند. در سال‌های اخیر، گردشگری به طور فزاینده‌ای به عنوان یک ابزار بالقوه در جهت کاهش فقر در سراسر جهان شناخته شده است. چند دلیل برای این موضوع وجود دارد. اولاً، گردشگری نقش مهمی در اقتصاد کشورهای فقیر دارد. در سال ۲۰۰۱، درآمدهای گردشگری بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه بالغ بر ۱۴۲ میلیارد دلار آمریکا بوده است. در حالی که در سال ۲۰۰۵ به ۲۰۳ میلیارد دلار رسیده است. همچنین منبع اصلی درآمدهای ارزی در ۴۶ کشور از ۴۹ کشور کمتر توسعه یافته است. علاوه بر این، گردشگری در کشورهای در حال توسعه، بسیار سریعتر از کشورهای توسعه یافته رشد می‌کند. نرخ رشد پیش‌بینی شده بین ۵ تا ۶ درصد در سال برای آفریقا و جنوب آسیا (که محل زندگی اکثر فقیرترین مردم جهان است) به طور قابل توجهی بیشتر از کل جهان است.

1- United Nations Development Programme (UNDP)

علاوه بر این عوامل، می‌توان تأکید کرد که صنعت گردشگری یکی از محدود صنایعی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در زمینه‌هایی مانند میراث فرهنگی، حیات وحش طبیعی، اقلیم و جذابیت مناطق روستایی و دورافتاده، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته مزیت نسبی دارند. همچنین، گردشگری فرصتی برای حمایت از فعالیت‌های سنتی مانند ماهی‌گیری، کشاورزی و صنایع دستی ارائه می‌دهد. این صنعت به دلیل ویژگی‌های نیروی کارزادی که دارد، فرصت‌های شغلی را برای مردان، زنان و جوانان فراهم می‌آورد. همچنین گردشگری می‌تواند به جوامع محلی در سایر زمینه‌ها از جمله شناخته شدن بین‌المللی و ارج نهادن به فرهنگ و محیط‌زیست طبیعی آنها کمک کند. سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، هفت مکانیسم را برای کاهش فقر از طریق گردشگری شناسایی کرده که عبارتند از:

۱. استخدام نیازمندان در بنگاه‌های گردشگری؛
۲. عرضه کالا و خدمات به مؤسسات گردشگری توسط نیازمندان یا مؤسسات استخدام‌کننده آنها؛
۳. فروش مستقیم کالاها و خدمات به بازدیدکنندگان توسط فقرا (اقتصاد غیررسمی)؛
۴. ایجاد و اداره شرکت‌های گردشگری توسط فقرا (به عنوان مثال: شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط)؛
۵. مالیات بر درآمد یا سود گردشگری با عواید به نفع فقرا؛
۶. حمایت داوطلبانه توسط شرکت‌های گردشگری و گردشگران؛
۷. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بهبودیافته توسط صنعت گردشگری به طور مستقیم یا از طریق حمایت از سایر بخش‌ها نیز به نفع نیازمندان است.

رشد گردشگری به عنوان یک منبع مهم و در برخی مناطق غیرقابل جایگزین، نقش بسزایی در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. با این حال، این رشد نیز با چالش‌هایی همراه است که می‌تواند به تخریب محیط‌زیست و در نتیجه، کاهش کلی اقتصاد محلی منتهی شود. این پدیده به‌ویژه در مناطقی که به گردشگری وابسته هستند، نگرانی‌های قابل توجهی را ایجاد کرده است. علاوه بر این، تسلط اپراتورهای بین‌المللی گردشگری و دیگر سازمان‌های مربوط به این صنعت در سطح جهانی، می‌تواند منجر به جذب سودهای مالی توسط سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان خارجی شود. این وضعیت که به آن نشت^۱ می‌گویند، به عدم ارائه منابع مالی به جوامع محلی منجر می‌شود. به گزارش کنفدراسیون سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به یک مشکل جدی تبدیل شده است. بر اساس آمارها، نشت سود در برخی از کشورهای آفریقایی می‌تواند به ۸۵ درصد برسد. در کشورهایی با توسعه اقتصادی محدود، نظیر مناطق کمتر توسعه‌یافته دریای کارائیب و جزایر اقیانوس آرام و هند، درآمدهای خالص ارز خارجی به تنها ۵۰ درصد می‌رسد. بنابراین، ضروری است که سیاست‌گذاران و مسئولین، اقدامات موثری را به منظور مدیریت پایدار

گردشگری و اطمینان از اینکه منافع اقتصادی آن به جوامع محلی منتقل شود، در نظر بگیرند. با اجرای برنامه‌های مناسب و تقویت توانایی‌های محلی، می‌توان به کاهش اثرات منفی و نشت سود کمک کرد و از تخریب محیط زیست جلوگیری نمود.

گردشگری به‌ویژه گردشگری ساحلی و دریایی، به‌عنوان یکی از صنایع مهم جهانی، می‌تواند ابزار مؤثری برای کاهش فقر در جوامع مختلف باشد. برای دستیابی به این هدف، همکاری هماهنگ و یکپارچه تمامی ذینفعان ضروری است. این ذینفعان شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، عوامل تور، بخش خصوصی (خصوصاً هتل‌ها و رستوران‌ها) و جامعه مدنی می‌شوند. دولت‌ها باید سیاست‌ها و زیرساخت‌های لازم را برای تسهیل شرایط گردشگری ایجاد کنند. به‌ویژه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی، آب و همچنین بهبود خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، آموزش نیروی کار محلی برای ارائه خدمات با کیفیت، می‌تواند کمک شایانی به رشد صنعت گردشگری و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در جوامع محلی کند. سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌توانند با ارائه مشاوره، منابع مالی و دانش فنی، به کشورها در جهت توسعه پایدار صنعت گردشگری کمک کنند. این سازمان‌ها با توجه به تجربه‌های جهانی و راهکارهای مبتنی بر اصول توسعه پایدار، می‌توانند نقش مهمی در هدایت سیاست‌گذاری‌ها و ارتقای ظرفیت‌های محلی ایفا کنند. عوامل تورهای گردشگری و بخش خصوصی، به‌ویژه هتل‌ها و رستوران‌ها، با رعایت اصول گردشگری مسئولانه می‌توانند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد محلی داشته باشند. این بخش‌ها می‌توانند از طریق استخدام افراد محلی، تأمین محصولات از منابع داخلی و حمایت از صنایع بومی، درآمدهای حاصل از گردشگری را به جوامع محلی بازگردانند. اینگونه، بخش خصوصی به‌طور مستقیم به کاهش فقر و ارتقای معیشت افراد محلی کمک می‌کند. در این میان، جامعه مدنی نیز می‌تواند با ارتقای آگاهی عمومی و حمایت از گردشگری پایدار، نقش کلیدی در موفقیت این فرآیند ایفا کند. آموزش عمومی در خصوص مزایای گردشگری پایدار و ایجاد حس مسئولیت در میان گردشگران و جوامع محلی، به‌ویژه در حفظ منابع طبیعی و فرهنگی، از مهم‌ترین وظایف جامعه مدنی است. به‌طور کلی، همکاری معنادار و هماهنگ میان تمامی ذینفعان گردشگری، شرط لازم برای تحقق اهداف توسعه پایدار و کاهش فقر است. تنها در صورتی که تمامی بخش‌ها در یک جهت حرکت کنند، می‌توان گردشگری را به‌عنوان ابزاری مؤثر در بهبود معیشت جوامع محلی و ارتقاء کیفیت زندگی آنها تبدیل کرد.

مساله دیگر، موضوع تغییرات اقلیمی است. تغییرات اقلیمی می‌توانند به صورت تغییرات در دما، بارش، سطح دریا، سیلاب، فرسایش، نفوذ آب شور و کاهش تنوع زیستی بروز کنند. مناطق ساحلی بویژه در برابر شرایط اقلیمی تغییر یافته آسیب‌پذیر هستند. دلتای کم ارتفاع، سواحل باربری، جزایر صخره‌ای با ارتفاع کم و جزایر مرجانی نسبت به افزایش سطح دریا و نیز تغییرات در بارش، فراوانی طوفان و شدت آن‌ها حساس هستند. این تغییرات می‌توانند تأثیرات منفی بر روی ماهیگیری، کشاورزی، سکونت انسان‌ها، خدمات مالی و سلامت عمومی داشته باشند. اما همچنین می‌توانند

به‌طور قابل توجهی بر تصمیمات گردشگران در انتخاب مقصد تأثیرگذار باشند و در نهایت جریان کلی گردشگری را تحت تأثیر قرار دهند. با توجه به حساسیت بالای مناطق ساحلی در برابر تغییرات اقلیمی، لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری، به طور جدی به این تهدیدات بپردازند و راهکارهایی برای کاهش آسیب‌ها و سازگاری با شرایط جدید ارائه دهند. افزایش آگاهی عمومی و ترویج گردشگری پایدار می‌تواند نقشی اساسی در کاهش آثار منفی تغییرات اقلیمی در این مناطق ایفا کند. حفاظت از منابع طبیعی و افزایش تاب‌آوری جوامع محلی، نیازمند همکاری بین‌المللی و تعهدات ملی و محلی است تا بتوان از تبعات تغییرات اقلیمی پیشگیری کرد و به آینده‌ای پایدار دست یافت.

تغییرات در شرایط آب و هوایی، نیاز به مدیریت تطبیقی در بخش گردشگری را به‌منظور حفظ منافع اجتماعی-اقتصادی برای جوامع محلی و در عین حال تضمین تجربه‌ای با کیفیت برای گردشگران ایجاد می‌کند. گزارش پنل بین‌دولتی تغییرات آب و هوایی^۱، افزایش دما به اندازه ۱.۸ تا ۴ درجه سانتی‌گراد و افزایش سطح دریا به میزان ۰.۲۸ تا ۰.۴۸ متر را پیش‌بینی کرده است. علاوه بر این، در صورتی که یخچال‌های طبیعی به ذوب شدن خود ادامه دهند، افزایش‌های بیشتر تا یک متر تا سال ۲۱۰۰ میلادی قابل رد نیست. همچنین در گزارش آمده است که احتمال وقوع رویدادهای شدید دمایی، امواج گرما و بارش‌های سنگین بیشتر خواهد شد. طوفان‌های گرمسیری احتمالاً شدیدتر می‌شوند و دمای سطح دریا در نواحی گرمسیری همچنان افزایش خواهد یافت. همچنین نواحی تحت تأثیر این نوع رویدادهای طبیعی گسترش خواهند یافت. با وجود اینکه پیش‌بینی‌های قبلی در سال ۲۰۰۱ بسیار وسیع‌تر از پیش‌بینی‌های اخیر بوده‌اند، اما خطای موجود در دامنه دما و افزایش سطح دریا هنوز قابل توجه است. این عدم قطعیت‌ها، مشکلاتی را برای برنامه‌ریزی و اجرای استراتژی‌های دفاعی سواحل ایجاد می‌کند. به علاوه، این عدم قطعیت‌ها باید در برنامه‌ریزی گردشگری نیز مورد توجه قرار گیرند تا امکان سازگاری با تغییرات آب و هوایی و حفاظت از منافع جوامع محلی فراهم شود. در این راستا، مدیریت تطبیقی و اقدامات پیشگیرانه در گردشگری می‌تواند به حفظ پایداری اکولوژیک و اجتماعی کمک کند. به طوری که هم برای جوامع محلی و هم برای گردشگران تجربه‌ای مثبت به ارمغان بیاورد.

همانطور که اشاره شد، تغییرات اقلیمی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان امروز است و یکی از مسائل مهم در این زمینه، افزایش غلظت دی‌اکسید کربن در جو است. از زمان پیش از صنعتی شدن، افزایش این غلظت عمدتاً به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی بوده است. در صنعت گردشگری، استفاده از سوخت‌های فسیلی یکی از مشکلات اصلی زیست‌محیطی به حساب می‌آید. طبق گزارش‌های سازمان‌های سازمان جهانی گردشگری، برنامه محیط‌زیست سازمان ملل و سازمان جهانی هواشناسی، حدود پنج درصد از کل انتشار دی‌اکسید کربن جهانی مربوط به فعالیت‌های گردشگری از جمله حمل‌ونقل، اقامت و سایر فعالیت‌ها است. این رقم ممکن است با احتساب

1- Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

اثرات گرمایی، به ۱۴ درصد نیز برسد. از این پنج درصد، حدود ۷۵ درصد از گازهای گلخانه‌ای توسط حمل‌ونقل ایجاد می‌شود. با این حال، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف گردشگری و انواع حمل‌ونقل متفاوت است. سفرهای اتوبوسی و ریلی ۳۴ درصد از کل سفرهای گردشگری را تشکیل می‌دهند. اما تنها ۱۳ درصد از دی‌اکسید کربن تولید شده را به خود اختصاص می‌دهند. در مقابل، سفرهای بلندمدت که تنها ۲.۷ درصد از کل سفرهای گردشگری را شامل می‌شوند، ۱۷ درصد از آلودگی گازهای گلخانه‌ای مربوط به گردشگری را تولید می‌کنند.

براساس برآوردها، در سال ۲۰۰۵ سهم گردشگری در گرمایش جهانی بین ۵ تا ۱۴ درصد از گرمایش کلی ناشی از گازهای گلخانه‌ای انسان‌ها تخمین زده شده است. با توجه به وابستگی زیاد گردشگری به سوخت‌های فسیلی و تأثیرات آن بر تغییرات اقلیمی، لازم است استراتژی‌هایی برای کاهش این نوع آلودگی تدوین و اجرایی شود.

با توجه به گزارش‌ها و پیش‌بینی‌ها، با افزایش تقاضا برای سفر و گردشگری، اثرات این صنعت بر تغییرات اقلیمی به طرز قابل‌توجهی افزایش خواهد یافت. طبق پیش‌بینی‌های کارشناسان سازمان جهانی گردشگری و سازمان‌های محیط‌زیست، تا سال ۲۰۳۵ تعداد سفرهای گردشگری ۱۷۹ درصد، شب‌های اقامتی ۱۵۶ درصد و مسافت طی شده توسط مسافران ۲۲۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین انتشار دی‌اکسید کربن در این صنعت ۱۵۲ درصد رشد خواهد کرد. هرچند که بهبود کارایی حمل‌ونقل و برقی‌سازی ناوگان می‌تواند تا حدی این افزایش را کاهش دهد. سهم حمل‌ونقل هوایی در انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز از ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۵۲ درصد در ۲۰۳۵ خواهد رسید. این رشد در صنعت گردشگری با اهداف کاهش تغییرات اقلیمی تناقض دارد و ممکن است به تلاش‌های جهانی برای کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی آسیب برساند. بنابراین، سیاست‌گذاران و فعالان صنعت گردشگری باید اقدامات جدی برای توسعه پایدار و کاهش اثرات زیست‌محیطی این صنعت انجام دهند. این اقدامات می‌تواند شامل بهبود بهره‌وری انرژی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پایدار مقاصد و تغییر رفتار گردشگران باشد. همچنین پذیرش تدابیر کاهش تغییرات اقلیمی می‌تواند فرصت‌های تجاری جدیدی را ایجاد کند که هم به نفع محیط‌زیست و هم به نفع صنعت گردشگری باشد.

مبحث دیگر در مسائل جهانی گردشگری ساحلی، رخدادهای طبیعی است. زلزله و سونامی ۲۰۰۴، یکی از فاجعه‌آمیزترین حوادث طبیعی در تاریخ معاصر بود که با تلفات نزدیک به ۲۷۰,۰۰۰ نفر و زخم‌های عمیق به حدود نیم میلیون نفر، میلیون‌ها نفر دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داد. آسیب‌های جسمی قابل‌توجهی بویژه در کشورهای اندونزی، هند، مالزی، تایلند، سری‌لانکا و مالدیو وارد شد. سواحل توریستی این کشورها به شدت آسیب دید و این خسارات به طور خاص بر زیرساخت‌های گردشگری در تایلند، سری‌لانکا و مالدیو تأثیر گذاشت. عواقب اقتصادی این فاجعه به وضوح قابل مشاهده بود. در ژانویه ۲۰۰۵، کاهش ۸۵ درصدی در ورود گردشگران بین‌المللی به این مناطق رخ داد. نرخ اشغال هتل‌ها به ۱۰ درصد کاهش یافت و آمار ورود گردشگران در نیمه

اول ۲۰۰۵ کاهش ۶۷.۲ درصدی را نشان داد. همچنین حدود ۵۰۰ شرکت گردشگری در همین سال با بیش از ۳۰۰۰ کارمند به دلیل این بحران ورشکست شدند. این موضوع در همه‌گیری کرونا نیز مشاهده گردید. این وضعیت نشان‌دهنده ناامیدی و چالش‌های جدی برای صنعت گردشگری در منطقه بود و نشان می‌دهد که بلایای طبیعی نه تنها بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند اقتصاد و معیشت جوامع را نیز ویران کند.

همچنین بررسی داده‌های سطح آب دریا به‌ویژه پس از وقوع سونامی می‌تواند در تعیین مناطق آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای ایمنی انسان‌ها نقش مهمی داشته باشد. این موضوع در بخش گردشگری ساحلی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. اندازه‌گیری‌های میدانی از مناطق تحت تأثیر سونامی نشان می‌دهد که سطح آب در نواحی با شیب بین ۱.۵ تا ۵ متر و در نواحی کم‌ارتفاع مانند ناگاپاتینام که سواحل آرام و شیب ملایم دارند، تا نزدیک ۲ کیلومتر پیش رفته است. این اطلاعات می‌توانند به تعیین خطوط آسیب‌پذیری و خطوط عقب‌نشینی برای استقرار انسانی از جمله در صنعت گردشگری، کمک کند. استفاده از داده‌های سطح آب به مسئولان و برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد که مناطق پرخطر را شناسایی کرده و بر اساس آن استراتژی‌های مناسبی برای کاهش خطرات تدوین کنند. در مناطق کم‌ارتفاع، این داده‌ها به‌ویژه در تعیین مکان‌های مناسب برای توسعه زیرساخت‌ها اهمیت دارد. با توجه به افزایش سوانح طبیعی در سال‌های اخیر، استفاده از این داده‌ها در برنامه‌ریزی شهری و گردشگری ضروری است و می‌تواند به حفاظت از جان و مال انسان‌ها کمک کند. مناطق ساحلی که به دلیل جذابیت‌های طبیعی مقصد گردشگری هستند، همیشه با چالش‌هایی مانند خطر سونامی روبه‌رو هستند. یکی از این چالش‌ها، نیاز به تدابیر حفاظتی مناسب است. با این حال در بسیاری از موارد، فاصله‌گذاری بیش از ۵۰۰ متر از ساحل به‌عنوان اقدام حفاظتی انجام نمی‌شود؛ چرا که نزدیکی به دریا عامل جذب گردشگران است. برخی کارشناسان معتقدند که فاصله‌گذاری از سواحل غیرمنطقی است؛ زیرا خطر سونامی به‌طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است روش‌های دیگری برای حفاظت از جان افراد موثرتر باشد. این روش‌ها شامل سیستم‌های هشداردهنده و آموزش عمومی برای اقدامات لازم در زمان وقوع سونامی است. بنابراین، در حالی که فاصله‌گذاری به عنوان یک راهکار مطرح است، واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی در این مناطق نیاز به رویکردهای جامع‌تر برای مدیریت خطرات سونامی دارند. آموزش عمومی و سیستم‌های اطلاعاتی می‌توانند خطرات را کاهش دهند و از جان افراد محافظت کنند، بدون آنکه صنعت گردشگری آسیب ببیند. به‌علاوه، برنامه‌ریزی دقیق برای همه نواحی ساحلی، نه‌تنها در مناطق کم‌ارتفاع، بلکه در تمام سواحل، اهمیت دارد. سواحل به‌طور کلی در معرض آسیب‌های زیاد از جمله شهرک‌سازی و آلودگی هستند و افزایش سطح دریا به‌دلیل تغییرات اقلیمی این آسیب‌ها را بیشتر کرده است. بنابراین، باید به‌طور هم‌زمان به آگاهی‌رسانی، برنامه‌ریزی برای مدیریت منابع و طراحی کارآمد مناطق ساحلی پرداخته شود. در این راستا، تحلیل آسیب‌پذیری سواحل، پایش تغییرات اقلیمی و تدوین سیاست‌های مناسب می‌تواند به حفاظت از این مناطق کمک کند. سرمایه‌گذاری در

پروژه‌های آگاه‌سازی عمومی و برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی می‌تواند به بهبود امنیت و رفاه ساکنان و گردشگران این نواحی کمک کند.

در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، تحقیقات نشان داده که برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند تأثیرات مثبت بلندمدتی بر خطوط ساحلی داشته باشد. با توجه به اهمیت مناطق ساحلی در هر کشوری، سازمان ملل متحد برای کمک به برنامه‌ریزی بیشتر توسعه سواحل دعوت شد. این اقدام منجر به تولید مجموعه‌ای از طرح‌های برای کل خط ساحلی شد که در طول یک دوره‌ی ده ساله تهیه شده بود و شامل چندین عنصر کلیدی بود که به ایجاد طرح‌های واقع‌بینانه‌تر برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی کمک کردند. این طرح‌ها شامل مقررات ساختمانی با فاصله استاندارد از ساحل بودند. فاصله استاندارد، ابزاری مهم برای جلوگیری از تأثیرات منفی بلایای طبیعی ساحلی به شمار می‌رود. با وجود این که به دلیل برخی دلایل سیاسی، اجرای کامل این طرح‌ها ممکن نبود، اما آن‌ها توصیه‌های دقیق‌تری ارائه دادند که به حفظ و نگهداری منطقه شرقی آدریاتیک، شامل سرزمین، جزایر و دریا، به‌عنوان یکی از بهترین مناطق حفاظت‌شده ساحلی در بخش اروپایی مدیترانه کمک شایانی کرد. این تجربه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی جامع و متفکرانه می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست فراهم آورد.

مبحث چالشی دیگر، مباحث مربوط به تملک اراضی نواحی ساحلی و تأثیرات آن بر محیط‌زیست نواحی ساحلی است. توسعه گردشگری به عنوان یک نیاز اساسی، مستلزم بهره‌برداری از زمین‌هاست. در این راستا، نواحی ساحلی به‌طور قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفته و به شدت شهری‌سازی شده‌اند. به عنوان مثالی از این وضعیت، می‌توان به سواحل ایتالیا اشاره کرد که از ۸,۰۰۰ کیلومتر سواحل این کشور، ۴۳ درصد به‌طور کامل شهری شده‌اند، ۲۸ درصد به‌طور جزئی شهری شده‌اند و تنها ۲۹ درصد از سواحل، خالی از ساخت و ساز هستند. این بهره‌برداری بی‌رویه، منجر به تغییرات چشمگیری در بسیاری از مناطق شده است که نتیجه آن از دست رفتن زیستگاه‌ها می‌باشد. فقدان زیستگاه، به صورت مستقیم به گونه‌های نادر و در خطر انقراض آسیب رسانده و موجب کاهش تنوع زیستی شده است. طبق گزارش‌های مؤسسه جهانی طبیعت، برآورد دقیق و مشخصی از تعداد گونه‌هایی که در سه دهه گذشته منقرض شده‌اند وجود ندارد. اما در حال حاضر حدود ۲۴ درصد (۱,۱۳۰) از پستانداران و ۱۲ درصد (۱,۱۸۳) از گونه‌های پرنده به عنوان گونه‌های تهدیدشده در سطح جهانی به شمار می‌آیند. در مجموع، شواهد حاکی از آن است که توسعه ناپایدار گردشگری با بهره‌برداری بی‌رویه از سواحل و از دست رفتن زیستگاه، تهدیدات جدی برای تنوع زیستی به همراه دارد و نیازمند تدابیر مؤثر برای حفظ منابع طبیعی و گونه‌های در خطر انقراض است. کاهش تنوع زیستی نتیجه چندین عامل مختلف است. علاوه بر شهری شدن و تبدیل اراضی، این کاهش به دلیل آلودگی، افزایش تولید زباله، درگیری‌های بین‌المللی و تغییرات اقلیمی نیز به وقوع می‌پیوندد. اگرچه گردشگری بزرگ‌ترین یا تنها عامل تخریب تنوع زیستی نیست، اما می‌توان آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در نظر گرفت. این موضوع به خصوص در کشورهایی که دارای

نقاط داغ تنوع زیستی هستند، مانند ماداگاسکار، کاستاریکا و بلیز که تنوع زیستی غنی جاذبه اصلی گردشگری است، صدق می‌کند. حجم بالای گردشگران به این مناطق و ساخت زیرساخت‌های جدید برای مدیریت این تعداد بازدیدکننده، می‌تواند بر محیط طبیعی تأثیر منفی بگذارد. با این حال، گردشگری می‌تواند به حفاظت از منابع طبیعی کمک‌های قابل توجهی کند. این مزایا شامل تأمین مالی برای حفاظت از تنوع زیستی، به‌ویژه در مناطق حفاظت شده، توجیه اقتصادی برای مفهوم مناطق حفاظت شده، ارائه جایگزین‌های اقتصادی برای افراد محلی به منظور کاهش بهره‌برداری از منابع حیات‌وحش و حمایت از تلاش‌های حفاظت از تنوع زیستی به طور فردی است. در نتیجه، در حالی که گردشگری می‌تواند به تنوع زیستی آسیب بزند، در عین حال با اجرای شیوه‌های پایدار و مسئولانه، می‌تواند به حفاظت از آن نیز کمک کند. این نیاز به یک رویکرد متوازن دارد که هم به توسعه گردشگری و هم به حفاظت از محیط زیست توجه کند.

بطور کلی، گردشگری پایدار به عنوان یک رویکرد کلیدی در صنعت گردشگری مطرح شده است. این نوع گردشگری به دنبال ایجاد تعادل میان لذت گردشگران، توسعه جوامع محلی و حفظ محیط زیست است. با توجه به رشد روزافزون صنعت گردشگری و تأثیرات منفی آن بر طبیعت، ضرورت پیاده‌سازی اصول گردشگری پایدار بیش از پیش احساس می‌شود. اصول گردشگری پایدار می‌توانند در بخش‌های مختلف صنعت گردشگری به کار گرفته شود. این اصول شامل کاهش اثرات منفی بر محیط زیست، ترویج فرهنگ محلی و حمایت از اقتصاد جوامع محلی هستند. به عنوان مثال، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، مدیریت صحیح پسماندها و تشویق گردشگران به مشارکت در فعالیت‌های محلی می‌تواند به حفظ تنوع زیستی کمک کند. با این حال، چالش‌های زیادی در مسیر تحقق این اهداف وجود دارد. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، تغییر نگرش و رفتار گردشگران و همچنین صنعتگران این حوزه است. برای اینکه گردشگری پایدار بتواند به یک نیروی مثبت برای حفظ تنوع زیستی تبدیل شود، نیاز به آموزش و آگاهی‌بخشی به تمامی ذینفعان دارد. در نهایت، اگرچه اصول گردشگری پایدار می‌توانند به بهبود وضعیت کنونی صنعت گردشگری کمک کنند، اما تأثیر واقعی آن‌ها بر حفظ تنوع زیستی و توسعه جوامع محلی نیازمند همکاری و تلاش‌های مستمر از سوی دولت‌ها، صنعتگران و گردشگران است. آینده گردشگری پایدار به توانایی ما در ایجاد این هم‌افزایی بستگی دارد.

۱-۷- روندها جهانی در گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت

گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت، به عنوان یکی از پررونق‌ترین بخش‌های صنعت گردشگری، به بررسی تجربیات و فعالیت‌هایی می‌پردازد که در محیط‌های دریایی و ساحلی انجام می‌شوند و به حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی متکی هستند. با توجه به تغییرات زیست‌محیطی، تغییرات اجتماعی و نیازهای روزافزون گردشگران به تجارب معنادار و پایدار، این بخش از گردشگری در حال تحول و گسترش است. در این بخش به تحلیل روندهای جهانی در گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت پرداخته خواهد شد.

صنعت گردشگری به عنوان یکی از سریع‌ترین و پویاترین بخش‌های اقتصادی در سطح جهانی، در پنج دهه اخیر به‌طور چشمگیری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رشد کرده و به یک عامل کلیدی در توسعه کشورهای مختلف تبدیل شده است. این صنعت نه تنها تأثیرات زیادی بر اشتغال و تولید ناخالص داخلی دارد، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز باعث تقویت ارتباطات بین‌المللی و تبادل فرهنگی شده است. این صنعت بیش از ۹ درصد از اشتغال جهانی را به خود اختصاص می‌دهد که معادل بیش از ۲۰۰ میلیون شغل در سراسر جهان است. علاوه بر این، گردشگری یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های صادرات جهانی به شمار می‌رود و بیش از ۱.۵ تریلیون دلار از صادرات جهانی را شامل می‌شود. در حدود ۸۰ درصد از کشورهای جهان، گردشگری به عنوان یکی از پنج مولفه اصلی درآمدی شناخته می‌شود و در حدود ۶۰ کشور، این صنعت به‌عنوان منبع اصلی درآمدهای ارزی به حساب می‌آید. این ارقام نشان می‌دهند که صنعت گردشگری به عنوان یک منبع کلیدی برای تقویت رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در کشورهای مختلف عمل می‌کند. از سوی دیگر، این صنعت نقش ویژه‌ای در تقویت اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارد. گردشگری به عنوان منبعی حیاتی ارز خارجی برای این کشورها شناخته می‌شود و در بسیاری از این کشورها، این صنعت به عنوان منبع اصلی درآمدهای ارزی عمل می‌کند. طبق برآوردها، ۸۳ درصد از کشورهای در حال توسعه به طور مستقیم به درآمدهای حاصل از گردشگری وابسته‌اند. این وابستگی به‌ویژه در کشورهایی که منابع طبیعی و فرهنگی غنی دارند، نمود بیشتری دارد. در این کشورها، گردشگری نه تنها موجب افزایش درآمد ملی می‌شود، بلکه به ایجاد زیرساخت‌های جدید، بهبود خدمات عمومی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان نیز کمک می‌کند. افزون بر این، گردشگری به عنوان یک محرک اقتصادی، می‌تواند به توسعه سایر بخش‌ها مانند حمل‌ونقل، خدمات مالی، تولیدات محلی، کشاورزی و صنایع دستی کمک کند. این ارتباطات متقابل باعث ایجاد یک زنجیره ارزش پیچیده می‌شود که در نهایت موجب توسعه پایدار و متنوع اقتصاد کشورها می‌گردد. به علاوه، گردشگری می‌تواند به حفاظت از محیط‌زیست و فرهنگ‌های محلی کمک کند. به شرطی که به‌طور صحیح و مسئولانه مدیریت شود. بنابراین، صنعت گردشگری نه تنها از نظر اقتصادی برای کشورهای مختلف اهمیت دارد، بلکه می‌تواند نقش مهمی در توسعه اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی ایفا کند.

همچنین این صنعت دارای پتانسیل مثبت قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی پایدار کشورهای در حال توسعه و نوظهور است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰، گردشگری به عنوان یک بخش کلیدی برای کمک به دستیابی به اهداف توسعه هزاره مورد توجه قرار گرفت. اهداف توسعه هزاره^۱، یک مجموعه از هشت هدف جهانی است که توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی برای کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی در سطح جهانی تا سال ۲۰۱۵ تعیین شدند. اهداف توسعه هزاره در تغییر روند توسعه جهانی و جلب توجهات به مسأله فقر و نابرابری تأثیر زیادی داشتند. صنعت گردشگری می‌تواند اهداف اول، سوم، هفتم و هشتم را محقق سازد. پس از سال ۲۰۱۵، اهداف توسعه پایدار^۲ جایگزین این اهداف شدند که به‌طور گسترده‌تری بر روی مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تمرکز دارند.

با توجه به تمامی این عوامل، به وضوح مشخص است که صنعت گردشگری نه تنها به عنوان یک محرک اقتصادی عمل می‌کند، بلکه می‌تواند به طور مؤثری به اهداف توسعه پایدار نیز کمک کند. لذا، سرمایه‌گذاری در این بخش، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند به تداوم رشد و پیشرفت اجتماعی-اقتصادی کمک شایانی نماید.

۱-۸- جمع‌بندی

صنعت گردشگری با وجود برخی مشکلات مقطعی همچون کرونا، در طول ۶۵ سال گذشته شاهد رشد بی‌وقفه‌ای بوده است. تعداد مسافران بین‌المللی از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰، ۵۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ و به ۱.۱۳۳ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. به طور مشابه، درآمدهای حاصل از گردشگری بین‌المللی در سطح مقاصد جهانی نیز افزایش چشمگیری داشته است. این درآمدها از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، ۴۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ و ۱.۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسیده است. بر اساس پیش‌بینی‌های طولانی‌مدت سازمان جهانی گردشگری تحت عنوان گردشگری تا ۲۰۳۰، انتظار می‌رود تعداد مسافران بین‌المللی در چشم‌انداز ۲۰۳۰ به ۱.۸ میلیارد نفر برسد. این اعداد و ارقام و شکل ۳-۶، نمایانگر این حقیقت است که صنعت گردشگری به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد جهانی، نقشی مهم در تسهیل تبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. با وجود چالش‌هایی نظیر بحران‌های اقتصادی و یا مسائل زیست‌محیطی، این صنعت به طور مداوم در حال رشد است و به عنوان یک منبع مهم درآمد و اشتغال‌زایی در کشورهای مختلف شناخته می‌شود. در نهایت، به نظر می‌رسد که آینده صنعت گردشگری همچنان روشن و پربرخ خواهد بود و گردشگری ساحلی و دریایی به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی این صنعت، رشد چشمگیری داشته باشد.

1 Millennium Development Goals (MDGs)

2 Sustainable Development Goals (SDGs)

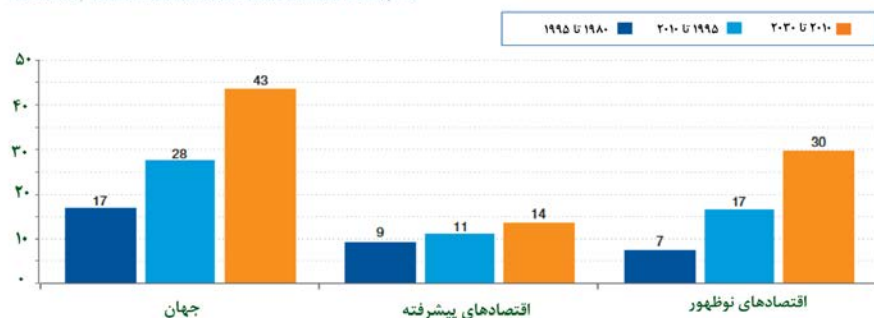
• میانگین نرخ رشد در اقتصادهای نوظهور و پیشرفته تا سال ۲۰۳۰

منبع: UNWTO, Tourism Towards 2030

گردشگری ورودی، اقتصادهای پیشرفته و نوظهور

ورود گردشگران بین المللی، تغییر مطلق نسبت به سال گذشته، میلیون

© UNWTO | Tourism Towards 2030: Global Overview, 2011, p. 13



شکل ۱-۹- میانگین نرخ رشد گردشگری در اقتصادهای نوظهور و پیشرفته در چشم‌انداز ۲۰۳۰

در این فصل، به تحلیل و بررسی مفاهیم کلیدی گردشگری دریایی و ساحلی پرداخته شد و نشان داده شد که این دو حوزه از گردشگری، رشد چشمگیری داشته‌اند. افزایش علاقه به سفرهای ساحلی و دریایی، به‌ویژه در مناطق بکر و زیبای طبیعی، منجر به توسعه گسترده این صنعت شده است. در حالی که گردشگری دریایی و ساحلی به یک پدیده جهانی تبدیل شده‌اند، انتظار می‌رود که با توجه به تغییرات زیست‌محیطی و توجه فزاینده به مسائل پایدار، این بخش از گردشگری در آینده به سمت مدل‌های پایدار و مسئولانه‌تر حرکت کند. از این رو، بهره‌برداری از منابع طبیعی به‌طور معقول و حفاظت از محیط‌زیست به یکی از اولویت‌های اصلی در این صنعت تبدیل خواهد شد.

همچنین، با پیشرفت‌های فناوری و گسترش گردشگری کروژ به عنوان یکی از زیربخش‌های مهم گردشگری دریایی، این صنعت به سمت نوآوری‌های بیشتر خواهد رفت. فناوری‌های سبز، از جمله کشتی‌های مجهز به سیستم‌های انرژی پاک و تورهای گردشگری با تمرکز بر حفظ محیط‌زیست، به بخشی جدایی‌ناپذیر از گردشگری دریایی و ساحلی تبدیل خواهند شد. این تحولات باعث خواهد شد تا صنعت گردشگری نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظر اجتماعی و زیست‌محیطی نیز به سوی مدل‌های پایدارتر و مسئولانه‌تر گام بردارد. در نهایت، این روندها می‌توانند باعث ارتقای کیفیت تجربه گردشگری و ایجاد بستری مناسب برای حفاظت از منابع طبیعی شوند.



فصل دوم:

برنامه ریزی یکپارچه گردشگری

ساحلی و دریایی



برنامه‌ریزی گردشگری ساحلی و دریایی، نیازمند رویکردی جامع و پایدار است که به‌طور همزمان به توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و رفاه جوامع محلی توجه داشته باشد. این نوع برنامه‌ریزی باید شامل ارزیابی ظرفیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مناطق ساحلی باشد تا از بروز مشکلاتی همچون آلودگی، تخریب منابع طبیعی و ازدحام گردشگر جلوگیری کند. همچنین، اهمیت توجه به مشارکت جوامع محلی و ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری برای تضمین پایداری و توزیع عادلانه منافع گردشگری از دیگر اصول مهم در این زمینه است. به‌طور خاص، در مناطق ساحلی و دریایی، برنامه‌ریزی باید از تکنیک‌های نوین مانند ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و مدیریت پایدار منابع استفاده کند تا ضمن حفظ جذابیت‌های طبیعی، آسیب‌های زیست‌محیطی را نیز به حداقل برساند.

توسعه گردشگری در نواحی ساحلی به‌طور قابل توجهی وابسته به ویژگی‌های فیزیکی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی این مناطق است. ضروری است که تفاوت روشنی بین رشد ساده گردشگری که بسیاری از کشورها در نواحی ساحلی خود تجربه می‌کنند و توسعه گردشگری برنامه‌ریزی‌شده و مسئولانه دیده شود. این نوع توسعه می‌تواند به‌طور قابل ملاحظه‌ای به کاهش پیامدهای منفی این صنعت بر محیط‌زیست ساحلی و جامعه کمک کند. گردشگری به‌عنوان یک فعالیت جهانی، به مشکلاتی همچون کاهش فقر، تغییرات اقلیمی، بلایای طبیعی و از بین رفتن تنوع زیستی مرتبط است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که گردشگری، از طریق اقدامات یکپارچه تمامی بازیگران و سازوکارهای مناسب، می‌تواند به‌طور چشمگیری به کاهش فقر در جوامع ساحلی یاری رساند. در عین حال که ممکن است تأثیرات منفی قوی بر تغییرات اقلیمی نیز داشته باشد. بنابراین، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح گردشگری برای به حداکثر رساندن مزایای مثبت و به حداقل رساندن تأثیرات منفی، امری ضروری است.

برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری، همان مفاهیم و رویکردهای پایه‌ای را که برای برنامه‌ریزی عمومی استفاده می‌شود، به کار می‌برد. اما به‌طور خاص به ویژگی‌های سیستم گردشگری تطابق می‌یابد. باید برنامه‌ریزی گردشگری به‌عنوان یک فرآیند پیوسته، انعطاف‌پذیر، سازگار و شفاف در نظر گرفته شود. این نوع برنامه‌ریزی توسط بسیاری از سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است که رویکردها، راهنماها و پروژه‌های مشخصی را در نواحی ساحلی توسعه می‌دهند. علاوه بر این، گردشگری ساحلی می‌تواند از طریق مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی تقویت شود. این مدیریت می‌تواند به حل تضادهای بین گردشگری ساحلی و سایر بخش‌های دریایی و خشکی بپردازد. همچنین این مدیریت می‌تواند مسئولیت‌های همپوشانی نهادهای درگیر را حل کند و همکاری بین گردشگری ساحلی و دیگر بخش‌ها را افزایش دهد. در بسیاری از کشورها که از منابع دریایی و ساحلی استفاده بیشتری می‌کنند، مدیریت نواحی ساحلی به یک موضوع بحرانی تبدیل شده است. اداره سیستم‌های پیچیده مانند نواحی ساحلی، نیاز به یک رویکرد یکپارچه دارد که بتواند اجرای سه هدف اصلی توسعه پایدار (اهداف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی) را هماهنگ کند

۲-۲- نیاز به برنامه‌ریزی در گردشگری ساحلی و دریایی

در دهه‌های اخیر، مناطق ساحلی بیشتر به عنوان فضاهایی برای توسعه گردشگری مورد استفاده قرار گرفته‌اند و این موضوع باعث شده سایر فعالیت‌هایی که می‌توانند مجرای توسعه در این مناطق باشند، از اولویت راهبردی کنار گذاشته شوند. در بسیاری از موارد، گردشگری حتی در مناطقی که امکان استفاده برای سایر بخش‌های اقتصادی وجود دارد، اولویت پیدا کرده است. این وضعیت می‌تواند به استفاده نادرست از زمین‌های ارزشمند ملی و ایجاد تعارض میان بخش‌های مختلف منجر شود. در برخی مناطق ساحلی، فشار گردشگری آنقدر زیاد می‌شود که پایداری این فعالیت به خطر می‌افتد. این موضوع به ویژه در مناطقی که گردشگری نقش اصلی را دارد، نمایان است. برای کاهش این مشکلات و تضمین پایداری گردشگری و منابع ساحلی برای سایر بخش‌ها، لازم است برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام شود و گردشگری به شکل بهتری در توسعه ساحلی ادغام شود. اثرات و درگیری‌های منفی، معمولاً ناشی از ناآگاهی نسبت به محیط‌های ساحلی و برنامه‌ریزی ضعیف هستند. به همین دلیل، شناخت بهتر محیط طبیعی، شناسایی کاربری‌های موجود و بالقوه، ارزیابی میزان سازگاری آن‌ها با محیط‌زیست و تدوین طرح‌های جامع و یکپارچه می‌تواند راه‌حلی مناسب برای توسعه پایدار اجتماعی و محیطی ارائه دهد.

در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، ضروری است که بر مبنای ظرفیت سیستم‌های محلی، برنامه‌ریزی مناسبی صورت گیرد. به منظور تحقق این هدف، تصمیم‌گیرندگان باید به ابزارهای کارآمدی مجهز شوند که به آن‌ها امکان شناخت و مدیریت چالش‌های مربوط به گردشگری را بدهد. یکی از چالش‌های عمده مدیران مناطق ساحلی، ارتقاء جایگاه گردشگری در مدیریت یکپارچه ساحلی با هدف دستیابی به پایداری بلندمدت است. در این راستا، توسعه گردشگری پایدار و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی به عنوان دو فرآیند همسو و مکمل شناخته می‌شود. اصول و اهداف توسعه گردشگری پایدار می‌تواند به بهبود عملکرد مدیریت یکپارچه کمک کند. همچنین ابزارهای مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی نیز، به ایجاد گردشگری منطقی‌تر یاری می‌رساند و موجب بهینه‌سازی فرآیند مدیریت می‌شود.

ابزارهایی مانند ارزیابی استراتژیک محیطی^۱، ارزیابی ظرفیت حمل^۲، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی^۳، شاخص‌های پایداری، هنگامی که در مراحل مناسب برنامه‌ریزی توسعه گردشگری و در چارچوبی قانونی و نظارتی مشخص به کار گرفته شوند، ضامن خوبی برای پایداری فعالیت‌های گردشگری و همزیستی هماهنگ آن با سایر فعالیت‌ها در یک محیط سالم هستند.

1- Strategic Environmental Assessment (SEA)

2- Carrying Capacity Assessment (CCA)

3- Environmental Impact Assessment (EIA)

۲-۳- چارچوب‌های برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری

در گذشته، برنامه‌ریزی گردشگری فرآیندی ساده و محدود بود که بیشتر بر اقداماتی مانند ساخت هتل‌های جدید، ایجاد دسترسی‌های حمل‌ونقل و برگزاری کمپین‌های تبلیغاتی متمرکز می‌شد. در این روند، برنامه‌ریزی عمدتاً به انتخاب مکان مناسب برای هتل‌ها یا مجتمع‌های تفریحی محدود بود و استانداردهای طراحی، معماری و مهندسی تنها در همان چارچوب ساده اعمال می‌شد. این رویکرد در زمان خود و برای پروژه‌های کوچک و پراکنده کارآمد بود، اما شرایط به سرعت تغییر کرد. پس از جنگ جهانی دوم، صنعت گردشگری با سرعت چشمگیری رشد کرد. اما این رشد بدون برنامه‌ریزی مناسب بود و به پدیده‌ای به نام توریسم انبوه منجر شد. این توسعه بی‌رویه، به‌ویژه در مناطقی مانند مدیترانه و کارائیب، تأثیرات منفی بسیاری را به همراه داشت. کشورهایی که میزبان این گردشگری بی‌برنامه بودند، اکنون با پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از آن مواجه هستند. تخریب محیط‌زیست، فشار بر منابع طبیعی و تغییرات فرهنگی نمونه‌ای از هزینه‌هایی است که این مناطق پرداخت کرده‌اند. این تجربیات نشان دادند که توسعه بدون مدیریت و برنامه‌ریزی جامع، ممکن است به تخریب منابع و آسیب‌های جبران‌ناپذیر منجر شود. امروزه ضرورت تغییر در نگرش به برنامه‌ریزی گردشگری، بیش از هر زمان دیگری حس می‌شود. برنامه‌ریزان این صنعت باید توسعه گردشگری را به گونه‌ای مدیریت کنند که میان نیازها و منافع مختلف، از جمله جوامع محلی، محیط‌زیست و گردشگران، توازن برقرار شود. به همین دلیل، مفهیمی مانند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، طراحی اکوتوریسم، حفظ میراث فرهنگی و ایجاد راهکارهای پایدار برای بهره‌برداری از منابع، به بخش مهمی از فرآیند برنامه‌ریزی تبدیل شده‌اند. با درس گرفتن از اشتباهات گذشته و درک عمیق‌تر از اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌توان رویکردی مسئولانه‌تر و پایدارتر را برای آینده گردشگری طراحی کرد. این تغییر رویکرد نه تنها به حفظ منابع طبیعی و فرهنگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند رضایت بیشتر گردشگران و جوامع محلی را نیز به همراه داشته باشد و به صنعتی با ثبات‌تر و کم‌هزینه‌تر منجر شود.

توسعه پایدار گردشگری، نیازمند تدوین راهبردهای ملی و طرح‌های توسعه گردشگری در سطوح ملی و محلی است. این اصول به هدف بهبود فرآیندهای توسعه گردشگری و محافظت از منابع طبیعی در جوامع محلی طراحی شده‌اند. در این راستا، ده اصل کلیدی مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. نخستین اصل این است که توسعه پایدار گردشگری به استراتژی‌های مشخص ملی و همچنین برنامه‌های توسعه محلی بستگی دارد. این استراتژی‌ها می‌توانند به شناسایی و اولویت‌بندی نیازها و فرصت‌های گردشگری در مناطق مختلف کمک کنند.
۲. اصل دوم بر ضرورت توسعه صنعت گردشگری به شیوه‌ای مسئولانه در قبال محیط زیست تأکید دارد. حفظ منابع طبیعی که پایه‌گذار این صنعت هستند، مسئولیت اصلی فعالان این حوزه است. این رویکرد نه تنها به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کند، بلکه به تداوم کیفیت تجربه گردشگری نیز می‌انجامد.

۳. اصل سوم، ادغام توسعه گردشگری در برنامه‌های مدیریت نواحی ساحلی (ICZM) است. بدین ترتیب، توسعه در محدوده ظرفیت زیست‌محیطی ناحیه انجام می‌شود و تعارضات با دیگر فعالیت‌های ساحلی به حداقل می‌رسد.
 ۴. اصل چهارم بر اهمیت ارزیابی زیست‌محیطی تأکید می‌کند که رویکردی ساختاریافته برای پیش‌بینی تأثیرات احتمالی و در نظر گرفتن تدابیر مربوط به کاهش آن‌ها در مراحل طراحی، ساخت و بهره‌برداری ارائه می‌دهد.
 ۵. در پنجمین اصل، همکاری توسعه‌دهندگان گردشگری و مقامات ملی و محلی در ایجاد و اجرای تدابیری برای کاهش تغییرات فیزیکی و تأثیرات آن در مرحله ساخت مورد تأکید قرار می‌گیرد. این همکاری می‌تواند از بروز مشکلات جدی در محیط زیست جلوگیری کند.
 ۶. ششمین اصل، ضرورت استفاده از انواع تدابیر مدیریتی و فناوری‌ها برای محدود کردن اثرات منفی گردشگری ساحلی در مرحله عملیاتی است. این اقدامات می‌توانند به حفاظت از اکوسیستم‌های ساحلی کمک کنند و تجربه‌ای مثبت برای گردشگران فراهم آورند.
 ۷. اصل هفتم بر اهمیت نظارت و ارزیابی بلندمدت تأکید دارد که مکانیزمی برای شناسایی اثرات منفی زیست‌محیطی و اجتماعی به وجود می‌آورد و امکان اتخاذ تدابیر مناسب را در زمان مناسب فراهم می‌کند.
 ۸. اصل هشتم بر اهمیت مشاوره مؤثر با تمامی ذینفعان اصلی، از جمله جامعه محلی، تأکید دارد که نقش اساسی در موفقیت بلندمدت پروژه‌های گردشگری ساحلی و دریایی دارند. مشارکت جامعه محلی می‌تواند به درک بهتر نیازها و اولویت‌های آن‌ها کمک کند.
 ۹. نهمین اصل به ضرورت تقویت منابع انسانی و ظرفیت‌های سازمانی در میان تمام بخش‌های درگیر و در سطوح مختلف برای توسعه پایدار گردشگری اشاره می‌کند. این تقویت می‌تواند به بهبود مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم در این حوزه کمک کند.
 ۱۰. در نهایت اصل دهم همکاری بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، صنعت و سازمان‌های غیردولتی مرتبط با گردشگری را برای توسعه و انتقال روش‌ها و فناوری‌های گردشگری زیست‌محیطی پایدار ضروری می‌داند. این همکاری می‌تواند به ایجاد یک زیرساخت قوی و پایدار برای توسعه گردشگری یاری رساند.
- با التزام به این ده اصل، توسعه گردشگری به شکل مؤثری در راستای حفاظت از محیط زیست، افزایش رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی حرکت خواهد نمود. همچنین توسعه گردشگری به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اجتماعی-اقتصادی در بسیاری از کشورها در حال گسترش است. با این حال، یک کشور، منطقه یا جامعه باید به دقت در انتخاب استراتژی‌های توسعه گردشگری خود عمل کند تا از وابستگی بیش از حد به این صنعت جلوگیری کند. طبق نظر محققان این حوزه، تنوع اقتصادی امری مطلوب است، اما همیشه قابل اجرا نیست. امروزه بسیاری از کشورها و مناطق در حال اجرای برنامه‌های گردشگری هستند که هدف آن‌ها، توسعه کنترل‌شده و

پایدار گردشگری است. برنامه‌ریزی گردشگری جدید، تأکید بیشتری بر عوامل محیطی و اجتماعی- فرهنگی در توسعه گردشگری دارد و بر مفهوم توسعه پایدار تمرکز می‌کند. این رویکرد نه تنها به نفع گردشگران است، بلکه به حفظ هویت فرهنگی و محیط زیست جوامع محلی نیز کمک می‌کند. در این راستا، برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری باید در چهارچوب اصول کلیدی مانند آنچه که توسط UNEP¹ و GPA² تدوین شده است، صورت گیرد. این اصول کمک می‌کنند تا مزایای اقتصادی گردشگری در کنار حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی به حداکثر برسد و از آسیب‌های احتمالی ناشی از گردشگری گسترده جلوگیری شود. در نتیجه، اگرچه توسعه گردشگری می‌تواند سودآور باشد، اما تنوع و برنامه‌ریزی دقیق بسیار حیاتی است تا از وابستگی زیاد به این صنعت جلوگیری شده و تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی در نظر گرفته شود.

۲-۴- اصول برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی

گردشگری یکی از فعالیت‌های مهم در مناطق ساحلی است که نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی دقیق است. این بخش از گزارش به ارائه یک ساختار ساده و راهنمایی‌های بنیادی برای برنامه‌ریزی استراتژیک جامع به منظور توسعه پایدار گردشگری در مقاصد ساحلی می‌پردازد. برنامه‌ریزی استراتژیک، فرآیندی است که در آن اهداف شناسایی شده و روش‌های دستیابی به آن‌ها تعریف و ارزیابی می‌شود. این فرآیند تمامی منابع، سازمان‌ها، بازارها و برنامه‌های گردشگری در یک مقصد را در نظر می‌گیرد و همچنین ابعاد اقتصادی، محیط‌زیستی، اجتماعی و نهادی توسعه گردشگری را مورد توجه قرار می‌دهد. برنامه‌ریزی استراتژیک، یک فرآیند «گام به گام» است که دارای اهداف و محصولات نهایی مشخصی است که می‌توان آن‌ها را اجرا و ارزیابی کرد. استراتژی توسعه پایدار گردشگری، استفاده از دارایی‌ها از طریق برنامه‌ریزی و توسعه بلندمدت به منظور تضمین موفقیت است. برخلاف سایر بخش‌ها (به عنوان مثال، برنامه‌ریزی فضایی)، برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی معمولاً به صورت کوتاه‌مدت انجام می‌شود و معمولاً به مدت سه تا پنج سال افق پیش رو را مدنظر قرار می‌دهد (در برخی موارد ده سال را نیز در بر می‌گیرد). این فرآیند مسیری مشخص را بر اساس شاخص‌های گردشگری پایدار ترسیم می‌کند که مقصد گردشگری در آن سال‌ها چگونه خواهد بود. برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی، نه تنها به حفظ منابع طبیعی و فرهنگی کمک می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی و افزایش رضایت گردشگران نیز می‌انجامد. چهارچوب روش‌شناختی برای ایجاد فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه گردشگری پایدار در مناطق ساحلی، بر اساس پنج اصل استوار است:

۱. رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک: این رویکرد بر شناسایی چشم‌انداز بلندمدت، اهداف مشخص و استراتژی‌هایی برای دستیابی به توسعه پایدار تمرکز دارد. برنامه‌ریزی استراتژیک با تحلیل

1- UN Environment Programme (UNEP)

2- Global Programme of Action (GPA)

شرایط فعلی مناطق ساحلی، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و ارزیابی نقاط قوت و ضعف، امکان تدوین نقشه راهی را فراهم می‌آورد که توسعه گردشگری را با منابع طبیعی و اجتماعی هماهنگ می‌کند. این برنامه‌ریزی باید انعطاف‌پذیر باشد و قابلیت انطباق با تغییرات محیطی، اقتصادی و فرهنگی را داشته باشد.

۲. مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی: مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی فرآیندی است که تمامی فعالیت‌های انسانی و عوامل زیست‌محیطی در این مناطق را به شکلی هماهنگ مدیریت می‌کند. این اصل تأکید دارد که تصمیم‌گیری‌ها در مورد توسعه گردشگری باید به گونه‌ای باشد که اثرات آن بر سایر بخش‌ها و اکوسیستم ساحلی را در نظر بگیرد. ICZM تلاش می‌کند تا منافع تمامی ذینفعان، از جمله جوامع محلی، دولت‌ها و بخش خصوصی را در کنار حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی تأمین کند. برای این منظور، استفاده از ابزارهای مدرن مدیریت اطلاعات و فناوری‌های پیش، ضروری است.

۳. دوازده هدف محیط زیست سازمان ملل متحد و سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد در خصوص گردشگری پایدار: این اهداف دوازده‌گانه، چارچوب جامعی برای دستیابی به گردشگری پایدار ارائه می‌دهند و شامل موضوعاتی مانند کاهش اثرات زیست‌محیطی، حفاظت از منابع طبیعی، تقویت جوامع محلی و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری هستند. این اصول باید در تمامی مراحل برنامه‌ریزی، از طراحی اولیه تا بهره‌برداری و پایش، لحاظ شوند. به‌طور خاص، توجه به اصولی همچون کاهش آلودگی، استفاده بهینه از منابع و تقویت همزیستی میان گردشگران و جوامع محلی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

۴. ارزیابی ظرفیت حمل گردشگری: ظرفیت حمل گردشگری به حداکثر تعداد گردشگرانی اشاره دارد که یک منطقه ساحلی می‌تواند بدون آسیب رساندن به محیط‌زیست و منابع طبیعی، و بدون کاهش کیفیت تجربه گردشگران و زندگی جوامع محلی، میزبانی کند. این ارزیابی باید بر اساس معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و زیرساختی انجام شود. برای این منظور، می‌توان از روش‌های مدرن نظیر شبیه‌سازی‌های دیجیتال، پایش داده‌ها و تحلیل‌های پیشرفته بهره برد. رعایت ظرفیت حمل باعث جلوگیری از ازدحام، تخریب محیط‌زیست و کاهش رضایت گردشگران می‌شود.

۵. مشارکت ذینفعان: یکی از ارکان اساسی در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری پایدار، مشارکت تمامی ذینفعان است. این گروه شامل جوامع محلی، دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و گردشگران می‌شود. درگیر کردن این ذینفعان در تمامی مراحل برنامه‌ریزی، از طراحی تا اجرا و ارزیابی، به دستیابی به اهداف پایداری کمک می‌کند. مشارکت موثر ذینفعان باعث افزایش شفافیت، کاهش تعارضات و تقویت احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری در قبال منابع می‌شود.

این چارچوب روش‌شناختی، راهکاری جامع و عملی برای برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری پایدار در مناطق ساحلی ارائه می‌دهد. با اتخاذ این رویکردها، می‌توان توسعه‌ای را رقم زد که ضمن تأمین منافع اقتصادی و رفاه اجتماعی، منابع زیست‌محیطی و فرهنگی این مناطق ارزشمند را برای نسل‌های آینده حفظ کند.

بر اساس گزارشی از سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، گردشگری باید به‌عنوان یک سیستم به هم پیوسته از عوامل تقاضا (بازارهای بین‌المللی و داخلی گردشگران و استفاده ساکنان از جاذبه‌ها، امکانات و خدمات گردشگری) و عرضه (جاذبه‌ها و فعالیت‌ها، اقامتگاه‌ها، سایر امکانات و خدمات گردشگری، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های دیگر) در نظر گرفته شود. گردشگری، اغلب نیروی محرکه توسعه سایر بخش‌ها در یک منطقه خاص است و می‌تواند یک عامل برای تحریک ادغام سرزمینی در مناطق وسیع‌تر باشد. به دلیل این سیستم به هم پیوسته، لازم است تا هدف‌گذاری توسعه یکپارچه تمامی اجزای سیستم، اعم از عوامل تقاضا و عرضه و عناصر فیزیکی و نهادی در فرآیند برنامه‌ریزی منظور شود. اگر این سیستم به‌صورت یکپارچه برنامه‌ریزی و اجزای آن به‌طور هماهنگ توسعه یابند، عملکرد مؤثرتری خواهد داشت و منافع مورد انتظار را به شکلی کامل‌تر تحقق خواهد بخشید.

ادغام گردشگری در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کلی یک کشور یا منطقه، به همان اندازه اهمیت دارد که برنامه‌ریزی برای انسجام درونی این صنعت ضروری است. این نوع برنامه‌ریزی کمک می‌کند تا تعارضات احتمالی بر سر استفاده از منابع یا مکان‌های خاص برای توسعه بخش‌های مختلف که با سایر حوزه‌های اقتصادی یا منابع مرتبط هستند، به حداقل برسد. همچنین این ادغام، امکان استفاده چندمنظوره از زیرساخت‌های پرهزینه را فراهم می‌کند تا نیازهای عمومی جامعه و گردشگران همزمان برآورده شود. برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری، یک فرآیند چندجانبه است که در سطوح مختلف جغرافیایی و مدیریتی عمل می‌کند و هر سطح نیازمند توجه دقیق و هماهنگی با سایر سطوح است. این سطوح شامل موارد زیر است:

۱. سایت‌های متمرکز: مانند سواحل، پارک‌های طبیعی، سایت‌های میراث فرهنگی یا پارک‌های تفریحی که مستقیماً بر جذب بازدیدکنندگان تمرکز دارند.
۲. مقاصد گردشگری: مکان‌های گسترده‌تری که مجموعه‌ای از سایت‌ها را در بر می‌گیرند و به عنوان یک کل برنامه‌ریزی می‌شوند.
۳. سطح منطقه‌ای: این سطح ممکن است شامل بخشی از یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها باشد.
۴. سطح ملی و بین‌المللی: در این سطح، سیاست‌های کلی برای کل کشور یا گروهی از کشورها تدوین می‌شود.

هماهنگی میان این سطوح برای دستیابی به توازن، زیبایی‌شناسی و کارایی ضروری است. کلید این انسجام، تدوین یک سیاست جامع گردشگری است که نیازها و ویژگی‌های هر سطح را در نظر گیرد. در برخی کشورها، برنامه‌ریزی گردشگری هنوز به سطح یکپارچگی مطلوب نرسیده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، برنامه‌ریزی گردشگری ساحلی در سطح فدرال به اندازه کافی توسعه نیافته است. با این حال، در سطح ایالتی، اقدامات تبلیغاتی مؤثر توانسته‌اند رونق گردشگری را تقویت کنند. با وجود این، نیاز به پیشرفت در ارزیابی اثرات گردشگری بر محیط‌زیست و کیفیت زندگی همچنان احساس می‌شود. در سطح محلی، شهرداری‌ها اغلب از ادارات برنامه‌ریزی خود برای مدیریت چالش‌های مرتبط با استفاده عمومی از منابع طبیعی، به‌ویژه سواحل، استفاده می‌کنند. نمونه‌ای موفق از این رویکرد در جزایر گالاپاگوس مشاهده می‌شود. جایی که برنامه‌ریزی گردشگری با هدف حفاظت از محیط‌زیست و جذابیت گردشگری به طور مؤثر اجرا شده است. همچنین نمونه‌ای دیگر در کشور مالزی مشاهده می‌گردد. جایی که برنامه‌ریزی گردشگری طوری انجام شده که دوران رکود همچون کرونا، نتواند اثرات منفی زیادی برجا بگذارد.

دستیابی به یک نظام واحد و یکپارچه در برنامه‌ریزی گردشگری نیازمند درک عمیق از ارتباطات میان سطوح مختلف برنامه‌ریزی و تعهد به اصول پایداری است. این هماهنگی می‌تواند به ایجاد هویتی مشخص، اعتماد میان ذینفعان و کارآیی در مدیریت منابع منجر شود. در نهایت، برنامه‌ریزی موفق گردشگری باید به گونه‌ای باشد که هم به رشد اقتصادی کمک کند و هم از منابع طبیعی و فرهنگی حفاظت کند. چنین رویکردی نه تنها رضایت گردشگران را افزایش می‌دهد، بلکه به بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی نیز منجر خواهد شد.

۲-۴-۱- مطالعه موردی: رشد گردشگری در جزایر گالاپاگوس

مجمع‌الجزایر گالاپاگوس گروه-جزیره‌ای آتشفشانی در اقیانوس آرام، در ۹۲۶ کیلومتری غرب اکوادور می‌باشد. این گروه جزیره بر روی خط استوا قرار گرفته و از لحاظ جغرافیای سیاسی، بخشی از اکوادور محسوب می‌شود. جزایر گالاپاگوس و آب‌های اطراف آن، یکی از استان‌های اکوادور و همچنین یک پارک ملی و یک منطقه محافظت شده دریایی را تشکیل می‌دهند. زبان رسمی در این جزایر اسپانیایی است و جمعیت آن‌ها کمی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر می‌باشد. شهرت این جزایر به خاطر گونه‌های جانوری و گیاهی منحصربه‌فردی است که در این جزایر یافت می‌شوند. این گونه‌ها، توسط چارلز داروین و طی سفر دریایی بیگل (بر عرشه کشتی بریتانیایی به همین نام متعلق به نیروی دریایی سلطنتی) مورد مطالعه قرار گرفتند. مشاهدات و نمونه‌برداری‌های وی در طول این سفر نقش اصلی را در شکل‌گیری نظریه مشهور داروین داشته است. این جزیره از نظر عجایب طبیعی، یکی از جالب‌ترین نقاط دنیاست. این جزیره‌ها به عنوان میراث جهانی توسط سازمان یونسکو ثبت شده‌اند. در سال ۱۹۸۴، این جزایر به عنوان یک ذخیره‌گاه زیستی نیز پذیرفته شدند. ذخیره‌گاه منابع دریایی گالاپاگوس در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد. در سال ۱۹۷۴، دولت اکوادور هیئت ملی گردشگری (DITURIS) را برای توسعه صنعت گردشگری کشور تشکیل داد و قانون توسعه گردشگری را به

منظور تنظیم فعالیت‌ها در این بخش و تشویق سرمایه‌گذاری‌ها در گردشگری به تصویب رساند. در سال ۱۹۸۴، برنامه توسعه‌ای جامع برای گردشگری تدوین شد که اولویت‌ها و محدودیت‌های توسعه گردشگری را مشخص می‌کرد. از جمله اولویت‌های شناسایی شده، توسعه سواحل در هر یک از استان‌های ساحلی، تأمین برق و بهبود آمار و اطلاعات گردشگری بود. محدودیت‌های اصلی شامل عدم تبلیغات کافی و کمبود امکانات اقامتی با کیفیت بالا بود.

جزایر گالاپاگوس از سال ۱۹۶۷ مورد توجه بازدیدکنندگان علاقه‌مند به تاریخ طبیعی قرار گرفتند و تا سال ۱۹۸۵، تعداد بازدیدکنندگان به کمتر از ۲۰,۰۰۰ نفر در سال رسید. در سال ۱۹۸۶، این رقم به بیش از ۲۰,۰۰۰ نفر رسید و اکنون تعداد بازدیدکنندگان سالانه به حدود ۶۰,۰۰۰ نفر رسیده است. در سال ۱۹۸۷، دولت محدودیتی برای تعداد گردشگران به ۲۵,۰۰۰ نفر تعیین کرد. اما این محدودیت به سرعت شکسته شد و از آن زمان به اجرا در نیامده است. برنامه ملی پارک برای مدیریت گردشگری طبیعی تدوین شده بود، اما با ورود نوع جدیدی از گردشگری مانند جت‌اسکی، تورهای ماهیگیری ورزشی و پروازهای هلیکوپتری، با چالش‌هایی مواجه شده است. تحقیقات پیش از ورود این نوع گردشگری انجام نشده بود. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که مدیریت گردشگری گالاپاگوس طبق دستورالعمل‌های اولیه مؤثر بوده و جمعیت‌های طبیعی همچنان با نرخ‌های مشابه ۳۰ سال گذشته تولید مثل می‌کنند و بازدیدکنندگان نیز از تجربیات خود رضایت دارند. با این حال، سیستم تحت فشار بود و بین گردشگری و ماهیگیری و همچنین بین اپراتورهای تور، درگیری‌هایی به وجود آمد. افزایش جمعیت جزیره که ناشی از مشاغل خدماتی گردشگری بود، بر زندگی دریایی در نزدیکی جوامع تأثیر گذاشته و گردشگری تولید زباله‌های جامد بیشتری را به سواحل تحمیل کرد که سیستم‌ها قادر به مدیریت آن نبودند. در سال ۱۹۹۸، اکوادور قانون جدیدی به نام قانون ویژه برای گالاپاگوس را به تصویب رساند تا کنترل شرایطی که به شدت از دست رفته بود را به دست گیرد. در نتیجه، رشد گردشگری در جزایر گالاپاگوس نه تنها به عنوان یک فرصت برای توسعه اقتصادی و جذب بازدیدکنندگان بین‌المللی محسوب می‌شود، بلکه نیاز به مدیریت پایدار و حفاظت از محیط زیست را نیز به شدت احساس می‌کند.

به طور خلاصه، برنامه‌ریزی دقیقی که سی سال پیش در جزایر گالاپاگوس انجام شد، اکنون ثمرات خود را نشان داده است. گردشگری به نقطه اصلی اقتصاد این جزایر تبدیل شده و این اقتصاد، حتی با وجود تأثیرات منفی آن، نسبت به دیگر الگوهای اقتصادی، تأثیرات دوستانه‌تری بر منابع آسیب‌پذیر داشته است. با این حال، برنامه‌ریزی اولیه نتوانسته بود به‌طور کافی حجم گردشگران را مدیریت کند و به‌طور کلی، در انطباق با فشارهای غیرمنتظره ناشی از افزایش حجم گردشگر و تکنولوژی‌های در حال تغییر گردشگری با دشواری مواجه شده است. اکوادور در برابر نفوذ منافع مالی خارج از کشور با چالش‌های زیادی روبرو شد و بسیاری از این منافع، تعهد کمتری به سلامت اقتصاد و منابع طبیعی اکوادور نسبت به محلی‌ها داشتند. در نتیجه، لازم است که در آینده تغییرات لازم در مدیریت گردشگری و سیاست‌های اقتصادی لحاظ شود تا به حفظ تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست منجر شود. تجربه جزایر گالاپاگوس می‌تواند الگویی برای دیگر مناطق آسیب‌پذیری باشد که به دنبال بهره‌برداری از منابع خود در راستای توسعه پایدار هستند.

۲-۴-۲- مطالعه موردی: برنامه رشد گردشگری کشور مالزی با وجود شیوع کرونا

شیوع جهانی بیماری کرونا، نه تنها برنامه‌ها و استراتژی‌های گردشگری را در سال ۲۰۲۰ مختل کرد، بلکه انتخاب مقصدها و نوع سفرهایی که مسافران در سال‌های آینده انجام خواهند داد، را نیز تغییر داد. بدون تردید، سال ۲۰۲۰ سالی بی‌سابقه بود که تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی‌ها، اقتصادها و جوامع جهانی گذاشت. ورود گردشگران به مالزی در این سال ۸۳.۴ درصد کاهش یافت و به ۴.۳ میلیون نفر رسید. در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۹ معادل ۲۶.۱ میلیون نفر بود. این کاهش چشمگیر در ورود گردشگران منجر به افت درآمد کشور به میزان ۸۵.۳ درصد شد. درآمد گردشگری مالزی از ۲۰.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت.

در راستای تلاش‌ها برای احیای گردشگری داخلی، وزارت گردشگری، هنر و فرهنگ مالزی با همکاری‌های استراتژیک و مشارکت‌های هوشمند با شرکت‌های هوپیمایی داخلی و نهادهای مرتبط با گردشگری، از جمله خدمات حمل‌ونقل، اقدام کرده است. این همکاری‌ها شامل مشارکت با سازمان‌های غیردولتی همچون انجمن هتل‌های مالزی، انجمن کارگزاران گردشگری و سفر مالزی و انجمن گردشگری ورودی مالزی نیز می‌شود. در این راستا، برنامه احیای گردشگری مالزی، سه استراتژی اصلی به حداکثر رسانیدن منابع، احیای گردشگری داخلی و بازگرداندن اعتماد مجدد به سفر را به‌عنوان بخشی از کمپین سریع برای افزایش گردشگری داخلی مشخص کرده است (شکل ۱-۲).



شکل ۱-۲- سه استراتژی اصلی به حداکثر رسانیدن گردشگری در کشور مالزی

علاوه بر این، نخست‌وزیر مالزی برنامه ملی گردشگری در دوره ۲۰۲۰ الی ۲۰۳۰ را در دسامبر ۲۰۲۰ مطرح کرد که هدف آن تبدیل صنعت گردشگری مالزی با بهره‌گیری از مشارکت‌های بخش خصوصی و عمومی و ایجاد هوشمندسازی به منظور نوآوری و افزایش رقابت‌پذیری در راستای توسعه پایدار و فراگیر بر اساس اهداف توسعه پایدار سازمان ملل است. این سیاست از طریق شش محور استراتژیک اصلی زیر تدوین گردیده بود:

۱. تقویت حاکمیت،
۲. ایجاد مناطق سرمایه‌گذاری گردشگری،
۳. تقویت هوشمندسازی در صنعت گردشگری،

۴. ایجاد تمرکز بر غنی‌سازی تجربه و رضایت گردشگران،

۵. تقویت تعهد به گردشگری پایدار،

۶. افزایش ظرفیت انسانی در همه زیرمجموعه‌های صنعت گردشگری.

توسعه صنعت گردشگری مبتنی بر فناوری‌های هوشمند، برای دستیابی به هدف این سیاست ضروری است. علاوه بر این، پیشرفت‌های فناوری می‌تواند شبکه بین صنایع را تقویت کرده و راه را برای زنجیره‌های نوآورانه جدید در صنعت گردشگری هموار کند که این امر منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی خواهد شد.

همچنین دولت مالزی متعهد به تعادل در توسعه، حفظ و حفاظت از منابع طبیعی، شامل محیط‌زیست، فرهنگ و میراث است. هدف آن برندسازی مالزی به‌عنوان یک مقصد اکوتوریستی پیشرو و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و پایدار در منابع است. این تلاش‌ها با تعهد مالزی به برنامه ۲۰۳۰ و ۱۷ هدف توسعه پایدار که توسط کشورهای عضو سازمان ملل تصویب شده، هم‌راستا است. بر اساس اهداف و استراتژی‌های برنامه ملی گردشگری در دوره ۲۰۲۰ الی ۲۰۳۰ و توسعه صنعت گردشگری، مالزی جهت‌گیری استراتژیک گردشگری خود را برای دوره ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۶ آماده کرده است. در این راستا، جلسه‌ای با حضور فعالان صنعت برگزار شد و دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه، استراتژی‌های جذب گردشگران طبق جهت‌گیری‌های استراتژیک شکل ۲-۲ تدوین شد.



شکل ۲-۲- جهت‌گیری‌های راهبردی کشور مالزی جهت جذب گردشگران در دوره ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۶

* حباب سفر به نوعی توافق بین دو یا چند کشور یا منطقه گفته می‌شود که در آن افراد بدون نیاز به انجام قرنطینه یا محدودیت‌های دیگر، می‌توانند به صورت آزادانه و بدون محدودیت‌های معمول سفر کنند. این توافق معمولاً برای تسهیل سفرها به ویژه در دوران پاندمی یا بحران‌های بهداشتی مانند COVID-19 برقرار می‌شود.

در نتیجه، گردشگری مالزی به‌طور کامل از چالش‌های پیش‌رو به‌ویژه در دوران پس از پاندمی، آگاه است. با این حال، این کشور از شرایط دشوار عبور کرده و چشم‌انداز گردشگری آن برابری شده است. استراتژی‌های مالزی برای سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ با اهداف دولت و سیاست ملی گردشگری ۲۰۲۰-۲۰۳۰ هم‌راستا است. در این راستا، مالزی به همکاری مستمر با شرکای محلی و بین‌المللی

خود ادامه خواهد داد و تقویت گردشگری داخلی، هوشمندسازی و ایجاد شراکت‌های هوشمند را در اولویت قرار خواهد داد. این طرح استراتژیک به‌عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های ترویج گردشگری در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ عمل می‌کند و فضایی کافی برای استفاده خلاقانه و متناسب با نیازها در زمان و موقعیت‌های مختلف فراهم می‌آورد.

مالزی با اجرای برنامه‌های راهبردی و تدوین سیاست‌های جامع در دوران پسا کرونا، نشان داده است که می‌توان با مدیریت هوشمندانه و تمرکز بر پایداری، چالش‌های بزرگ را به فرصت تبدیل کرد. کاهش شدید گردشگران در سال ۲۰۲۰ این کشور را بر آن داشت تا با تقویت گردشگری داخلی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و همکاری با بخش‌های مختلف، مسیر بازسازی صنعت گردشگری خود را هموار سازد. این مطالعه، نشان از اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و علمی در راستای بهبود وضعیت گردشگری حتی در دوران رکود را نشان می‌دهد.

۲-۴-۳- رویکرد مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) برای توسعه گردشگری پایدار
نواحی ساحلی و دریایی، همواره تولیدکننده یا حامی محصولات و خدمات متنوعی هستند. راه‌حل‌های بخشی، معمولاً مشکلات را از یک منبع به منبع دیگر منتقل می‌کنند. تأسیسات صنعتی و انرژی می‌توانند محیط‌زیست را برای سایر فعالیت‌ها تخریب کنند. بنابراین، ضروری است تا فعالیت‌های بخش‌های مختلف با یکدیگر ترکیب شوند تا به یک چارچوب مدیریت ساحلی مشترک که مورد توافق باشد، دست یافت. منابع اصلی درگیری در اختلافات زیست‌محیطی شامل وجود تقاضاهای متضاد برای منابع، تفاوت‌ها در ارزش‌های انسانی درباره ارزش نسبی منابع و نداشتن دانش یا درک کافی از هزینه‌ها، منافع و خطرات درگیر در اقدامات پیشنهادی هستند. به دلیل تقاضای بالا برای منابع ساحلی و محدودیت موجود در عرضه این منابع، درگیری‌ها در نواحی ساحلی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، یک مدیریت یکپارچه موثر برای توسعه پایدار نواحی ساحلی باید ضمن شناسایی این درگیری‌ها، پیش‌بینی، اجتناب و حل آن‌ها را به‌عنوان بخشی از فرایند اجرایی خود در نظر بگیرد. این مدیریت یکپارچه نیازمند همکاری نزدیک میان ذی‌نفعان مختلف، از جمله جامعه محلی، صنعت گردشگری، شیلات و دیگر بخش‌ها است. برای رسیدن به این هدف، باید فضایی برای تبادل اطلاعات و آگاهی‌بخشی ایجاد شود تا به درک مشترکی از منابع و خدمات موجود دست یافت. همچنین در این راستا، ارتقاء دانش محیط‌زیستی و ترویج ارزش‌های پایدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با افزایش فشارها بر روی منابع طبیعی و محیط‌زیست، مشکلاتی که قبلاً به سادگی نادیده گرفته می‌شدند، اکنون نیاز به توجه و رسیدگی دارند. انتقال فرسایش سواحل به سمت پایین‌دست، آلودگی آب به سمت پایین‌دست یا آلودگی هوا که با دودکش‌های بلندتر به سمت داخل منتقل می‌شود، راه‌حل‌های قابل قبولی برای تعارضات ساحلی نیستند. برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به ایجاد سازوکارهایی درون سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است که هزینه‌های محیط‌زیستی را در

ارزیابی‌های اقتصادی لحاظ کرده و به مناطق دیگر یا نسل‌های آینده منتقل نکنند. این سازوکارها باید با پیچیدگی‌های سیستم‌های ساحلی هماهنگ باشند. هدف از رویکرد یکپارچه‌سازی، گرد هم آوردن تقاضاهای متضاد جامعه برای محصولات و خدمات است، به‌گونه‌ای که منافع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت کنونی و آینده را پیش‌بینی کند. این رویکرد باید گزینه‌های مختلف برای استفاده‌های آینده از منابع دریایی و ساحلی را باز نگه‌دارد و قادر به پاسخگویی به عدم قطعیت‌ها باشد. در این خصوص، تحلیل‌های وسیع‌تری نسبت به رویکردهای بخشی لازم است و با در نظر گرفتن اثرات خارجی، باید سیاست‌های قابل قبول از نظر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را برای مدیریت سواحل و دریاها تولید کند. به همین دلایل، مدیریت نواحی ساحلی یک مسئله حیاتی در بسیاری از کشورها با شدت بالای استفاده از منابع دریایی و ساحلی است. بنابراین باید منافع متعدد، درهم‌تنیده و همپوشان در نواحی ساحلی را به‌صورت هماهنگ و منطقی گرد هم آورد. به‌گونه‌ای که منابع ساحلی را برای بهره‌مندی اجتماعی و اقتصادی بهینه برای نسل‌های حال و آینده به کار گرفته شود و در عین حال پایه‌های منابع و فرآیندهای اکولوژیکی را حفظ کند. بطور خلاصه، مدیریت نواحی ساحلی نیازمند توجه جدی به تعاملات میان‌سیستمی و همکاری‌های بین‌المللی است تا بتوان به راه‌حل‌های پایدار و جامع دست یافت. این امر نه تنها به حفظ محیط زیست کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و رفاه اجتماعی نیز خواهد بود.

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) به عنوان یک رویکرد کل‌نگر برای حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع ساحلی و دریایی، اهداف متعددی را در بر می‌گیرد. در این راستا، شناسایی مکان‌هایی که می‌توان از منابع آنها بهره‌برداری کرد، بدون آنکه به تخریب یا کاهش آنها منجر شود، از جمله اصول بنیادین این رویکرد محسوب می‌شود. یکی دیگر از اهداف مهم مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، بازسازی یا احیای منابع آسیب‌دیده برای استفاده‌های سنتی یا نوین است. این تلاش به ویژه در شرایطی که محیط زیست تحت فشارهای انسانی قرار گرفته، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین، راهنمایی در مورد میزان استفاده یا مداخله به‌گونه‌ای که از ظرفیت تحمل منابع فراتر نرود، ضروری است. بقای تنوع زیستی اکوسیستم‌های ساحلی نیز از دیگر اولویت‌های این برنامه است. حفظ این تنوع ضروری است تا از روندهای زیست‌محیطی و اقتصادی مطلوب حمایت شود. به همین منظور، نرخ کاهش منابع باید از نرخ تجدید آنها فراتر نرود و همچنین تلاش‌هایی باید در جهت کاهش خطرات تهدیدکننده منابع آسیب‌پذیر صورت گیرد.

تشویق فرآیندهای مفید و جلوگیری از مداخلات مضر، به حفظ اکوسیستم‌ها کمک می‌کند. به‌علاوه، ترویج فعالیت‌های مکمل به جای رقابتی، به هم‌افزایی و بهره‌برداری قابل قبول از منابع کمک خواهد کرد. یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی در مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی، تضمین این موضوع است که اهداف زیست‌محیطی و اقتصادی با هزینه‌های قابل تحمل برای جامعه به تحقق پیوندند. توسعه منابع انسانی و تقویت ظرفیت‌های نهادی، از ضروریات موفقیت این رویکرد می‌باشد. در نهایت، حفظ و ارتقاء عدالت اجتماعی و معرفی رویکردهای مشارکتی از نکات قابل توجه در برنامه

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی است. در مجموع، مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی به عنوان یک پروسه استراتژیک و همگام با منابع طبیعی، به دنبال توازن میان توسعه پایدار و حفظ محیط زیست است.

بطور خلاصه، مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی یک فرآیند مستمر، پیش‌فعال و تطبیقی برای مدیریت منابع با هدف توسعه پایدار در سواحل است. این رویکرد جایگزینی برای برنامه‌ریزی بخشی نیست، بلکه بر پیوندهای میان فعالیت‌های بخشی تمرکز دارد تا به اهداف جامع‌تری دست یابد. در این رویکرد به طور همزمان به آسیب‌پذیری اکوسیستم‌ها و چشم‌اندازهای ساحلی، تنوع فعالیت‌ها و کاربری‌ها، تعاملات آن‌ها و تأثیرات آن‌ها بر عناصر دریایی و زمینی توجه می‌شود. این فرآیند عموماً از سه مرحله اصلی تشکیل می‌شود. مرحله شروع که شامل تجزیه و تحلیل عوامل محرک می‌شود که می‌تواند آگاهی عمومی را نسبت به مسائل ساحلی تقویت کند؛ مرحله برنامه‌ریزی که به توسعه سیاست‌ها و اهداف و انتخاب مجموعه‌ای از اقدامات مشخص (استراتژی‌ها) برای تولید ترکیب مطلوبی از کالاها و خدمات از ناحیه ساحلی اشاره دارد و مرحله اجرای برنامه که وسیله‌ای برای تحقق این طرح است.

گردشگری ساحلی یکی از اجزای کلیدی اقتصادهای ساحلی و دریایی است. این نوع گردشگری در بسیاری از کشورها سریع‌ترین بخش در حال رشد گردشگری معاصر محسوب می‌شود و فشار مضاعفی بر سواحل وارد می‌کند. جایی که استفاده‌ها ممکن است قبلاً به‌طور فشرده‌ای در زمینه‌هایی نظیر کشاورزی، مناطق مسکونی، فعالیت‌های شیلات و صنعت متمرکز شده باشد. درک سیاست‌های گردشگری در قلب اهداف وسیع‌تری قرار دارد. مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی می‌تواند به تقویت گردشگری ساحلی کمک کند و در حل تضادها میان گردشگری ساحلی و دیگر بخش‌های دریایی و زمینی مؤثر باشد. همچنین می‌تواند مسئولیت‌های هم‌پوشان نهادهای درگیر را شفاف‌تر کرده و همکاری میان گردشگری ساحلی و دیگر بخش‌های ساحلی را افزایش دهد. واضح است که آینده گردشگری ساحلی به کیفیت و تنوع محیط ساحلی وابسته است و اهمیت آن در مناطق با وابستگی بالا به گردشگری، از قبیل مدیترانه و کارائیب، بسیار بیشتر از سایر مناطق جهان است.

۲-۴-۴- رویکردهای برنامه‌ریزی یکپارچه گردشگری

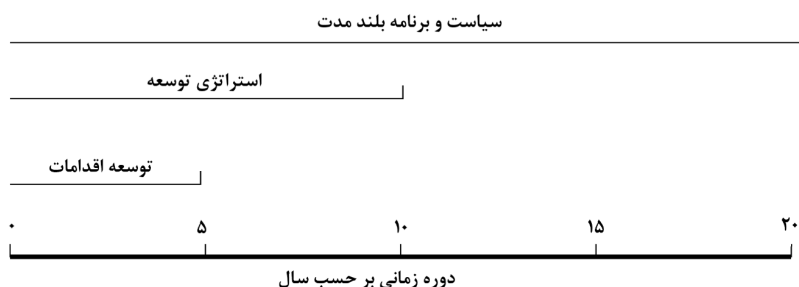
امروزه، بسیاری از سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی، به‌ویژه آن‌هایی که در چارچوب سیستم سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند، در تلاش‌اند تا رویکردهای جامع و یکپارچه‌ای برای برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری ارائه دهند. برخی از آن‌ها در ادامه به اختصار توضیح داده خواهد شد.

رویکرد توسعه پایدار به این معناست که منابع طبیعی، فرهنگی و دیگر منابع گردشگری برای استفاده مداوم در آینده حفظ شوند. در حالی که هنوز به نسل حاضر نیز مزایای لازم را می‌رسانند. این رویکرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا اکثر توسعه‌های گردشگری به جاذبه‌ها و فعالیت‌هایی وابسته‌اند که با محیط طبیعی، میراث تاریخی و الگوهای فرهنگی مناطق خاص مرتبط هستند. اگر

این منابع تخریب یا نابود شوند، مناطق گردشگری نمی‌توانند گردشگران را جذب کنند و گردشگری با شکست مواجه خواهد شد. یکی از مزایای مهم گردشگری این است که اگر به درستی پیرامون مفهوم پایداری توسعه یابد، می‌تواند به طور قابل توجهی به توجیه و تأمین مالی حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی یک منطقه کمک کند. بنابراین، گردشگری می‌تواند به عنوان یک وسیله مهم برای دستیابی به اهداف حفظ محیط زیست در مناطقی که در غیر این صورت ظرفیت محدودی برای تحقق این اهداف دارند، عمل کند. در این راستا، چند مؤلفه کلیدی که به توسعه پایدار گردشگری کمک می‌کند عبارتند از:

- ▲ برنامه‌ریزی محیطی: این موضوع نیازمند آن است که تمام عناصر محیط به دقت بررسی، تحلیل و در تعیین مناسب‌ترین نوع و مکان توسعه در نظر گرفته شوند.
- ▲ گردشگری مبتنی بر جامعه: این رویکرد بر مشارکت جامعه در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه تأکید دارد و بر توسعه نوع گردشگری که منافع را برای جوامع محلی به ارمغان می‌آورد، متمرکز است. رویکرد گردشگری مبتنی بر جامعه در سطوح محلی یا برنامه‌ریزی‌های جزئی‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما می‌تواند به عنوان یک رویکرد سیاست‌گذاری در سطوح ملی و منطقه‌ای نیز به کار رود.
- ▲ مفهوم گردشگری با کیفیت: این رویکرد به طور فزاینده‌ای به دلایل بنیادی دوگانه پذیرفته می‌شود. از نقطه نظر بازاریابی، می‌تواند گردشگری موفق‌تری را به ارمغان آورد و به ساکنان محلی و محیط‌زیست آن‌ها سود می‌رساند. گردشگری با کیفیت، به معنای گردشگری گران‌قیمت نیست. بلکه به معنای جاذبه‌ها، تأسیسات و خدمات گردشگری اشاره دارد که ارزش خوبی در ازای هزینه ارائه می‌دهند. همچنین منابع گردشگری را حفظ کرده و گردشگرانی را جذب می‌کنند که به محیط و جامعه محلی احترام می‌گذارند. این نوع گردشگری، خودکفا و پایدارتر از نظر اجتماعی و محیطی است.
- ▲ برنامه‌ریزی جامع بلندمدت: این موضوع به مشخص کردن اهداف و مقاصد و تعیین الگوهای توسعه آینده مطلوب مربوط می‌شود. سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه گردشگری باید برای دوره‌های نسبتاً بلندمدت تهیه شوند (معمولاً برای ۱۰ تا ۱۵ و گاهی تا ۲۰ سال، بسته به پیش‌بینی رویدادهای آینده در کشور یا منطقه). ممکن است این دوره‌ها بلندمدت به نظر برسند، اما این مدت زمان معمولاً برای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های بنیادی لازم است.
- ▲ برنامه‌ریزی استراتژیک: رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک برای گردشگری پایدار ضروری است. این نوع برنامه‌ریزی به دنبال تناسب بهینه میان سیستم و محیط آن است و بیشتر به شناسایی و حل مسائل فوری متمرکز است. برنامه‌ریزی استراتژیک معمولاً به مسائل در حال تغییر و شرایط فوری و مهم توجه دارد و به مدیریت تغییرات سازمانی متمرکز است.

اگرچه در صورت استفاده به‌تنهایی، برنامه‌ریزی استراتژیک می‌تواند کمتر جامع باشد. اما اگر در چارچوب سیاست و برنامه‌ریزی بلندمدت یکپارچه استفاده شود، می‌تواند بسیار مفید باشد. به‌طور کلی، موفقیت در توسعه گردشگری پایدار مستلزم اتخاذ رویکردهای یکپارچه و مد نظر قرار دادن تمامی ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. با اجرای مؤلفه‌های کلیدی فوق، می‌توان گردشگری را به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و تأمین منافع برای نسل‌های آینده در نظر گرفت. رابطه بین برنامه‌ریزی بلندمدت و برنامه‌ریزی استراتژیک گردشگری در شکل ۲-۳ نشان داده شده است.



شکل ۲-۳- رابطه بین برنامه‌ریزی بلندمدت و برنامه‌ریزی استراتژیک گردشگری

مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی: در یک کشور یا منطقه بزرگ، روال معمول این است که طرح گردشگری توسط مقام مرکزی با مشارکت عمومی به شرح فوق تهیه می‌شود. این را می‌توان رویکرد از بالا به پایین نامید. روش دیگری که گاهی اوقات مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد از پایین به بالا است. این رویکرد باعث مشارکت بیشتر مردم محلی در فرآیند برنامه‌ریزی می‌شود. اما زمان‌برتر است و ممکن است به اهداف، سیاست‌ها و توصیه‌های توسعه متناقض در میان مناطق محلی منجر شود. اغلب موارد، ترکیبی از رویکردهای «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» بهترین نتایج را به دست می‌آورد.

رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک برای گردشگری پایدار ضروری است. به‌طوری‌که فعالیت‌های برنامه‌ریزی و توسعه مختلف مرتبط با گردشگری به یک برنامه استراتژیک کلی و وسیع مرتبط شود تا چارچوبی یکپارچه برای هدایت گردشگری فراهم کند. برنامه‌ریزی استراتژیک به‌دنبال تطابق بهینه بین سیستم و محیط آن است. از این‌رو، این برنامه‌ریزی باید دارای ویژگی‌های بلندمدت، آینده‌نگر، هدف‌گرا، عمل‌گرا، پویا و انعطاف‌پذیر و قابل‌انطباق باشد. همچنین این برنامه‌ریزی باید تضمین کند که تهیه و اجرای طرح استراتژیک به‌صورت جداگانه نیست، بلکه از طریق پایش مداوم،

اسکن محیطی و ارزیابی به هم مرتبط است و روندی خطی نیست. به‌طور مثال، اسکن محیطی مستمر در تمام طول فرآیند انجام می‌شود تا امکان پاسخ و تنظیم پیشگیرانه فراهم گردد. پیش می‌تواند به محض تعیین شاخص‌ها و سطوح هدف آغاز شود تا اطلاعات پایه را ارائه کند. همچنین یک رویکرد استراتژیک برای برنامه‌ریزی گردشگری پایدار در جامعه نیازمند موارد زیر است:

۱. هماهنگی نزدیک با ساختارهای قانونی و سیاسی محلی و منطقه‌ای، مشارکت و حمایت جامعه، نقش جدید برای برنامه‌ریزان به‌عنوان مربیان و تامین‌کنندگان اطلاعات.
۲. مشاوره و مشارکت تمامی ذینفعان، شامل مشارکت مقامات محلی، جامعه محلی و تامین‌کنندگان خدمات گردشگری محلی.
۳. تعریف و اجرای یک برنامه عملیاتی، این برنامه باید شامل توصیفی از وضعیت کنونی، اهداف توسعه اصلی، و معیارها و ابزارهای بهبود برای ارزیابی باشد.
۴. ارزیابی، که در آن یک کمیته فنی نتایج استراتژی و برنامه عملیاتی پنج‌ساله را ارزیابی کرده و منطقه را به‌عنوان منطقه‌ای ممتاز در توسعه گردشگری پایدار در مناطق حفاظت‌شده شناسایی می‌کند.

۲-۴-۱- رویکرد برنامه‌ریزی گردشگری ناتورا ۲۰۰۰

ناتورا ۲۰۰۰، شبکه‌ای از مناطق حفاظت‌شده طبیعی در قلمرو اتحادیه اروپا است. این منطقه از مناطق ویژه حفاظت‌شده و مناطق حمایت ویژه تشکیل شده‌است که به ترتیب تحت دستورالعمل زیستگاه‌ها و دستورالعمل پرندگان تعیین شده‌اند. این شبکه شامل مناطق حفاظت‌شده زمینی و منطقه حفاظت‌شده دریایی است. شبکه ناتورا ۲۰۰۰ بیش از ۱۸ درصد از مساحت خشکی اتحادیه اروپا و بیش از ۷ درصد از منطقه دریایی آن را در سال ۲۰۲۲ پوشش می‌دهد. توصیه‌های مرتبط با شبکه ناتورا ۲۰۰۰، پس از تحلیل دستورالعمل زیستگاه‌ها، به تمامی بازیگران مربوط به اجرای استراتژی گردشگری پایدار در مکان‌های ناتورا ۲۰۰۰ توجه دارد. ناتورا ۲۰۰۰ بر جنبه‌های خاصی تأکید دارد، از جمله:

- ▲ فهرست‌های زیستی؛
- ▲ مشارکت تمامی بازیگران؛
- ▲ برنامه‌های مدیریتی؛
- ▲ زون‌بندی؛
- ▲ بازسازی نواحی تخریب‌شده.

مراحل مرتبط با برنامه گردشگری ناتورا ۲۰۰۰ به شرح زیر است:

- ۱- برنامه‌ریزی سیاست استراتژی:
 - ▲ ارزیابی منابع، شناسایی آسیب‌پذیری، انتخاب گردشگری مناسب؛
 - ▲ ایجاد استراتژی بر اساس مشاوره و مشارکت؛
 - ▲ اجرای، ارزیابی و به‌روزرسانی استراتژی گردشگری پایدار و ارتباط آن با سیاست ملی.
- ۲- تأمین محصولات بازار عرضه:
 - ▲ شناسایی و هدف‌گذاری بازارهای جدید، ایجاد بسته‌های نوآورانه؛
 - ▲ بهبود پیشنهادات، حمایت از محصولات محلی و سنتی و اقامتگاه‌های مناسب، ارائه راهنمایی به کارآفرینان محلی؛
 - ▲ حمایت از حفاظت و اقتصادهای محلی و جوامع با استفاده از مدیریت پایدار در اقامتگاه‌ها.
- ۳- ارتباطات - تبلیغات - آگاهی:
 - ▲ توسعه تصویر، پیام‌ها، اطلاعات و تفسیر مناسب؛
 - ▲ توسعه و ارتباط با طرح‌های زیست‌محیطی و سیستم‌های گواهی؛
 - ▲ توسعه و اجرای دستورالعمل‌ها.
- ۴- ارزیابی و مدیریت تأثیرات - مدیریت کیفیت یکپارچه - همکاری بین‌مرزی:
 - ▲ ارزیابی و اندازه‌گیری تأثیرات گردشگری؛
 - ▲ مدیریت بازدیدکنندگان و ترافیک، کاهش مصرف انرژی و آلودگی؛
 - ▲ توسعه مدیریت کیفیت یکپارچه، ارزیابی مقایسه‌ای و همکاری بین‌مرزی.

۲-۴-۵- مفهوم ظرفیت بخش گردشگری

مفهوم ظرفیت بخش گردشگری به این موضوع اشاره دارد که گردشگری نمی‌تواند به‌طور نامحدود در یک مکان رشد کند، بدون اینکه آسیب‌های غیرقابل جبرانی به سیستم محلی وارد کند. تحلیل ظرفیت یک تکنیک اساسی در گردشگری است که برای تعیین حد بالای توسعه و استفاده از بازدیدکنندگان و بهره‌برداری بهینه از منابع گردشگری استفاده می‌شود. در سطح کشور، ظرفیت‌های حمل‌ونقل باید به‌طور کلی برای منطقه برنامه‌ریزی شده و به‌طور دقیق‌تری برای هر محل گردشگری در سطح برنامه‌ریزی جامعه محاسبه شوند. ظرفیت حمل گردشگری به‌عنوان حداکثر تعداد افرادی که می‌توانند در یک زمان به یک مقصد گردشگری مراجعه کنند، بدون اینکه به محیط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی آسیب برسد و کیفیت رضایت بازدیدکنندگان به‌طور غیرقابل قبول کاهش یابد، تعریف می‌شود. جاذبه‌های گردشگری به‌عنوان دارایی‌هایی غیرقابل تولید در نظر گرفته می‌شوند. افزایش تعداد بازدیدکنندگان از جاذبه‌های گردشگری می‌تواند به اشباع منجر شود که کیفیت تجربه گردشگری را کاهش می‌دهد. همچنین اثرات منفی اشباع در مناطق هم‌جوار احساس می‌شود، به‌طوری‌که جذابیت این مناطق به‌دلیل محیط‌های نامطلوب و تقاضای گردشگری پایین‌تر در اطراف کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، هرچه شدت استفاده گردشگری بیشتر باشد، جذابیت جاذبه گردشگری محدودتر می‌شود

سطح بالای فعالیت گردشگری در یک منطقه خاص، به‌طور حتم منجر به ایجاد تأثیرات اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی می‌شود. برخی مقاصد به‌ویژه به‌دلیل کمبود دیگر فعالیت‌های اقتصادی که می‌توانند استاندارد زندگی را تأمین کنند، به شدت به گردشگری وابسته هستند. در شرایطی که گردشگری به رونق خود ادامه می‌دهد، توسعه دیگر صنایع ممکن است به‌خاطر عدم سازگاری این فعالیت‌های اقتصادی با گردشگری، متوقف شود. درصد بالایی از کشورهای مقصد در مدیترانه، مناطق وسیعی را به توسعه استراحتگاه‌های گردشگری اختصاص داده‌اند که ممکن است تعامل کمی بین بازدیدکنندگان و محلی‌ها ایجاد کند، جز در مواردی که محلی‌ها در این استراحتگاه‌ها مشغول به کار هستند. سایر مقاصد امکان تعامل اجتماعی قوی‌تری را ارائه می‌دهند. مناطقی با گردشگری زیاد معمولاً در سطح اشباع بالایی قرار دارند که منجر به نارضایتی بازدیدکنندگان و نارضایتی جمعیت محلی می‌شود.

تجربیات نشان داده است که ارزیابی تخمینی توان جذب^۱ گردشگری به عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی کارآمد در مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته قابل استفاده است. تحلیل برخی از نمونه‌ها نشان می‌دهد که این ابزار می‌تواند از پایگاه داده‌های موجود بهره‌برداری کند و به‌عنوان یک فعالیت مستقل یا به‌عنوان ورودی برای مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی (ICZM) یا فرآیندهای مشابه برنامه‌ریزی و مدیریت به کار گرفته شود. تعیین ظرفیت تحمل برای یک مقصد گردشگری نه‌تنها در برنامه‌ریزی جامع و توسعه پایدار گردشگری کمک می‌کند، بلکه اثر بازخورد مثبتی نیز بر بازار گردشگری ایجاد خواهد کرد. همچنین این ابزار می‌تواند به انتخاب مناسب سایت‌ها کمک کند و در نتیجه نیاز به ارزیابی‌های محیط‌زیستی پروژه‌های پرهزینه را کاهش دهد. ارزیابی زیست‌محیطی استراتژیک^۲ می‌تواند به کشورهای مختلف کمک کند تا در حل مشکلات مرزی که ممکن است برای توسعه گردشگری اهمیت داشته باشد (مانند گردشگری دریایی یا سیستم‌های مناطق حفاظت‌شده دریایی) (مانند گردشگری دریایی یا سیستم‌های مناطق حفاظت‌شده دریایی^۳) همکاری کنند. مزایای متعددی در پیاده‌سازی ارزیابی راهبردی محیط‌زیستی وجود دارد. این ابزار می‌تواند برای توسعه، ارزیابی یا اصلاح یک طرح یا سیاست در حین شکل‌گیری آن استفاده شود، یا ممکن است برای ارزیابی آنها پس از توسعه استفاده گردد. ارزیابی محیط‌زیستی راهبردی می‌تواند نقش حامی را ایفا کند و به ارتقاء جایگاه مسائل محیط‌زیستی بپردازد یا نقش یکپارچه‌ساز را از طریق ترکیب جوانب محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی بر عهده بگیرد. با ادغام مسائل محیط‌زیستی در سیاست‌های توسعه، پیاده‌سازی مفهوم توسعه پایدار ممکن خواهد شد. این ابزار با ارزیابی طیف گسترده‌تری از گزینه‌های توسعه، بررسی آثار تجمعی چندین ابتکار توسعه‌ای مجاور، شناسایی محدودیت‌های تغییرات قابل قبول، پرداختن به ریشه‌های مشکلات محیط‌زیستی، فراهم‌سازی زمینه برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطوح پایین‌تر و تقویت مشارکت عمومی، نقش مؤثری در برنامه‌ریزی استراتژیک گردشگری پایدار ایفا می‌کند.

1- Carrying Capacity Assessment (CCA)

2- Strategic Environmental Assessment (SEA)

3- Marine Protected Areas (MPA)

در این فصل، به‌طور جامع به اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی در گردشگری ساحلی و دریایی پرداخته شد و روش‌ها و چارچوب‌های مختلفی که برای توسعه پایدار گردشگری در این مناطق می‌تواند مفید واقع شود، مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های خاص گردشگری ساحلی و دریایی، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و یکپارچه بیش از پیش احساس می‌شود. در ابتدا، نیاز به برنامه‌ریزی در این حوزه تأکید شد، چراکه عدم مدیریت صحیح می‌تواند به آسیب به منابع طبیعی، تخریب محیط‌زیست و در نهایت کاهش جذابیت این مناطق برای گردشگران منجر گردد. به همین دلیل، استفاده از چارچوب‌های مدیریتی و رویکردهای یکپارچه برای توسعه گردشگری در این مناطق ضروری است. همچنین مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی در این گزارش توضیح داده شد. این رویکرد به دنبال حفاظت از محیط‌زیست، استفاده بهینه از منابع و تضمین توسعه پایدار است. اصول برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی، بر هماهنگی میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تأکید دارد. مطالعات موردی مانند رشد گردشگری در جزایر گالاپاگوس و برنامه رشد گردشگری کشور مالزی، نمونه‌هایی از نحوه مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها در توسعه گردشگری ساحلی و دریایی هستند. این مطالعات نشان می‌دهند که حتی در شرایط بحران، با استفاده از برنامه‌ریزی دقیق و یکپارچه می‌توان به توسعه پایدار و موفقیت‌های چشمگیر در این صنعت دست یافت. در نهایت بررسی رویکردهای مختلف برنامه‌ریزی، از جمله برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری پایدار، برنامه‌ریزی استراتژیک یکپارچه و رویکرد ناتورا ۲۰۰۰، بر اهمیت حفاظت از تنوع زیستی و حفظ منابع طبیعی در کنار توسعه گردشگری تأکید دارد. همچنین مفهوم ظرفیت بخش گردشگری به‌عنوان یکی از اصول مهم در برنامه‌ریزی مطرح می‌شود که بر لزوم بررسی و مدیریت دقیق ظرفیت مناطق برای پذیرش گردشگر تأکید دارد. به‌طور کلی، این فصل نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی گردشگری ساحلی و دریایی نیازمند توجه به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و مدیریتی است تا بتوان توسعه‌ای پایدار و هماهنگ در این بخش از صنعت گردشگری ایجاد کرد.



فصل سوم:

گردشگری ساحلی و دریایی پایدار



کشورهایی که مناطق ساحلی خود را به عنوان مقاصد گردشگری ترویج می‌کنند، به طور فزاینده‌ای به اهمیت حفاظت از این مناطق پی برده‌اند. این آگاهی ناشی از درک عمیق این کشورها از نیاز به حفظ زیبایی‌های طبیعی و تضمین پایداری بلندمدت این مناطق به عنوان مقاصد گردشگری است. توسعه پایدار گردشگری در مناطق ساحلی، نه تنها به حفظ منابع طبیعی و فرهنگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش رضایت گردشگران و تقویت اقتصاد محلی نیز منجر شود. بنابراین، کشورها باید به طور جدی به ایجاد تعادل بین توسعه گردشگری و حفاظت از محیط زیست توجه داشته باشند تا بتوانند از جاذبه‌های طبیعی خود به نحو احسن بهره‌برداری کنند. در دنیای امروز، گردشگران به طور فزاینده‌ای نسبت به تأثیرات سفر خود آگاه شده‌اند و خواستار محصولات گردشگری پایدارتری هستند.

در پاسخ به نیاز روزافزون به حفاظت از مناطق ساحلی، بخش گردشگری برای توسعه رویکردها و استراتژی‌هایی که امکان برنامه‌ریزی و مدیریت بهتر فعالیت‌های گردشگری در مناطق ساحلی را فراهم می‌کنند، راهکارهایی را ارائه داده است. این موضوع همیشه کار آسانی نبوده است؛ زیرا مناطق ساحلی، محیط‌های بسیار شکننده‌ای هستند که اهداف دیگری از فعالیت‌های توسعه‌ای انسان را نیز شامل می‌شوند. مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، تا حد زیادی توسط بسیاری از اپراتورهای گردشگری و تصمیم‌گیرندگان به عنوان مسیری مناسب برای توسعه پایدار گردشگری ساحلی شناخته شده است. ابزارها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی گردشگری پایدار و مسئولانه برای اجرای موفقیت‌آمیز مناطق ساحلی ضروری هستند.

رشد صنعت گردشگری در دوران کنونی که با نوسانات مکرر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به‌ویژه در نقاط جذاب گردشگری جهان همراه است، موضوعی قابل توجه است. این رشد در شرایطی اتفاق می‌افتد که بحران‌های سیاسی و اقتصادی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تصمیم‌گیری‌های مسافران و سرمایه‌گذاران داشته باشند. به‌علاوه، حوادث ناگوار ناشی از نیروهای طبیعی، نظیر زلزله، طوفان و سیل نیز می‌تواند به‌طور ناگهانی بر جاذبه‌های گردشگری تأثیر بگذارد و امنیت و تجربه مسافران را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، علیرغم این چالش‌ها، صنعت گردشگری همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. این وضعیت نشان‌دهنده تاب‌آوری و انطباق‌پذیری این صنعت است. بسیاری از مقاصد گردشگری با بهبود زیرساخت‌ها، ارتقاء خدمات و افزایش امنیت، تلاش می‌کنند تا به مسافران اطمینان دهند و جذابیت خود را حفظ کنند. همچنین، افزایش آگاهی از اهمیت گردشگری پایدار و مسئولانه، به جذب مسافران جدید کمک کرده است. بنابراین، در حالی که نوسانات سیاسی و اقتصادی و حوادث طبیعی می‌توانند تهدیداتی برای صنعت گردشگری به شمار آیند، این صنعت با اتخاذ رویکردهای نوآورانه و تمرکز بر نیازهای مسافران، به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهد. این امر نه تنها به رونق اقتصادی کشورهای میزبان کمک می‌کند، بلکه تجربه‌ای غنی و متنوع برای گردشگران فراهم می‌آورد.

از منظر توزیع فضایی، گردشگری یک فعالیت بسیار پراکنده بوده و در محیطها و مقاصد خاصی قرار دارد که در آن جاذبه‌های زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی متنوعی وجود دارد. از جمله چالش‌های درونی صنعت گردشگری، افزایش فشار بر منابع طبیعی، ایجاد تغییرات فرهنگی منطقه و تغییر در ساختار اجتماعی جوامع محلی است. در مناطقی که به شدت تحت تأثیر گردشگری قرار دارند، جوامع ممکن است در معرض نوسانات اقتصادی و اجتماعی ناشی از تغییرات در تقاضای گردشگران قرار بگیرند. این تغییرات می‌تواند منجر به تخریب محیط‌زیست، کاهش کیفیت زندگی ساکنان و همچنین از دست رفتن هویت فرهنگی شده و در نهایت منافع اقتصادی گردشگری را به خطر بیندازد. نتیجتاً، ضرورت دارد که در طراحی و مدیریت مقاصد گردشگری به توازن میان منافع اقتصادی و حفظ پایداری محیطی و اجتماعی توجه ویژه‌ای شود. توسعه پایدار گردشگری، نیازمند ارزیابی دقیق تأثیرات و پیاده‌سازی رویکردهای مسئولانه برای کاهش آثار منفی و به حداقل رساندن تخریب است. این رویکرد می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی و تداوم فعالیت‌های گردشگری در درازمدت کمک کند. بنابراین بطور کلی، این واقعیت که در یک منطقه نسبتاً کوچک، تمرکز بالایی از حضور گردشگران وجود داشته باشد، ممکن است منجر به پیامدهای منفی شود. با این حال، اثرات تجمعی این تأثیرات هنوز هم می‌تواند عالی باشد.

همانطور که در فصل اول نیز اشاره شد، یکی از رایج‌ترین نوع گردشگری، گردشگری ساحلی است. این نوع از گردشگری، بر اساس ترکیبی از منابع منحصر به فرد در رابط زمین و دریا است که امکاناتی مانند آب، سواحل، زیبایی‌های منظره، تنوع‌های زیستی غنی زمینی و دریایی، میراث فرهنگی و تاریخی متنوع، غذای سالم و زیرساخت‌های خوب را ارائه می‌دهد. گردشگری ساحلی، شامل فعالیت‌های متنوعی است که هم در مناطق ساحلی و هم در آب‌های ساحلی انجام می‌شود که شامل توسعه ظرفیت‌های گردشگری (هتل‌ها، استراحتگاه‌ها، سوئیت‌ها، رستوران‌ها و غیره) و زیرساخت‌های پشتیبانی (بندرها، اسکله‌ها، فرودگاه‌های ماهیگیری و غواصی و امکانات دیگر) می‌شود. علاوه بر شرایط فیزیکی، توسعه گردشگری در نواحی ساحلی با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی محیط پذیرنده از جمله منافع جامعه محلی، شرایط بهداشتی و امنیتی، عوامل سیاسی از جمله بحران‌های غیرقابل پیش‌بینی و مدل‌های سنتی گردشگری مرتبط است. رشد گردشگری در مناطق ساحلی، در دهه‌های اخیر به اوج خود رسیده است. اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی غیرقابل تردید است، اگرچه تحلیل‌های بسیار محدودی برای پیش‌بینی سهم مستقیم گردشگری ساحلی در بخش گردشگری یا سهم آن در اقتصاد جهانی وجود دارد. با این حال، برخی از مطالعات نشان می‌دهد که بخش گردشگری ساحلی در مناطق مختلف جهان با توجه به بزرگی و سهم آن در اقتصاد ملی و همچنین رفاه جوامع محلی به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است.

۳-۲- تعارض بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست در گردشگری ساحلی

گردشگری ساحلی به عنوان یکی از مهمترین عوامل اقتصادی در کشورهای ساحلی شناخته می‌شود. این بخش نه تنها به بهبود اقتصاد محلی کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی زیادی را فراهم می‌آورد و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مناطق ساحلی را نیز غنی‌تر می‌کند. با این حال، یک مشکل اساسی که در گردشگری ساحلی وجود دارد، تضاد بین مزایای اقتصادی این صنعت و تأثیرات مخرب آن بر محیط زیست فیزیکی و اجتماعی است. مساله مفهومی اصلی گردشگری ساحلی که باید حل شود، تضاد بین مزایایی است که گردشگری برای کل اقتصاد و محیط اجتماعی که در آن فعالیت می‌کند و تأثیرات مخرب آن بر محیط فیزیکی ساحلی از نظر گسترش شهری است. توسعه بی‌رویه زیرساخت‌ها و گسترش شهری به دلیل رشد سریع گردشگری می‌تواند به پراکنده‌رویی شهری منجر شود و سواحل را تحت فشارهای جدی قرار دهد. این پدیده می‌تواند منجر به آسیب به اکوسیستم‌های حساسی شود که برای حفظ تعادل طبیعی بسیار حیاتی هستند. همچنین، تولید زباله و آلودگی ناشی از فعالیت‌های گردشگری، مشکلات محیط زیستی جدی را ایجاد می‌کند که متولیان باید به آن توجه کنند. علاوه بر تهدیدات زیست‌محیطی، گردشگری می‌تواند به از دست رفتن هویت اجتماعی و فرهنگی مناطق ساحلی منجر شود. هجوم گردشگران و تغییرات ناشی از ساخت‌وسازهای جدید، گاهی اوقات موجب می‌شود که سنت‌ها و ارزش‌های محلی تحت الشعاع قرار گیرند و جوامع محلی احساس بی‌هویتی کنند. به‌منظور دستیابی به یک تعادل پایدار، نیاز است که راهکارهایی برای مدیریت گردشگری ساحلی به کار گرفته شود. این راهکارها می‌توانند شامل برنامه‌ریزی شهری هوشمندتر، حفاظت از مناطق حساس زیست‌محیطی و تشویق به گردشگری پایدار باشند. اتخاذ چنین تمهیداتی، می‌تواند تضمین کند که منافع اقتصادی گردشگری در کنار حفظ محیط زیست و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مناطق ساحلی قرار گیرد و به این ترتیب، آینده‌ای پایدارتر برای این مناطق فراهم شود.

معمولاً توسعه فعالیت‌های گردشگری در مناطق ساحلی، مبتنی بر فرآیندی است که در آن هرگونه برنامه‌ریزی یا تصمیم مدیریتی عمدتاً بر اساس معیارهای مالی اتخاذ می‌شود. در حالی که در تصمیم‌گیری‌ها، محیط‌زیست تنها به معنایی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را «تلاش برای به حداقل رساندن اثرات با توجه به بودجه موجود» توصیف کرد. این روند منجر به توسعه ناپایدار مناطق ساحلی می‌شود که نه تنها بر محیط زیست و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه در درازمدت، مزایای اقتصادی گردشگری را نیز از بین می‌برد. زیرا اساس فعالیت گردشگری در مناطق ساحلی (تنوع چشم‌انداز، تنوع زیستی و اکوسیستم در دریا و ساحل) را از بین می‌برد. چالش اصلی در این تضاد، چگونگی توسعه الگوهای گردشگری ساحلی است. بگونه‌ای که منافع گردشگران و جمعیت محلی و کیفیت منابع طبیعی برای گردشگری را به حداقل نرساند. به منظور به حداقل رساندن مشکلات ناشی از گردشگری و تضمین پایداری صنعت گردشگری و منابع ساحلی مورد استفاده سایر بخش‌ها، باید توجه بیشتری به ادغام گردشگری ساحلی در برنامه‌ریزی توسعه استراتژیک شود.

در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، تمرکز بر برنامه‌ریزی مناسب رشد گردشگری با توجه به ظرفیت سیستم‌های محلی از اهمیت بالایی برخوردار است.

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در سال‌های اخیر از سوی بسیاری از اپراتورهای گردشگری و تصمیم‌گیرندگان به‌عنوان مسیری مؤثر برای تحقق اهداف توسعه پایدار در گردشگری ساحلی شناخته شده است. این رویکرد، نوعی حکمرانی تطبیقی و چندبخشی است که با هدف توسعه، بهره‌برداری و حفاظت متوازن از محیط‌های ساحلی طراحی شده است. این مدیریت بر اصولی همچون رویکرد کل‌نگر و مبتنی بر اکوسیستم، حکمرانی خوب، همبستگی درون‌نسلی و بین‌نسلی، حفاظت از ویژگی‌های متمایز سواحل، و اصل احتیاط و پیشگیری استوار است؛ اصولی که بستر لازم را برای دستیابی به گردشگری پایدار فراهم می‌سازند.

۳-۳- هدف و دامنه

هدف اصلی از تدوین این فصل از گزارش، ارائه ابزاری است که به همه دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری پایدار برای تسهیل استفاده از منابع در مناطق ساحلی کمک می‌کند. این اهداف بصورت موردی عبارتند از:

- ▲ ترویج رویکرد مدیریت مشارکتی در میان سهامداران عملیاتی در بخش گردشگری؛
- ▲ غنی‌سازی ظرفیت عملیاتی موسسات و افرادی که با توسعه گردشگری و یا مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی در بخش خصوصی و در سطح مقامات محلی یا دولتی ارتباط دارند.
- ▲ افزایش آگاهی در مورد اهمیت پایداری و مدیریت یکپارچه در برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های گردشگری در مناطق ساحلی.

این فصل به‌طور خاص با هدف ارائه راهنمایی و پشتیبانی برای تمامی متخصصان حوزه برنامه‌ریزی گردشگری و مدیریت مناطق ساحلی تدوین شده است؛ افرادی که به‌صورت مستقیم در فرایندهای روزمره برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری فعالیت دارند. در این راستا، فعالیت در مقاصد گردشگری ساحلی به‌عنوان رویکردی برای تصمیم‌گیرندگان معرفی می‌شود تا از طریق آن بتوانند اهمیت گردشگری را در پیوند با بافت‌های فیزیکی و اجتماعی مناطق ساحلی بهتر درک نمایند و از آن به‌عنوان ابزاری در جهت تسهیل فرآیند یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی گردشگری و مدیریت توسعه پایدار بهره‌گیرند.

این فصل همچنین چارچوبی برای یک نظام برنامه‌ریزی استراتژیک عمودی ارائه می‌دهد؛ نظامی که در آن تعاملات و فرآیندها به‌صورت دوسویه و در قالب رویکرد «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» شکل می‌گیرند. به بیان دیگر، گرچه آغاز ابتکارات ممکن است از سطوح کلان و مدیریتی باشد، اما فرایندهای تصمیم‌گیری در عمل از سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب اداری و اجرایی نشأت می‌گیرند

۳-۴- گردشگری پایدار در مناطق ساحلی

گردشگری پایدار در مناطق ساحلی یکی از موضوعات مهم و روز دنیا است که به منظور حفظ محیط زیست و فرهنگ محلی در کنار توسعه اقتصادی مطرح می‌شود. مناطق ساحلی همواره با چالش‌های خاصی از جمله تخریب زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی و فشارهای اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری مواجه هستند. اهداف گردشگری پایدار در مناطق ساحلی را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

۱. حفاظت از منابع طبیعی: جلوگیری از تخریب اکوسیستم‌های دریایی و سرزمین‌های ساحلی.
۲. تقویت اقتصاد محلی: حمایت از کسب‌وکارهای محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار.
۳. حفظ فرهنگ محلی: تقویت هویت فرهنگی جوامع ساحلی و حفظ آداب و رسوم محلی.
۴. آموزش و آگاهی‌بخشی: آموزش گردشگران و جامعه محلی در خصوص اهمیت حفظ محیط زیست و فرهنگ.

توسعه گردشگری پایدار در مناطق ساحلی نیازمند همکاری بین بخش‌های مختلف جامعه، دولت و بخش خصوصی است. این همکاری می‌تواند به مدیریت بهتر منابع کمک کرده و به حفاظت از محیط زیست و فرهنگ محلی منجر شود. با اتخاذ رویکردهای پایدار، می‌توان از جذابیت‌های طبیعی و فرهنگی مناطق ساحلی بهره‌برداری کرده و در عین حال از آن‌ها محافظت نمود. در این بخش در ابتدا به بررسی جامعی بر گردشگری در مناطق ساحلی پرداخته می‌گردد. سپس در مورد وسعت و اهمیت اقتصادی گردشگری ساحلی بحث خواهد شد. بعد از آن به موضوع رشد گردشگری در مقابل توسعه گردشگری پرداخته خواهد شد. سپس تاثیرات و چالش‌های اصلی گردشگری ساحلی، نیاز به برنامه‌ریزی در گردشگری ساحلی و گردشگری ساحلی در مقاصد نوظهور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت به موقعیت ویژه جزیره‌های کوچک در حال توسعه و مسائل جهانی گردشگری ساحلی پرداخته خواهد شد.

۳-۴-۱- گردشگری پایدار: رشد گردشگری در مقابل توسعه گردشگری

طبیعت به عنوان یک منبع غنی و بی‌نظیر، زمینه‌ساز ایجاد زندگی، کار و اوقات فراغت برای انسان‌ها است. کشورهایی با خطوط ساحلی طولانی و متمایز را می‌توان از بسیاری جهات ممتاز دانست؛ زیرا دارای فضای ارزشمندی برای توسعه گردشگری هستند که امکان توسعه اجتماعی و اقتصادی در مقیاس محلی و منطقه‌ای را فراهم می‌کنند.

با توجه به این موضوع، لازم است تمایزی روشنی بین رشد و توسعه گردشگری قائل شد. رشد گردشگری معمولاً بر اساس معیارهایی چون تعداد ورود گردشگران و مدت زمان اقامت سنجیده می‌شود، اما این رشد لزوماً به رونق اقتصادی پایدار برای جوامع محلی منجر نمی‌شود. در مقابل، توسعه گردشگری به معنای افزایش درآمد، اشتغال محلی و ایجاد مزایای زیست‌محیطی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و متناسب با ظرفیت‌های محیط پذیرنده می‌باشد. این دو مفهوم، اگرچه می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، اما به فرایندها و نتایج متفاوتی اشاره دارند که در سیاستگذاری‌های حوزه گردشگری باید مورد توجه قرار گیرند.

صنعت گردشگری به‌وضوح یکی از منابع اصلی درآمد برای بسیاری از کشورها و مناطق به‌شمار می‌آید. جذابیت سود اقتصادی سریع از این صنعت که ناشی از ورود مبالغ کلان سرمایه‌گذاری و به‌عنوان یک راه ساده برای تقویت اقتصاد ملی تلقی می‌شود، منجر به رشد مداوم و غالباً بی‌ضابطه فعالیت‌های گردشگری در بسیاری از مناطق ساحلی شده است. رشد گردشگری به‌ویژه در مناطق ساحلی به سه عامل اصلی مرتبط است:

۱. افزایش درآمدهای شخصی و زمان فراغت؛
۲. بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل؛
۳. افزایش آگاهی عمومی از مقاصد جهانی به‌واسطه ارتباطات بهبود یافته.

این رشد که در دهه‌های اخیر به اوج خود رسیده و فشارهایی بر منابع محیط‌زیستی و فرهنگی مناطق ساحلی وارد کرده و الگوهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مقاصد گردشگری را تحت تأثیر منفی قرار داده است. با وجود روندهای رو به رشد، مدیران و سرمایه‌گذاران در صنعت گردشگری به‌طور فزاینده‌ای به این نکته آگاه شده‌اند که پایداری در مناطق ساحلی، به کیفیت این محیط‌های حساس وابسته است. گردشگران امروزی به دنبال تجربه‌های متنوعی از جمله جذابیت‌های فرهنگی و طبیعی، غذا، ورزش و غیره هستند که همه این‌ها، در یک محیط طبیعی خوب حفظ‌شده و متمایز قرار دارد. در عین حال، ساکنان مقاصد گردشگری سنتی، به‌طور فزاینده‌ای از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی خود آگاه و نگران هستند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۲، یک نظرسنجی در آلمان بر روی نمونه‌ای از ۷۸۷۲ نفر که نماینده ۶۰.۱ میلیون آلمانی ۱۴ سال یا بزرگتر بودند، انجام شد. از آنها این سوال پرسیده شد که وقتی به تعطیلات بعدی خود فکر می‌کنید، کدام یک از عوامل محیطی زیر برای شما مهم‌تر است؟ پاسخ‌ها به شرح زیر بود:

- ▲ ۶۴.۵ درصد سواحل و آب تمیز؛
- ▲ ۵۹.۱ درصد عدم وجود زباله در استراحتگاه یا در منطقه اطراف؛
- ▲ ۵۰ درصد عدم شهرنشینی و به هم زدن بافت مناطق روستایی؛
- ▲ ۴۵.۸ درصد حفاظت خوب از طبیعت در مقصد تعطیلات؛
- ▲ ۵۱ درصد بدون آلودگی صوتی ناشی از ترافیک؛
- ▲ ۳۵.۱ درصد حداقل ترافیک و حمل‌ونقل عمومی مناسب در مقصد؛
- ▲ ۲۹ درصد امکان رسیدن آسان به مقصد با اتوبوس یا قطار؛
- ▲ ۴۱.۸ درصد مسکن سازگار با محیط زیست؛
- ▲ ۱۸.۷ درصد یافتن محل اقامت سازگار با محیط زیست در کاتالوگ اپراتورهای تور یا آژانس‌های مسافرتی؛
- ▲ ۱۴.۲ درصد دسترسی آسان به اطلاعات پیشنهادات با اقامتگاه سازگار با محیط‌زیست تأیید شده (برچسب‌های سازگار با محیط زیست).

در این زمینه، محدود کردن رشد گردشگری، افزایش محصولات مرتبط با گردشگری، جذب مشتریان متنوع و ارتقای کیفیت ارائه خدمات، به عنوان اولویت‌هایی در نظر گرفته می‌شود که امکان توسعه گردشگری را فراهم می‌کند که هم بازدیدکنندگان و هم کسانی که از آن امرار معاش می‌کنند، راضی باشند. این ماهیت تعریف «گردشگری پایدار» است که توسط سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد ارائه شده است. دستورالعمل‌ها و شیوه‌های مدیریت توسعه گردشگری پایدار، برای همه اشکال گردشگری در همه انواع مقاصد، از جمله گردشگری انبوه و بخش‌های مختلف گردشگری ویژه قابل اجرا است. اصول پایداری به جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی توسعه گردشگری اشاره دارد و باید تعادل مناسبی بین این سه بعد ایجاد شود تا پایداری بلندمدت آن تضمین شود. بنابراین گردشگری پایدار بایستی:

۱. از منابع زیست‌محیطی که یک عنصر کلیدی در توسعه گردشگری است، بصورت بهینه استفاده کرده و همچنین فرآیندهای اکولوژیکی ضروری را حفظ کرده و به حفظ میراث طبیعی و تنوع زیستی کمک کند.

۲. به اصالت اجتماعی-فرهنگی جوامع میزبان احترام بگذارد، میراث فرهنگی ساخته شده و زنده و ارزش‌های سنتی آنها را حفظ کند و به درک و تساهل بین‌فرهنگی کمک کند.

۳. برای تضمین عملیات اقتصادی پایدار و درازمدت، به منافع اجتماعی و اقتصادی تمامی ذینفعان توجه کند. این امر شامل توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و درآمدزایی، فراهم‌سازی خدمات اجتماعی برای جوامع میزبان و ترویج فعالیت‌هایی است که به کاهش فقر کمک می‌کنند. ایجاد ثبات در اشتغال و درآمد، نه تنها به تقویت اقتصاد محلی می‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز رشد پایدار و بهبود کیفیت زندگی در این جوامع خواهد بود.

توسعه پایدار گردشگری، مستلزم مشارکت آگاهانه همه ذینفعان مرتبط و همچنین رهبری سیاسی قوی برای تضمین مشارکت گسترده و ایجاد اجماع است. دستیابی به گردشگری پایدار، یک فرآیند مستمر است و مستلزم نظارت مستمر بر اثرات، معرفی اقدامات پیشگیرانه و یا اصلاحی لازم است. همچنین گردشگری پایدار باید سطح بالایی از رضایت گردشگران را حفظ کند و تجربه‌ای معنادار را برای گردشگران تضمین کند و آگاهی آن‌ها را در مورد مسائل پایداری افزایش دهد و شیوه‌های گردشگری پایدار را در بین آن‌ها ترویج کند.

۳-۴-۲- تأثیرات و چالش‌های اصلی گردشگری ساحلی

تأثیرات گردشگری بر مناطق ساحلی که می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد، توسط کوکسیس و مکسا ارائه شده است. جوامع ساحلی به‌خوبی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، توسعه زیرساخت‌ها، بهبود شرایط بهداشت و ایمنی، و ارتقاء استانداردهای زیبایی از گردشگری بهره‌مند می‌شوند. همچنین افزایش آگاهی ساکنان سواحل از ارزش سواحل خود تحت تأثیر بازدیدکنندگان و سرمایه‌گذاری در حفاظت از محیط زیست از دیگر نتایج مثبت توسعه گردشگری

است. از سوی دیگر، به موازات شهرنشینی، گردشگری گسترده به‌عنوان یکی از علل اصلی پدیده توسعه ردیفی و از بین رفتن شدید بوم‌شناسی در مناطق ساحلی عنوان شده است. توسعه‌های بزرگ گردشگری، نه‌تنها ظاهر بصری بسیاری از سواحل دنیا را به‌طور چشمگیری تغییر داده‌اند، بلکه دینامیک طبیعی اکوسیستم‌های ساحلی را نیز مختل کرده‌اند. تصاحب زمین و تقاضا برای منابع، ریشه‌گذار پدیده‌های فرسایش شدید، از بین رفتن زیستگاه‌های ارزشمند (همچون تپه‌های شنی، مرجان‌ها، تالاب‌ها و جنگل‌های مانگرو) و تخریب غیرقابل بازگشت مناطق بکر و همچنین از دست رفتن گونه‌های نادر جانوری و گیاهی است.

صنعت گردشگری به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان منابع طبیعی، نیازمند تأمین گسترده کالاها و خدمات برای گردشگران است. از جمله این منابع، آب آشامیدنی است که در بسیاری از مناطق ساحلی به‌عنوان منبعی کمیاب و حیاتی شناخته می‌شود. همچنین، تأمین مواد غذایی برای گردشگران فشار قابل توجهی بر تولیدات محلی، به‌ویژه در حوزه صید ماهی، وارد می‌کند و اغلب منجر به صید بی‌رویه می‌شود. مصرف انرژی نیز در گردشگری، به‌ویژه برای تأمین برق و تسهیلات سرمایشی و گرمایشی، بسیار بالاست. علاوه بر این، گردشگری ساحلی اثرات زیست‌محیطی قابل توجهی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به آلودگی آب‌های شور و شیرین اشاره کرد. این آلودگی‌ها اغلب ناشی از تخلیه فاضلاب و دفع حجم بالایی از زباله‌های تولیدشده توسط تأسیسات گردشگری است. مطالعات محققانی مانند گوسلینگ نیز تأکید می‌کنند که گردشگری پیامدهای زیست‌محیطی گسترده‌ای در سطح جهانی دارد. این پیامدها شامل تغییر در پوشش گیاهی و کاربری زمین، مصرف بی‌رویه انرژی، انقراض گونه‌های جانوری، پراکندگی بیماری‌ها، تأثیرات بر شناخت و درک انسان از محیط‌زیست و همچنین مصرف بی‌رویه آب می‌شود.

همچنین آلودگی دریایی می‌تواند ناشی از تخلیه انواع زباله‌ها از یات‌های تفریحی، قایق‌های گردشگری، فری‌ها و بویژه کشتی‌های کروز باشد. به نقل از سازمان جهانی طبیعت در سال ۲۰۰۷، این «شهرهای شناور» که ظرفیت پذیرش تا ۴۰۰۰ مسافر را دارند، به عنوان یک منبع عمده آلودگی دریایی به دلیل دورریختن زباله و فاضلاب تصفیه‌نشده در دریا و آزادسازی سایر آلاینده‌های مرتبط با کشتیرانی در نظر گرفته می‌شوند. علاوه بر آسیب‌های زیست‌محیطی، گردشگری می‌تواند تأثیرات منفی بر جامعه محلی بگذارد. تأثیر گردشگری بر شیوه زندگی سنتی و آداب و رسوم محلی، فرسایش ارزش‌های فرهنگی اجتماعی سنتی و از دست‌دادن هویت جمعیت محلی و کاهش ارزش املاک به دلیل ساخت‌وسازهای بیش از حد، از جمله این تأثیرات منفی است.

هرچند گردشگری ساحلی معمولاً در یک نوار باریک ساحلی متمرکز است، تأثیرات آن می‌تواند فراتر از این نوار و در منطقه‌ای وسیع‌تر احساس شود. زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی از گردشگری ساحلی، نه تنها در خود نواحی ساحلی بلکه در مناطق گسترده‌تری نیز قابل توسعه است. این زیرساخت‌ها شامل شبکه‌های جاده‌ای و ریلی، فرودگاه‌ها، مراکز خرید بزرگ، توسعه مسکن برای کارکنان و سایر تأسیسات مرتبط می‌شود که ممکن است بر مناطق دورتر از ساحل تأثیر بگذارد.

یکی از چالش‌های عمده در راستای گردشگری پایدار در مناطق ساحلی، گسترش توسعه گردشگری از نواحی ساحلی به مناطق پسرکرانه است. این گسترش می‌تواند باعث ایجاد عدم تعادل در جوامع محلی شده و فشارهای بیشتری بر منابع طبیعی و زیرساخت‌ها وارد کند. علاوه بر این، یکی دیگر از چالش‌های اساسی، مقابله با کاهش فصلی بودن تقاضا برای گردشگری است که نیاز به برنامه‌ریزی برای جذب گردشگران در تمام طول سال و کاهش وابستگی به فصول خاص دارد. همچنین تأمین استفاده معقول و پایدار از منابع محدود، به‌ویژه آب و انرژی، به یکی از مسائل اصلی تبدیل شده است. در مناطق ساحلی که معمولاً با کمبود منابع طبیعی مواجه هستند، مدیریت بهینه این منابع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، کاهش آلودگی محیط‌های ساحلی و دریایی و محافظت از حیات وحش و زیستگاه‌های طبیعی در این مناطق از دیگر دغدغه‌های اساسی هستند. این چالش‌ها نیازمند یک رویکرد یکپارچه و پایدار در مدیریت گردشگری ساحلی است که علاوه بر توسعه اقتصادی، به حفظ منابع زیست‌محیطی و فرهنگی نیز توجه کند.

گردشگری ساحلی و دریایی وابستگی عمیقی به کیفیت اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی دارد، زیرا این اکوسیستم‌ها عامل اصلی جذب بازدیدکنندگان هستند. با این حال، تخریب مداوم و کاهش این منابع طبیعی، نه تنها پایداری و بقای این صنعت را تهدید می‌کند، بلکه جوامع محلی وابسته به آن را نیز با خطرات جدی مواجه ساخته است. یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین بخش‌های این صنعت، گردشگری مرجانی است که سالانه بیش از ۳۵۰ میلیون نفر را به خود جذب می‌کند و ارزشی بالغ بر ۳۶ میلیارد دلار در سال دارد. در بیش از ۷۰ کشور و سرزمین، «صخره‌های میلیون دلاری» وجود دارند که درآمد سالانه آن‌ها بیش از یک میلیون دلار به ازای هر کیلومتر مربع از طریق فعالیت‌های گردشگری است. با توجه به تهدیدات جدی علیه این منابع طبیعی، اکنون زمان آن رسیده است که گردشگری ساحلی و دریایی به سوی مدل‌های پایدارتر و کم‌اثرتر بر محیط زیست حرکت کند. این تحول نیازمند همکاری نزدیک میان دولت‌ها، صنعت گردشگری، جوامع محلی و سازمان‌های غیردولتی است تا رویکردی جامع و همسو برای حفاظت از این اکوسیستم‌های حساس و شکننده تدوین شود. چنین رویکردی نه تنها به حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند، بلکه معیشت جوامع محلی و توسعه پایدار در مناطق ساحلی را نیز تضمین می‌کند. دستیابی به تعادلی پایدار میان گردشگری و حفاظت از محیط زیست، نه تنها برای جوامع محلی که معیشت‌شان به این صنعت وابسته است، بلکه برای همه کسانی که از زیبایی و ظرفیت‌های طبیعی این مناطق بهره‌مند می‌شوند، ضروری و سودمند است.

یکی دیگر از اثرات قابل توجه گردشگری انبوه در شهرهای ساحلی، افزایش هزینه‌های زندگی برای ساکنان محلی و کاهش قدرت خرید آن‌ها است. این مسئله در جزایر به شکل حادتری دیده می‌شود؛ زیرا فصلی بودن گردشگری در این مناطق باعث ناامنی شغلی، دستمزدهای پایین و بار کاری بالا می‌شود و نهایتاً تأثیرات منفی قابل توجهی بر رفاه ساکنان محلی و دسترسی آن‌ها به منابع وارد می‌سازد. علاوه بر این، مزایای اقتصادی حاصل از گردشگری غالباً به‌صورت ناعادلانه

توزیع می‌شود. شرکت‌های بزرگ خارجی و اپراتورهای گردشگری بخش عمده‌ای از سود را تصاحب می‌کنند، در حالی که جوامع محلی از منافع اندکی برخوردار می‌شوند. در بسیاری موارد، هزینه‌های مربوط به جذب و نگهداری گردشگران انبوه، از منافع اقتصادی واقعی حاصل از آن پیشی می‌گیرد. این وضعیت نشان‌دهنده نیاز فوری به بازنگری عمیق در ساختارهای موجود صنعت گردشگری است. اتخاذ مدل‌هایی که به طور همزمان به پایداری محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی توجه کنند، امری ضروری به نظر می‌رسد. تنها با انجام این تغییرات، می‌توان به تعادلی مطلوب دست یافت که در آن گردشگری نه تنها به‌عنوان یک منبع اقتصادی پایدار عمل کند، بلکه به رفاه و توسعه پایدار جوامع محلی نیز کمک کند.

علاوه بر این، صنعت گردشگری به عنوان یک صنعت با شدت بالای انتشار گازهای گلخانه‌ای شناخته می‌شود و در سال ۲۰۱۳، بین ۸ تا ۱۱ درصد از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را به خود اختصاص داده است. این صنعت حتی در مقایسه با صنایع اصلی دیگری مانند تولید، ساخت و خدمات، از ایجاد آلودگی گازهای گلخانه‌ای بالاتری برخوردار است. در سراسر جهان، تقریباً ۴۹ درصد از انتشار گازهای مربوط به گردشگری ناشی از حمل‌ونقل و حدود ۶ درصد آن ناشی از اقامتگاه‌ها و هتل‌ها است. سفرهای مربوط به گردشگری، به ویژه پروازهای بلندمدت به مقاصد ساحلی دورافتاده، عامل اساسی در این میزان انتشار آلودگی به شمار می‌رود. گروه بین‌دولتی تغییرات اقلیمی، به طور فزاینده‌ای بر ضرورت اقدامات فوری برای جلوگیری از وجود زیرساخت‌های با کربن بالا به عنوان شرط ضروری برای دستیابی به تعهدات صفر خالص کربن دی‌اکسید تأکید می‌کند. این موضوع، نیاز به تغییرات سیستمی را مورد توجه قرار می‌دهد که برای موفقیت در کاهش تأثیرات اقلیمی حیاتی هستند. چنین تغییرات سیستماتیکی می‌توانند ترتیبات موجود در صنعت گردشگری را دچار چالش کنند و مسیرهای جدیدی را برای گردشگری پایدارتر و هماهنگ‌تر با شرایط اقلیمی فراهم آورند. در نتیجه، برای تبدیل مدل کنونی گردشگری ساحلی و دریایی به یک مدل پایدارتر، ضروری است که به دستاوردهای واقعی اجتماعی-اقتصادی و اثرات زیست‌محیطی آن توجه بیشتری شود. از طریق ایجاد تغییرات بنیادین و کاهش وابستگی به گردشگری انبوه، می‌توان به شکلی مؤثر به مدیریت منابع طبیعی پرداخت و به رفاه محلی و جهانی کمک نمود.

۳-۵- تحول در روابط جوامع ساحلی با دریا از طریق گردشگری پایدار

جوامع ساحلی در سراسر جهان در حال بازتعریف رابطه خود با اقیانوس هستند؛ آن هم از طریق ابتکارات گردشگری پایداری که نه تنها به تحول گردشگری دریایی منجر شده، بلکه اقتصادهای محلی را نیز دگرگون کرده است. از روستاهای کوچک ماهیگیری در جنوب شرق آسیا تا جوامع بومی در جزایر اقیانوس آرام، پروژه‌های حفاظتی مبتنی بر گردشگری به هم‌افزایی قدرتمندی میان حفاظت زیست‌محیطی و توسعه اقتصادی انجامیده‌اند. این ابتکارات سالانه بیش از ۳۶ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرده و هم‌زمان به حفظ اکوسیستم‌های حساس دریایی و میراث فرهنگی کمک کرده‌اند.

امروزه جوامع محلی به‌عنوان حافظان خط مقدم تنوع زیستی دریایی ایفای نقش می‌کنند و با تلفیق دانش بومی و رویکردهای نوین حفاظت محیط‌زیست، راه‌حل‌های نوآورانه‌ای ارائه می‌دهند. از طریق برنامه‌های اکوتوریسم مدیریت‌شده، این جوامع موفق به ایجاد مناطق حفاظت‌شده دریایی، توسعه شیوه‌های صیادی پایدار و اجرای برنامه‌های آموزشی برای ساکنان و گردشگران شده‌اند. این رویکرد مشارکتی، فقر را در برخی مناطق ساحلی تا ۳۰ درصد کاهش داده و در عین حال سلامت صخره‌های مرجانی و جمعیت ماهی‌ها را به طرز چشمگیری افزایش داده است.

ظهور گردشگری مبتنی بر جامعه نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم در حفاظت دریایی است؛ تغییری که نشان می‌دهد توسعه اقتصادی و حفاظت زیست‌محیطی می‌توانند در هماهنگی کامل عمل کنند. گسترش این برنامه‌ها الگویی برای توسعه پایدار ارائه می‌دهد که می‌تواند توسط سایر جوامع ساحلی اقتباس و اجرا شود. این مدل نه تنها حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی را تضمین می‌کند، بلکه جوامع محلی را به بازیگران اصلی در فرآیند حفاظت تبدیل می‌نماید، ضمن آنکه هویت فرهنگی و استقلال اقتصادی آن‌ها را حفظ می‌کند.

۳-۵-۱- ساخت جوامع گردشگری پایدار برای حفاظت دریایی

۳-۵-۱-۱- تعریف جوامع گردشگری در محیط‌های دریایی

جامعه گردشگری در محیط‌های دریایی، شبکه‌ای متشکل از ذی‌نفعان محلی است که زندگی، فعالیت و معیشت آن‌ها به منابع ساحلی و دریایی برای فعالیت‌های گردشگری وابسته است. این گروه‌ها شامل ساکنان محلی، خانواده‌های صیاد، اپراتورهای تور، کسب‌وکارهای مهمان‌داری، ارائه‌دهندگان تفریحات دریایی و سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست هستند که به‌صورت مشترک در راستای ترویج گردشگری پایدار و حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی تلاش می‌کنند.

همکاری میان این ذی‌نفعان، اغلب از طریق مشارکت‌های رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد. برای مثال، ماهیگیران محلی تجربیات اصیل صیادی را به گردشگران عرضه می‌کنند، در حالی که زیست‌شناسان دریایی تورهای آموزشی برگزار کرده و پژوهش می‌کنند. رستوران‌داران غذاهای دریایی بومی ارائه می‌دهند و جوامع بومی دانش بومی و سنت‌های خود در رابطه با دریا را به اشتراک می‌گذارند.

موفقیت این جوامع به حفظ تعادل ظریف میان توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست وابسته است. جوامع مؤثر، رویکردهای پایدار را در اولویت قرار داده، استراتژی‌های مدیریت گردشگر را اجرا می‌کنند و درآمد حاصل از گردشگری را مجدداً در پروژه‌های حفاظت محیط‌زیست سرمایه‌گذاری می‌کنند. همچنین، بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اعضای جامعه تأکید دارند تا افراد محلی با برخورداری از مهارت و دانش کافی، نقش مؤثری در گردشگری ایفا کنند و در عین حال به‌عنوان نگهبانان منابع دریایی خود عمل نمایند.

۳-۵-۱-۲- اصول کلیدی گردشگری دریایی مشارکتی با جامعه

گردشگری دریایی مبتنی بر جامعه بر پایه اصولی بنا شده که هم‌زمان منجر به حفاظت محیط‌زیست و شکوفایی محلی می‌شود:

- ▲ **مشارکت معنادار جامعه محلی:** در این رویکرد، اعضای جامعه نه صرفاً دریافت‌کنندگان منافع، بلکه تصمیم‌گیران اصلی در توسعه گردشگری هستند.
- ▲ **توزیع عادلانه منافع:** گردشگری باید درآمد خود را مستقیماً به اقتصاد محلی تزریق کند، زیرساخت، آموزش و حفاظت را تقویت کند و انگیزه‌ای برای حفاظت از منابع دریایی فراهم آورد.
- ▲ **حفظ فرهنگ بومی:** فعالیت‌های گردشگری باید مکمل سنت‌ها و ارزش‌های محلی باشد، نه در تضاد با آن. این اصل شامل گنجاندن دانش بومی در تورها و حفظ روش‌های سنتی ماهیگیری است.
- ▲ **سرپرستی محیط‌زیست:** جامعه باید در خط مقدم اقدامات حفاظت محیط‌زیست از جمله پایش صخره‌های مرجانی، پاکسازی سواحل و شیوه‌های صیادی پایدار قرار گیرد.
- ▲ **ظرفیت‌سازی و آموزش:** جوامع باید آموزش‌هایی در حوزه گردشگری، حفاظت دریایی و توسعه کسب‌وکار دریافت کنند تا پایداری بلندمدت تضمین شود.
- ▲ **شفافیت و پاسخ‌گویی:** فرایندهای تصمیم‌گیری باید شفاف و مشارکتی باشد تا اعتماد میان ذی‌نفعان تقویت شود.

۳-۵-۱-۳- پروژه «نگهبانان مرجان» در مالدیو، نمونه موفق جوامع پیشگام حفاظت دریایی

پروژه «نگهبانان مرجان» در مالدیو به عنوان یک نمونه موفق و شاخص، نحوه تلفیق حفاظت از اکوسیستم‌های بحرانی و توسعه اقتصادی پایدار را به نمایش می‌گذارد. این طرح که از سال ۲۰۱۸ آغاز به کار کرده، با همکاری مستقیم ماهیگیران محلی، کارکنان اقامتگاه‌های گردشگری و متخصصان زیست‌شناسی دریایی، به هدف احیای صخره‌های مرجانی آسیب‌دیده در اطراف جزایر مالدیو فعالیت می‌کند. در این پروژه، اعضای جامعه محلی که پیش‌تر معیشت خود را به طور کامل

بر ماهیگیری مبتنی کرده بودند، اکنون نقش باغبانان مرجان و راهنمایان تخصصی غواصی را ایفا می‌کنند. این تغییر نقش، علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین، موجب تقویت حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست دریایی شده است.

گردشگران نیز از طریق شرکت فعال در برنامه‌های احیای مرجان، ضمن کسب دانش تخصصی درباره ساختار و اهمیت اکوسیستم‌های صخره‌ای، در فرآیند حفاظت مشارکت مستقیم دارند. این تجربه تعاملی، به عنوان یک ابزار آموزش عملی و افزایش آگاهی زیست‌محیطی، موجب شکل‌گیری حمایت‌های بلندمدت مردمی از پروژه از طریق برنامه‌هایی همچون «فرزندخواندگی مجازی مرجان» می‌شود. تا کنون این برنامه موفق شده است بیش از ۵۰۰ مترمربع از زیستگاه‌های مرجانی تخریب‌شده را بازسازی کند و بیش از ۵۰ نفر از اعضای جامعه محلی را در زمینه تکنیک‌های احیای مرجان آموزش دهد. این دستاوردها نشان‌دهنده کارآمدی مدل مشارکتی مبتنی بر تلفیق دانش بومی و تخصص علمی در حفاظت دریایی و ایجاد راهکارهای اقتصادی پایدار برای جوامع ساحلی است.

به طور کلی، پروژه «نگهبانان مرجان» نمونه‌ای روشن از چگونگی تبدیل جوامع محلی از ناظران منفعل به حافظان فعال و مسئولیت‌پذیر اکوسیستم‌های دریایی به شمار می‌رود و الگویی الهام‌بخش برای سایر مناطق و پروژه‌های مشابه در سطح جهان محسوب می‌شود.

۳-۵-۱-۴- جوامع صیادی سنتی به‌عنوان رهبران حفاظت

روستای ماهیگیری کابو پولمو در مکزیک نمونه‌ای الهام‌بخش از تحول از صیادی سنتی به حفاظت دریایی است. در سال ۱۹۹۵، جامعه محلی تصمیم گرفت تا منطقه ماهیگیری خود را به یک منطقه حفاظت‌شده تبدیل کند. اکنون، تنوع زیستی دریایی در این منطقه ۴۶۰ درصد افزایش یافته و جامعه به‌طور کامل به اکوتوریسم شامل غواصی، آموزش و پایش دریایی روی آورده است. جزیره آپو در فیلیپین نیز تحول مشابهی را تجربه کرده است. ماهیگیران محلی اکنون نقش نگهبانان دریایی و راهنمایان گردشگری را بر عهده دارند، و دانش سنتی آن‌ها به‌عنوان ابزار کلیدی در موفقیت حفاظت دریایی شناخته شده است.

۳-۵-۱-۵- منابع درآمد پایدار و تأثیرات زیست‌محیطی

گردشگری جامعه‌محور در مناطق ساحلی به عنوان یک راهکار پایدار اقتصادی، منجر به ایجاد منابع درآمد متنوع و مستمر برای جوامع محلی شده است. از طریق این مدل گردشگری، راهنمایان محلی قادرند با بهره‌گیری از دانش بومی و تخصص خود در زمینه زیست‌بوم‌های دریایی، به‌صورت مستقیم درآمدزایی کنند. هم‌زمان، هنرمندان بومی نیز با تولید و فروش صنایع‌دستی سنتی و محصولات یادگاری سازگار با محیط‌زیست، فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای خود ایجاد می‌کنند. همچنین، توسعه اقامتگاه‌های محلی و رستوران‌های بومی نه تنها زمینه اشتغال بیشتر را فراهم

کرده بلکه تجربه‌ای اصیل و فرهنگی برای گردشگران به ارمغان می‌آورد که تقویت‌کننده پیوند میان گردشگر و جامعه میزبان است. در بسیاری از این جوامع، مدل‌های کسب‌وکار تعاونی شکل گرفته که درآمد حاصل از گردشگری را به طور هدفمند مجدداً در توسعه زیرساخت‌ها، برنامه‌های آموزشی و پروژه‌های حفاظت از محیط زیست سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ این چرخه تعاملی و بازتوزیع منابع، باعث تقویت توانمندی‌های محلی، افزایش رفاه اجتماعی و تداوم حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی می‌شود و گردشگری را به ابزاری موثر برای توسعه پایدار تبدیل می‌کند.

۳-۵-۱-۶- نتایج قابل اندازه‌گیری حفاظتی گردشگری جامعه‌محور

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که گردشگری جامعه‌محور تأثیرات حفاظتی قابل توجه و قابل اندازه‌گیری بر اکوسیستم‌های دریایی داشته است. به‌طور مشخص، سلامت صخره‌های مرجانی در این مناطق تا ۳۵ درصد بهبود یافته است که نشان‌دهنده موفقیت برنامه‌های احیایی و محافظتی است. علاوه بر این، جوامع محلی توانسته‌اند سالانه بیش از ۵۰,۰۰۰ کیلوگرم زباله پلاستیکی را از سواحل جمع‌آوری کنند که نقش مهمی در کاهش آلودگی‌های دریایی و حفظ کیفیت زیست‌بوم‌های ساحلی دارد. همچنین، تعداد مناطق تخم‌گذاری لاک‌پشت‌ها به میزان ۴۰ درصد افزایش یافته و جمعیت ماهیان در مناطق حفاظت‌شده محلی ۴۵ درصد رشد داشته است که نشان‌دهنده تقویت تنوع زیستی و بهبود شرایط زیستی است. از سوی دیگر، آسیب‌های ناشی از لنگر انداختن به صخره‌های مرجانی به واسطه استفاده از سامانه‌های پهلوگیری جایگزین تا ۸۰ درصد کاهش یافته و آلودگی‌های ساحلی نیز با مدیریت مؤثر زباله تا ۶۰ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، کاشت بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نهال حرا با نرخ بقای ۷۵ درصد، نشان‌دهنده موفقیت اقدامات بازسازی زیستگاه‌های ساحلی و اهمیت مشارکت جوامع محلی در حفظ و بهبود اکوسیستم‌های دریایی است. این داده‌ها به‌روشنی بیانگر کارآمدی و اثرگذاری گردشگری جامعه‌محور در حفاظت محیط زیست دریایی و ارتقاء پایداری اکوسیستم‌های ساحلی است.

۳-۵-۱-۷- ساخت جوامع گردشگری مؤثر و پایدار

ساخت جوامع گردشگری مؤثر و پایدار نیازمند توجه دقیق به مجموعه‌ای از عوامل کلیدی است که موفقیت این جوامع را تضمین می‌کند. نخستین و اساسی‌ترین عنصر، رهبری محلی قوی و مشارکت فعال جامعه است که حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را در میان ساکنان بومی تقویت می‌کند. علاوه بر این، ایجاد شراکت‌های موثر میان دولت، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی به تأمین منابع، تخصص و حمایت‌های لازم برای توسعه پایدار گردشگری کمک می‌کند. حفظ اصالت فرهنگی و مدیریت دقیق محیط‌زیستی، به عنوان پایه‌های هویت جوامع گردشگری، نقش مهمی در تداوم جذب گردشگران و حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. زیرساخت‌های مناسب و برنامه‌های ظرفیت‌سازی، از جمله آموزش‌های تخصصی برای راهنماها و مدیران گردشگری، از دیگر

مولفه‌های ضروری برای ارائه خدمات باکیفیت و حفظ استانداردهای محیطی هستند. همچنین، توزیع عادلانه منافع اقتصادی حاصل از گردشگری و ایجاد شفافیت مالی، موجب تقویت اعتماد عمومی و تضمین مشارکت مستمر جوامع می‌شود. پایش و ارزیابی مستمر عملکرد برنامه‌ها، امکان شناسایی نقاط قوت و ضعف و اصلاح به موقع سیاست‌ها را فراهم می‌آورد. در مواجهه با چالش‌های رایج، همچون نوسانات فصلی گردشگری، تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و ارائه برنامه‌های جایگزین مانند تورهای زمستانی و برنامه‌های آموزشی، به حفظ پایداری اقتصادی کمک می‌کند. برای مدیریت اثرات زیست‌محیطی نیز، ظرفیت‌سازی مستمر، آموزش راهنماها و اعمال محدودیت‌های بازدید از مناطق حساس ضروری است. همچنین، حفظ اصالت فرهنگی تنها با مشارکت مستقیم جامعه محلی در طراحی و اجرای تورهای فرهنگی امکان‌پذیر است، امری که باعث می‌شود فعالیت‌های گردشگری نه تنها به ارتقاء اقتصاد محلی کمک کنند بلکه به پاسداشت و تقویت ارزش‌های فرهنگی بومی نیز منجر شوند. این رویکرد جامع، چارچوبی مستحکم برای توسعه جوامع گردشگری پایدار و مؤثر فراهم می‌آورد.

۳-۵-۱-۸- آینده‌ای پایدار برای گردشگری دریایی

چشم‌انداز آینده پایدار گردشگری دریایی بر اساس توانمندسازی و مشارکت فعال جوامع محلی استوار است. شواهد پژوهشی حاکی از آن است که با افزایش نقش‌آفرینی جوامع بومی در فرآیندهای گردشگری، نه تنها حفاظت از محیط‌های دریایی بهبود می‌یابد بلکه دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی نیز به شکل قابل‌توجهی ارتقاء می‌یابد. برای تحقق این چشم‌انداز، ضروری است که گردشگران با آگاهی کامل به انتخاب ارائه‌دهندگان خدمات محلی بپردازند، در تورها و برنامه‌های گردشگری مبتنی بر جامعه مشارکت کنند، از کسب‌وکارها و صنایع دستی محلی حمایت نمایند و در فعالیت‌های داوطلبانه مرتبط با حفاظت از محیط زیست مشارکت فعال داشته باشند. افزون بر این، تقویت و ترویج سیاست‌های حمایتی که هم‌زمان از اکوسیستم‌های دریایی و معیشت جوامع ساحلی حفاظت می‌کنند، از ارکان کلیدی توسعه گردشگری پایدار به شمار می‌رود. تجارب موفق جوامع محلی در نقاط مختلف جهان، از فیلیپین تا ایسلند، به وضوح نشان داده‌اند که در صورت فراهم آمدن حمایت‌های لازم و فرصت‌های مناسب، این جوامع می‌توانند به نگهبانان مؤثر و مسئول منابع دریایی تبدیل شوند. بنابراین، گردشگری دریایی نه فقط یک فرصت اقتصادی، بلکه ابزاری راهبردی برای حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار جوامع ساحلی قلمداد می‌شود که حفظ منابع طبیعی و تداوم معیشت پایدار را به هم پیوند می‌دهد.

۳-۶- ایجاد دگرگونی در گردشگری ساحلی و دریایی بعد از بحران کرونا

گردشگری ساحلی و دریایی به‌عنوان یک بخش اساسی و حیاتی در اقتصاد جزایر کوچک و جوامع ساحلی شناخته می‌شود و نقشی کلیدی در تأمین معیشت ساکنان این مناطق ایفا می‌کند. همه‌گیری جهانی کووید-۱۹، به وضوح نشان داد که این بخش تا چه اندازه آسیب‌پذیر است. این بحران تأثیرات عمیقی بر زندگی میلیون‌ها نفر گذاشت که به گردشگری ساحلی و دریایی وابسته‌اند و موجب آشکار شدن فشارهای ناپایداری شد که بر اکوسیستم‌های دریایی و ساحلی تحمیل می‌شوند. علاوه بر این، رونق اقتصادی مدل‌های سنتی گردشگری انبوه، که غالباً بر بهره‌برداری بیش از حد از منابع محیطی متکی است، با چالشی جدی مواجه شد و ضرورت بازنگری در رویکردهای این صنعت را پررنگ‌تر کرد.

پاندمی کووید ۱۹، به‌طور قابل توجهی موجب اختلال در صنعت گردشگری و مسافرت در جهان شد. شورای جهانی سفر و گردشگری این موضوع را بیان کرده که حدود ۷۵ میلیون شغل در این صنعت از بین رفته است و تولید ناخالص داخلی ناشی از گردشگری جهانی بیش از ۲ تریلیون دلار کاهش یافته است. هزینه‌های واقعی اقتصادی و انسانی ناشی از این بحران تاکنون غیرقابل محاسبه است. طبق گزارش‌ها، بین سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، تولید ناخالص داخلی جهانی به میزان ۳.۴ درصد کاهش یافت که بیشترین اثرات آن بر روی اقتصادهایی بود که به شدت به صنعت گردشگری وابسته بودند. کشورهای جزیره‌ای کوچک در دریای کارائیب و اقیانوس‌های آرام و هند به‌طور خاص از طریق کاهش شدید گردشگری بین‌المللی با اختلالات اقتصادی گسترده‌ای مواجه شدند. این بحران به‌همراه تغییر رفتار گردشگران که به‌دلیل ترس از ابتلا به بیماری‌ها و خطرات سفر، تمایل به سفرهای بلندمدت کاهش یافت، موجب شد است که روند بهبودی در گردشگری بلندمدت در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد. با این حال، روندهای آینده‌ای که به‌دنبال بهبود از پاندمی شکل می‌گیرند، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای آینده گردشگری سواحل و دریاها ارائه می‌دهند. کووید ۱۹ به‌عنوان یک کاتالیزور منحصر به فرد تغییرات در این صنعت شناخته شده و زمینه‌ساز بررسی عمیق‌تر درباره اثرات و تبعات آن خواهد بود. بنابراین، نکاتی در این خصوص در زیر بدان اشاره شده است.

▲ تغییر در تقاضا و ترجیحات: با شیوع ویروس کرونا، الگوی تقاضا و ترجیحات گردشگران به‌طور چشمگیری تغییر یافته است. بسیاری از گردشگران به سفرهای داخلی روی آورده و تمایل دارند به مقاصد نزدیک‌تر و کم‌خطرتر سفر کنند. این تغییر می‌تواند فرصت‌هایی را برای مقاصد محلی و کوچک ایجاد کند که قبلاً در سایه مقاصد بزرگ‌تر و پرطرفدار قرار داشته‌اند.

▲ نیروی کار: کرونا نه تنها به از دست رفتن شغل‌ها منجر شد، بلکه نیروی کار را تحت فشار قرار داد و نیاز به مهارت‌های جدید را مورد تأکید قرار داد. با افزایش استفاده از تکنولوژی و دیجیتالی شدن خدمات، مشاغل گردشگری نیاز به کارکنان با مهارت‌های دیجیتال و توانایی در استفاده از سیستم‌های آنلاین را دارند. در نتیجه، بازآموزی و به‌روزرسانی مهارت‌ها برای پیگیری نیازهای جدید بازار بسیار حیاتی خواهد بود.

رشد و پراکندگی جمعیت: رشد جمعیت و پراکندگی آن در سطح جهانی می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر صنعت گردشگری داشته باشد. با افزایش جمعیت در مناطق شهری و کوچک‌تر، فشار بر امکانات گردشگری و زیرساخت‌ها نیز افزایش می‌یابد. این امر نیاز به برنامه‌ریزی شهری و توسعه زیرساخت‌های گردشگری را بیشتر می‌کند.

تغییرات آب‌وهوایی: تغییرات آب‌وهوایی، یکی از چالش‌های مهم آینده صنعت گردشگری است. سواحل و اکوسیستم‌های دریایی در معرض خطرات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی، از جمله افزایش سطح دریا و طوفان‌های شدید قرار دارند. این موضوع می‌تواند بر جذابیت مقاصد گردشگری و تجربه کلی مسافران تأثیر منفی بگذارد.

از بین رفتن اکوسیستم‌های ساحلی: از دست رفتن اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی به‌عنوان یکی از نگرانی‌های جدی دیگر برای صنعت گردشگری مطرح می‌شود. تخریب محیط‌زیست و کاهش تنوع زیستی نه تنها بر تجربه گردشگران تأثیر می‌گذارد، بلکه به کاهش درآمدزایی این صنعت نیز منجر خواهد شد. حفاظت از این اکوسیستم‌ها و ارائه مشوق‌هایی برای گردشگری پایدار به‌عنوان یک راه‌حل ضروری خواهد بود.

تأثیر فناوری در گردشگری: فناوری با سرعت بالایی در حال پیشرفت است و این تغییرات به‌ویژه در صنعت گردشگری از استفاده از برنامه‌های موبایل برای رزرو سفر گرفته تا واقعیت مجازی و واقعیت افزوده آشکار شده است. فناوری به گردشگران این امکان را می‌دهد که تجربه‌های جدیدی را کشف کنند و به راحتی با خدمات مختلف ارتباط برقرار کنند. در نتیجه، صنعت گردشگری باید خود را با این تغییرات وفق دهد و راهکارهای نوآورانه برای جذب و حفظ مشتریان ارائه دهد.

به‌طور کلی، پاندمی کووید ۱۹، نه تنها چالشی جدی برای صنعت گردشگری به‌وجود آورد، بلکه فرصت‌هایی برای بازنگری در فرآیندها و بهبود نحوه تعامل با مصرف‌کنندگان و حفاظت از محیط‌زیست ایجاد کرد. شش روند کلیدی مذکور می‌توانند به‌عنوان راهنماهایی برای مواجهه با چالش‌های آینده عمل کند و با توجه به تغییرات در تقاضا، باید به‌دنبال راهکارهایی برای توسعه پایدار و انعطاف‌پذیری در صنعت گردشگری بود. صنعت گردشگری باید با چشمان باز به سمت آینده نگاه کند و با بهره‌گیری از فناوری و الگوهای جدید، مسیر جدیدی را در دوران پس از پاندمی ترسیم نماید.

جدول ۳-۱- چالش‌ها و فرصت‌های آینده برای گردشگری ساحلی و دریایی

فرصت‌ها	چالش‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> • سفرهای داخلی و منطقه‌ای بیشتر • گزینه‌های متنوع سفرهای داخلی • توزیع تقاضا برای کاهش فصلی • افزایش گردشگری از بازارهای مبدا نزدیک و محلی • ایجاد قطب‌های گردشگری اقامتی • ایجاد پلتفرم‌های واقعیت مجازی و گردشگری مجازی • ایجاد ارتباط مردم با طبیعت و ایجاد شتابی جهت احیای اکوسیستم‌ها • افزایش تقاضا برای ایجاد مناطق حفاظت‌شده دریایی و مدیریت موثر آن‌ها با مشارکت ذی‌نفعان • افزایش فرصت برای امتیازات اکوتوریسم در مناطق حفاظت‌شده عمومی و خصوصی دریایی • ظهور و رشد گردشگری داوطلبانه و ماجراجویانه از طریق ایجاد نوآوری در سرمایه‌گذاری • افزایش سرمایه‌گذاری و فرصت‌های معیشتی در مکان‌های دورافتاده با تراکم جمعیت کم 	<ul style="list-style-type: none"> • بازسازی سیستم‌های مسافرتی • کاهش اعتماد مسافران • افزایش هزینه پروازهای طولانی‌مدت • شرم‌انگاری در تخریب محیط‌زیست توسط مسافران • افزایش پیچیدگی و بومی‌سازی الزامات ورودی و هاب‌های حمل‌ونقل • پلتفرم‌های مجازی جایگزین سفرهای کاری • افزایش بیش از حد گردشگران در مکان‌های گردشگری داخلی • افزایش تقاضا برای زیرساخت‌های گردشگری در مناطق طبیعی دورافتاده با تراکم جمعیت کم • افزایش فشار بر منابع طبیعی در مناطق دورافتاده • افزایش محبوبیت گردشگری در بستر واقعیت مجازی 	<p>تغییر در تقاضا و ترجیحات</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ارتقا مهارت و آموزش استخدام‌کنندگان محلی برای افزایش رضایت شغلی و امنیت شغلی و در نتیجه حفظ بیشتر کارکنان • افزایش گزینه‌های اشتغال برای مکان‌های دورافتاده با تراکم جمعیت کم • کاهش نابرابری بین دستمزدهای خارجی و محلی • دسترسی برابر برای زنان، اقلیت‌ها و افراد دارای معلولیت به مشاغل سودمند 	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش عرضه نیروی کار پس از همه‌گیری کرونا در خدمات گردشگری • افزایش هزینه نیروی کار و اهمیت رضایت شغلی برای جذب و حفظ کارکنان • افزایش فصلی گردشگری به دلیل تغییرات آب و هوایی • محدودیت دسترسی به کارگران ماهر در مکان‌های جدید 	<p>نیروی کار</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد فرصت‌هایی برای مراکز جدید گردشگری و بهبود تقاضا با افزایش جمعیت • ایجاد نسل‌های جدید و جوان جمعیت با ترجیحات متفاوت گردشگری (اما با قدرت خرید پایین‌تر) 	<ul style="list-style-type: none"> • رشد طبقه متوسط جهانی و تسریع بازارهای گردشگری ساحلی • تداوم رشد و ایجاد ابرشهرهای ساحلی • افزایش فشار بر سلامت انسان و اکوسیستم • تهدید گردشگری در مناطق ساحلی و دریایی با مهاجرت و جابجایی جمعیت 	<p>رشد و پراکندگی جمعیت</p>

فرصت‌ها	چالش‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> افزایش قیمت سفرهای طولانی به دلیل افزایش انگیزه جهت به صفر رسانیدن انتشار کربن و در نتیجه کاهش گردشگری انبوه و افزایش فرصت‌های گردشگری کم حجم، با کیفیت و پرهزینه ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در فناوری‌های آب و انرژی تجدیدپذیر و راه‌حل‌های اقتصاد دایره‌ای جهت صرفه‌جویی در هزینه‌ها فراهم آمدن تقاضا برای اشکال جدید حمل و نقل با انتشار کربن صفر و ایجاد فرصت‌های تامین مالی نوآورانه افزایش تقاضا برای راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت برای حفاظت از سواحل و انعطاف‌پذیری برای کاهش هزینه‌ها و افزایش سود 	<ul style="list-style-type: none"> تغییرات آب و هوایی شدید و افزایش سطح آب دریا هجوم غیرقابل پیش‌بینی سارگاسوم^۱ (نوعی جلبک قهوه‌ای) محدودسازی سفرها به علت افزایش فشار برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کاهش سلامت صخره‌های مرجانی و اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی و در نتیجه کاهش جذابیت گردشگری دریایی کاهش اکوسیستم‌های تپه‌ای محافظت‌کننده از زیرساخت‌های گردشگری ساحلی ایجاد بیکاری به دلیل تخریب سیستم‌های استراحتگاه‌های ساحلی به خطر افتادن زیرساخت‌های ساحلی ایجاد هزینه جهت انطباق کاهش کارایی و پایداری با بازگشت کشورها به راه‌حل‌های ملی ارائه شده 	تغییرات آب و هوایی
<ul style="list-style-type: none"> مدیریت حفاظت از منابع دریایی و ساحلی گسترش زیرساخت‌های گردشگری در مناطق طبیعی دورافتاده با تراکم جمعیت کم با مشارکت محلی‌ها سازگاری گردشگری دریایی مبتنی بر طبیعت با سایر معیارهای پایداری مبتنی بر منابع دریایی مانند ماهیگیری و آبی‌پروری بهبود تحقیقات و آگاهی از اثرات گردشگری بر تنوع زیستی دریایی و ساحلی 	<ul style="list-style-type: none"> کاهش سریع جمعیت حیات وحش و تنوع گونه‌ای تغییرات مداوم در رفتار حیات وحش دریایی و ساحلی به دلیل توسعه سواحل و افزایش فعالیت دریایی افزایش آلودگی دریایی (مانند فاضلاب، زباله جامد و پلاستیک‌های یکبار مصرف) 	از بین رفتن اکوسیستم‌های ساحلی
<ul style="list-style-type: none"> تولید داده‌ها و کلان‌داده‌ها توسط کاربران به عنوان منبع اصلی اطلاعات گردشگری بهبود تصمیم‌گیری و توسعه محصولات گردشگری با جمع‌آوری داده‌های مفید با تغییرات فناوری مدیریت بهبود یافته مقاصد که داده‌ها را برای اندازه‌گیری پایداری در همه شاخص‌ها جمع‌آوری می‌کند درک بهتر از رزرو و الگوهای سفر، از جمله شدت سفر و فصلی بودن آن پشتیبانی فناوری‌های جدید از مدیریت صحیح زباله، آب و انرژی بهبود توانایی گردشگران برای ارزیابی مقاصد و گزینه‌های سفر بهبود استقرار زیرساخت‌های پایدار با استفاده از منابع مالی اقلیم 	<ul style="list-style-type: none"> حذف یا آسیب رسانیدن به برخی از کشورها، مشاغل و مسافران تحت‌الشعاع قرار دادن نیازهای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال توسط سایر نیازهای سرمایه‌گذاری افزودن تقاضای انرژی بر کمبودها و هزینه‌ها افزایش تأثیرات منفی بانوسازی و صنعتی شدن برداشت بیش از حد از مواد تجدیدپذیر از بین رفتن مهارت‌ها و صنایع دستی با فناوری‌های پایین‌تر 	تأثیر فناوری در گردشگری

۳-۷- احیا و بهبود اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی

گردشگری ساحلی و دریایی به عنوان یکی از پراهمیت‌ترین بخش‌های صنعت سفر، همواره تأثیرات عمیقی بر محیط زیست، اقتصاد و فرهنگ اجتماعی جوامع محلی داشته است. در حالی که این صنعت می‌تواند به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی کمک کند، پیامدهای منفی آن نیز قابل توجه است. بنابراین به منظور پایداری گردشگری در این حوزه، ضروری است که این تأثیرات منفی کاهش یابد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار، نظیر تاسیسات بازیافت، کمپوست و تصفیه فاضلاب، می‌تواند به‌طور چشمگیری تأثیر فعالیت‌های منفی گردشگری را کاهش دهد و در عین حال ارزش مقصد را برای گردشگران به ویژه با حمایت از مکانیزم‌های مالی زیست محیطی و سبز افزایش دهد. گواهینامه‌ها و استانداردهای پایدار نیز مؤثر واقع شده‌اند و می‌توانند رفتارها را تغییر داده و کارایی استفاده از انرژی و آب را بهبود بخشند. همچنین استفاده از مدیریت حوزه‌های ساحلی برای مشخص کردن محل‌های فعالیت‌های گردشگری و تشویق به رویکردی مبتنی بر اکوسیستم در توسعه، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در این راستا، صنعت گردشگری، کسب‌وکارها، اپراتورها و خود گردشگران باید نقش فعال تری در بازسازی و احیای اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی که صنعت بر روی آن‌ها متکی است، ایفا کنند.

سرمایه‌گذاران می‌توانند با تمرکز بر مناطق دریایی و رعایت اصول زیست‌محیطی و توسعه پایدار، ارزش این مناطق را افزایش دهند و تجربیاتی منحصربه‌فرد و ارزش‌افزوده برای مهمانان فراهم کنند. از سوی دیگر، گردشگران نیز می‌توانند با انتخاب اقامتگاه‌ها و اپراتورهای متعهد به میراث طبیعی یا فرهنگی، به‌عنوان مسافران مسئول و آگاه نقش مؤثری ایفا کنند. مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های محلی احیا و حفاظت از محیط‌زیست، نه تنها تجربه سفرشان را غنی‌تر می‌کند بلکه تأثیر مثبتی بر محیط و جوامع میزبان به جا می‌گذارد. گردشگری ساحلی و دریایی می‌تواند نقشی کلیدی در تجدید حیات جوامع محلی داشته باشد. این نوع گردشگری با ایجاد مشاغل باکیفیت و مسیرهای شغلی بلندمدت، درآمدهایی برای حفاظت و مدیریت مکان‌های میراث‌محور فراهم می‌آورد و ارتباطات ارزشمندی با سنت‌ها، فرهنگ‌ها و آداب محلی برقرار می‌کند. حمایت از برنامه‌های آموزشی برای جوامع محلی، شامل تحصیلات عمومی و مهارت‌های فنی، می‌تواند در توانمندسازی آن‌ها بسیار مؤثر باشد و فرصت‌های شغلی هدفمند و پایدار ایجاد کند. علاوه بر این، فعالیت‌های گردشگری می‌توانند به حفظ و انتقال دانش اکولوژیکی و مهارت‌های بومی کمک کنند، مشروط بر اینکه اصالت این دانش و مهارت‌ها به‌درستی حفظ شود. گردشگری پایدار مبتنی بر دانش اکولوژیکی، نه تنها برای حفظ اکوسیستم‌های دریایی ضروری است بلکه در ایجاد پایداری اقتصادی و اجتماعی برای جوامع ساحلی نیز نقش حیاتی دارد. چنین رویکردی می‌تواند توسعه‌ای متوازن و هم‌سو با اصول پایداری ایجاد کند که منافع آن به‌طور هم‌زمان به محیط‌زیست، اقتصاد و فرهنگ جوامع محلی برسد.

بطور خلاصه، آینده گردشگری ساحلی و دریایی نیازمند رویکردی جامع برای حفاظت و احیای اکوسیستم‌ها، تقویت جوامع محلی و حفظ فرهنگ‌ها و سنت‌های بومی است. با اتخاذ سیاست‌های

پایدار و فعال، گردشگری می‌تواند نه تنها به تقویت اقتصاد محلی کمک کند، بلکه به حفاظت از محیط زیست و همچنین به احیای فرهنگی و اجتماعی جوامعی که بر پایه تاریخ و میراث غنی خود بنا شده‌اند، کمک کند.

همچنین، مقاصد گردشگری فرصتی طلایی برای بهبود تاب‌آوری جوامع محلی و ترویج بازسازی از طریق راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت، به ویژه حفاظت و احیای اکوسیستم‌های حساس مانند مرجان‌ها، جنگل‌های مانگرو و باتلاق‌های نمکی دارند. این مقاصد می‌توانند به جوامع آسیب‌دیده از بحران‌ها کمک نمایند و از طریق ارتقاء ارتباط با سنت‌ها و فرهنگ محلی، زمینه‌ساز تاب‌آوری بلندمدت گردند. با در نظر گرفتن این ابعاد، واضح است که تقویت تاب‌آوری مقاصد ساحلی و دریایی نیازمند فعالیت‌های متنوع، متناسب و هدفمند می‌باشد. تنها در این صورت می‌توان به آینده‌ای پایدار و امن برای این مقاصد امیدوار بود. برخی از مصادیق زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی گردشگری پایدار ساحلی و دریایی در جدول ۳-۲ آمده است.

جدول ۳-۲- مصادیق زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی گردشگری پایدار ساحلی و دریایی

فرهنگی-اجتماعی	اقتصادی	زیست‌محیطی	
<ul style="list-style-type: none"> • نمایش فرهنگ و میراث ملی • ارائه دستورالعمل‌های رفتاری برای همه مکان‌های گردشگری و اپراتورها • برنامه‌ها و استراتژی‌های مدیریت مقاصد فراگیر و مشارکتی • حفظ حقوق بشر • جلوگیری از استثمار کودکان و زنان 	<ul style="list-style-type: none"> • کسب و کار محلی و اپراتورهای تور • حداقل دستمزد، مزایا و شرایط کار برای همه کارکنان • نرخ بالای اشتغال محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • مقاصد کربن خنثی • سفرهای کربن خنثی • زیرساخت‌های انرژی و آب پایدار • کاهش پلاستیک‌های یکبار مصرف • تصفیه زباله جامد و فاضلاب • مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی 	تعمیر و بازسازی
<ul style="list-style-type: none"> • تامین بودجه برنامه‌های آموزش محلی توسط درآمدهای گردشگری • شکوفایی مشاغل بومی و تحت مالکیت بومی • راهنماها و مطالب ارائه شده به زبان‌های محلی • بازسازی محوطه‌های میراث فرهنگی • حفظ سیستم‌های دانش محلی و زبان‌ها و لهجه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • بهبود روند هزینه‌کردهای کاربران و پرداخت‌های بازدیدکنندگان • امکان پذیرش مسیره‌های شغلی طولانی مدت از طریق برنامه‌های کارآموزی، آموزش و مدیریت • ایجاد درآمد برای شرکت‌های کوچک و متوسط، زنان و جوامع بومی از طریق تامین مالی خرد • تامین اکثر کالاها و خدمات به صورت محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • پشتیبانی انرژی‌های تجدیدپذیر از برق‌رسانی برای جامعه محلی • تامین تاسیسات جمع‌آوری و تصفیه آب باران برای جوامع محلی • غنی کردن خاک محلی • توسط تاسیسات کمپوست • تامین مالی پروژه‌های مرمتی توسط گردشگران • حفظ تنوع زیستی و حیات دریایی توسط مناطق حفاظت شده دریایی • عمومی و خصوصی • بهبود کیفیت آب محلی و تنوع زیستی توسط اکوسیستم‌های ساحلی • بهبود زندگی زیستی دریایی با انجام اقدامات مثبت زیست‌محیطی 	بازسازی و تعمیرات

فرهنگی-اجتماعی	اقتصادی	زیست محیطی	ایجاد انعطاف پذیری
<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌های انطباق و مدیریت برای سایت‌های میراث ملی • مدیریت مناطق حفاظت شده دریایی توسط مردم محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد جریان‌های مالی مطمئن برای مناطق حفاظت شده دریایی با ایجاد صندوق‌های امانی • بخش گردشگری متنوع • گردشگری داخلی فعال • تعادل بین کارکنان محلی و کارکنان خارجی در همه سطوح و انواع شغل • مدیریت خطرات آب و هوایی توسط سیستم‌های هشدار اولیه 	<ul style="list-style-type: none"> • فراهم نمودن امکان مهاجرت جانداران دریایی توسط مناطق حفاظت شده دریایی عمومی و خصوصی • محافظت زیرساخت‌های زنده ساحلی (حراها، صدف‌ها و صخره‌های مرجانی) از سواحل و کاهش سیل و فرسایش 	ایجاد انعطاف پذیری

تحول گردشگری ساحلی و دریایی به یک مدل پایدارتر، نیازمند همکاری و هم‌افزایی کافی میان تمامی نهادهای مرتبط با گردشگری است. این همکاری می‌تواند نوآوری را تقویت کند، ظرفیت محلی را بهبود بخشد، منابع طبیعی مشترک را محافظت کند و هزینه‌های انتقال به شیوه‌های پایدار را کاهش دهد. مکانیسم‌های مشترک‌سازی ریسک می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در پروژه‌های گردشگری پایدار را تشویق کنند.

۳-۸- معرفی کلی از طرح مثلث مرجانی

رویکرد این بخش، معرفی کامل بخشی از پروژه توسعه و ترویج گردشگری پایدار مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی است که یکی از برنامه‌های موفق در حوزه گردشگری دریایی و ساحلی به حساب می‌آید. این ابتکار که از سوی دولت استرالیا تأمین مالی می‌شود، به شش کشور شرکت‌کننده در ابتکار مثلث مرجانی در زمینه مرجان‌ها، شیلات و امنیت غذایی کمک می‌کند تا رویکردی بلندمدت برای گردشگری پایدار مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی توسعه دهند یا آن را تسریع بخشند. مثلث مرجانی، یک محدوده مثلثی از آب‌های دریایی گرمسیری اندونزی، مالزی، پاپوآ گینه‌نو، فیلیپین، جزایر سلیمان و تیمور شرقی است که حداقل ۵۰۰ گونه از مرجان‌های سازنده آب‌سنگ را در هر ناحیه بوم‌شناختی جای داده‌است. این منطقه شامل قسمت‌هایی از دو منطقه جغرافیایی زیستی شامل منطقه اندونزی-فیلیپین و منطقه جنوب‌غربی اقیانوس آرام است. مثلث مرجانی به عنوان مرکز جهانی تنوع زیستی دریایی و یک اولویت جهانی برای حفاظت شناخته می‌شود. این منطقه «آمازون دریاها» نیز نامیده شده و ۵.۷ میلیون کیلومتر مربع از اقیانوس را در بر می‌گیرد. منابع بیولوژیکی این منطقه زندگی بیش از ۱۲۰ میلیون نفر را تأمین می‌کند. منطقه مثلث مرجانی به عنوان یک مقصد گردشگری پایدار شناخته شده که منافع اقتصادی به جوامع، دولت‌ها و بخش خصوصی می‌رساند و انگیزه قوی برای حفاظت و حفظ محیط طبیعی منطقه فراهم می‌آورد.



شکل ۳-۱- جزایر دورافتاده اندونزی محصور در آبسنگ‌های مرجانی واقع در مثلث مرجانی

صندوق جهانی طبیعت، منطقه مثلث مرجانی را به عنوان یک اولویت بالا برای حفاظت دریایی شناسایی کرده است. این سازمان از طریق برنامه‌ای که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، به مقابله با تهدیدات موجود در این منطقه می‌پردازد. مرکز تنوع زیستی این مثلث، گذرگاه ورده آیلند در فیلیپین است و آبسنگ مرجانی توباتا، به عنوان تنها منطقه آبسنگ مرجانی با فهرست‌گذاری میراث جهانی یونسکو، در این منطقه قرار دارد. با وجود آنکه این ناحیه تنها ۱.۶ درصد از مساحت اقیانوس‌های کره زمین را تشکیل می‌دهد، اما ۷۶ درصد از گونه‌های مرجان‌های شناخته‌شده و ۵۲ درصد از ماهیان آبسنگ مرجانی هند-آرام را در خود جای داده و به عنوان پناهگاه بیش از ۳۰۰۰ گونه ماهی از جمله کوسه نهنگ و تهی‌خار شناخته می‌شود. مثلث مرجانی نه تنها مرکز تنوع زیستی این گونه‌هاست، بلکه زیستگاه شش گونه از هفت گونه لاک‌پشت دریایی موجود در جهان نیز می‌باشد. همچنین مثلث مرجانی با برخورداری از بیشترین مساحت جنگل‌های حرا در جهان، به عنوان یکی از مناطق زیستی ارزشمند شناخته می‌شود. وسعت این منطقه و تنوع زیستگاه‌های آن، به همراه شرایط محیطی خاص، نقش حیاتی در حفظ تنوع زیستی قابل توجهی ایفا می‌کند. این ویژگی‌ها موجب جذب گونه‌های مختلفی از جانوران و گیاهان شده و اهمیت اکولوژیکی این منطقه را دوچندان می‌کند.



شکل ۳-۲- مرجان میزی (نام علمی: *Acropora*)، یک سرده از زیررده شش‌مرجانیان واقع در مثلث مرجانی



شکل ۳-۳- مرجان نرم صورتی واقع در مثلث مرجانی



شکل ۳-۴- لیسسه نئون متغیر (نام علمی: *Nembrotha kubaryana*) یک گونه از لسیه‌های دریایی رنگارنگ واقع در مثلث مرجانی



شکل ۳-۵- دلقک‌ماهی یکی از گونه‌های ماهی از خانواده شقایق‌ماهیان واقع در مثلث مرجانی

مثلث مرجانی، به‌عنوان یک زیست‌بوم دریایی با تنوع زیستی بی‌نظیر، در مکانی با رشد سریع جمعیت، اقتصاد و تجارت بین‌المللی قرار دارد. این منطقه نه تنها به عنوان یک منبع غذایی حیاتی برای میلیون‌ها نفر مطرح است، بلکه به اقتصاد محلی و جهانی نیز خدمات متنوعی ارائه می‌دهد. با این حال، تهدیداتی که این زیست‌بوم را در معرض خطر قرار داده‌اند، به‌ویژه به علت مدیریت دریایی ضعیف، عدم اراده سیاسی و تغییرات اقلیمی، چالش‌های جدی برای پایداری این اکوسیستم ایجاد می‌کنند.

توسعه ساحلی نامتناسب، ماهیگیری بیش از حد و تخریب زیستگاه‌ها، از جمله عوامل اصلی کاهش تنوع زیستی در مثلث مرجانی هستند. در کنار این موارد، شرایط اقتصادی نامساعد و تقاضای بالا برای منابع دریایی نیز به بروز این بحران کمک می‌کند. بر اساس مطالعات، پوشش مرجان در این منطقه به طور نگران‌کننده‌ای در حال کاهش است که این امر سلامت کلی اکوسیستم و معیشت میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند. علاوه بر این، با توجه به اینکه تقریباً ۱۲۰ میلیون نفر در این منطقه زندگی می‌کنند و حدود ۲.۲۵ میلیون نفر از آن‌ها به ماهی‌گیری مشغولند، اهمیت حفظ منابع دریایی به وضوح مشخص است. معیشت این افراد به دریاها، سالم وابسته است و از بین رفتن این اکوسیستم‌های ساحلی می‌تواند عواقب اقتصادی و اجتماعی وخیمی به همراه داشته باشد. بنابراین، برای حفاظت از مثلث مرجانی و منابع آن، ضرورت ساماندهی به مدیریت دریایی، ارتقای آگاهی عمومی و تصمیم‌گیری مؤثر و مقتدرانه در سطح سیاسی و اجتماعی وجود دارد. تنها با این اقدامات می‌توان به پایدار ماندن این اکوسیستم ارزشمند و معیشت میلیون‌ها نفر در این منطقه کمک کرد. ابتکار مثلث مرجانی بر فرصت‌های بلندمدت کسب‌وکار و ایجاد یک برند گردشگری مبتنی بر طبیعت در این منطقه تمرکز دارد و به بررسی الزامات لازم برای حمایت و ترویج آن می‌پردازد. هدف این ابتکار، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای گذار به مدل‌های پایدارتر گردشگری است که می‌توانند نقشی حیاتی در آینده اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری منطقه ایفا کنند. همچنین، این طرح با تشویق و حمایت از صنعت گردشگری به تسریع سرمایه‌گذاری در گردشگری مبتنی بر طبیعت در منطقه مثلث مرجانی کمک می‌کند. این ابتکار، از طریق ارائه داده‌ها و تحلیل‌های پایه‌ای، به شناسایی مؤثرترین روش‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز می‌پردازد و همزمان چالش‌های احتمالی را شناسایی کرده و مدل‌های موفق جهانی را برای تسریع توسعه گردشگری در این منطقه معرفی می‌کند. این رویکرد می‌تواند الگویی ارزشمند برای توسعه سایر ابتکارات گردشگری دریایی در سطح جهان باشد.

۳-۸-۱- رویکرد گردشگری دریایی با ابتکار مثلث مرجانی

امروزه گردشگری دریایی در سطح جهانی با دوره‌ای از رشد بی‌سابقه، فرصت‌ها و چالش‌ها مواجه است. توسعه سریع گردشگری ساحلی و دریایی، تهدیدات جدی زیست‌محیطی را به همراه داشته است. در عین حال، خواسته‌های مداوم و فشرده‌ای برای این صنعت وجود دارد تا اطمینان حاصل کند که منافع اقتصادی به‌دست‌آمده برای جوامع محلی پایدار است. تحقیقات نشان می‌دهد در

حالی که منافع شیلات از مناطق حفاظت‌شده دریایی قابل توجه بوده است، بیشترین افزایش درآمد خانوارها از مشاغل جدید، به‌ویژه در حوزه گردشگری حاصل شده است. اکوسیستم‌های حفاظت‌شده، مرجان‌های سالم و اقیانوس‌های پاک و سالم، گردشگران بیشتری را به خود جلب می‌کند تا از تجربیات زیرآب لذت ببرند. بنابراین، حفظ طبیعت در نهایت منافع اقتصادی قابل توجهی برای جوامع ساحلی به ارمغان خواهد آورد و به آن‌ها امیدی برای زندگی بهتر خواهد داد. به‌منظور دستیابی به این اهداف، لازم است که صنعت گردشگری دریایی به‌طور جدی به مسائل زیست‌محیطی توجه کند و در عین حال از ظرفیت‌های اقتصادی خود برای بهبود معیشت جوامع محلی بهره‌برداری کند. این رویکرد نه تنها به حفظ منابع طبیعی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تقویت اقتصاد محلی نیز می‌انجامد. در نتیجه، توسعه پایدار گردشگری دریایی می‌تواند به عنوان یک مدل موفق برای هم‌زیستی انسان و طبیعت در نظر گرفته شود.

مثلت مرجانی که به‌عنوان یک کانون جهانی تنوع زیستی دریایی شناخته می‌شود، به مساحت ۱.۶ درصد از اقیانوس‌های کره زمین گسترش می‌یابد و در برگیرنده ۷۶ درصد از تمامی گونه‌های شناخته شده مرجان، ۳۷ درصد از گونه‌های ماهی‌های مرجانی و ۵۳ درصد از کل مرجان‌های دنیا است. این منطقه، نه تنها شامل گسترده‌ترین جنگل‌های مردابی جهان می‌باشد، بلکه به عنوان مکان‌های تخم‌گذاری و رشد نوزادان ماهی‌های تجاری با اهمیت جهانی نیز عمل می‌کند. کشورهای واقع در منطقه مثلث مرجانی به خوبی دریافته‌اند که منابع دریایی و ساحلی، بخش‌های اساسی اقتصاد و جامعه آن‌ها را تشکیل می‌دهند و این منابع تحت تهدیدات فزاینده‌ای قرار دارند. از جمله این تهدیدات می‌توان به توسعه سریع سواحل برای توریسم، ذخیره‌سازی زیاد، روش‌های صید غیر پایدار، منابع آلاینده سواحل و تغییرات اقلیمی اشاره کرد. با توجه به ضرورت حفاظت از منابع زیستی دریایی و ساحلی منطقه، ابتکار مثلث مرجانی برای مرجان‌ها، ماهی‌ها و امنیت غذایی در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد. این ابتکار ضمن تجمیع تلاش‌های کشورهای مختلف، تأکید بر مدیریت پایدار و عملیاتی منابع دریایی دارد تا سلامت اکوسیستم‌ها حفظ شود و منافع جوامع محلی تأمین گردد. بطور کلی، حفاظت از مثلث مرجانی نه تنها به سلامت بوم‌شناسی جهانی کمک می‌کند، بلکه بیانگر یک نیاز اقتصادی و اجتماعی حیاتی برای مردمان ساکن در این ناحیه است. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای حفاظت و مدیریت پایدار منابع دریایی، عواملی کلیدی برای بقا و شکوفایی این گنجینه‌های طبیعی محسوب می‌شوند. شکل ۳-۵، نقشه منطقه حفاظت شده مورد اجرای طرح مثلث مرجانی را نشان می‌دهد.



شکل ۳-۶- نقشه منطقه حفاظت شده مورد اجرای طرح مثلث مرجانی

۳-۸-۲- حمایت از برنامه اقدام منطقه‌ای (RPOA) در مثلث مرجانی

گردشگری مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی به‌طور قوی با اهداف و معیارهای موجود همخوانی دارد. برنامه اقدام منطقه‌ای به‌وضوح بیان می‌کند که منابع زنده دریایی و ساحلی بی‌نظیر مثلث مرجانی، مزایای عمیق و گسترده‌ای برای ۳۶۳ میلیون نفری که در شش کشور این منطقه زندگی می‌کنند به ارمغان می‌آورد و این مزایا برای میلیون‌ها نفر دیگر که در خارج از این منطقه زندگی می‌کنند نیز قابل توجه است. این مزایا شامل تأمین امنیت غذایی، روزی و درآمد برای ۱۲۰ میلیون نفر، به‌ویژه افرادی است که در جوامع ساحلی زندگی می‌کنند و وابستگی مستقیم به منابع دریایی و ساحلی محلی دارند. همچنین برنامه اقدام منطقه‌ای تأکید می‌کند که منابع دریایی سالم به رشد صنعت گردشگری مبتنی بر طبیعت در این منطقه کمک می‌کند. صنعتی که سالانه ده‌ها میلیون دلار درآمد و هزاران شغل ایجاد می‌کند. به‌ویژه، گردشگری به‌عنوان یک بخش مهم شناسایی شده که به اهداف پارک‌های دریایی و گونه‌های در خطر کمک می‌کند. شرکت‌های دولتی و خصوصی که صنایع مربوطه را درگیر می‌کنند، می‌توانند به حمایت از سیستم پارک‌های دریایی مثلث مرجانی کمک کنند و به جذب حمایت مالی و غیرنقدی جدید از سوی بخش خصوصی برای پارک‌های دریایی کمک کنند و شیوه‌های بهتری را در صنعت برای کاهش اثرات محیطی تأسیسات گردشگری بر پارک‌های دریایی نزدیک و همچنین حمایت از گردشگری مبتنی بر جامعه و منافع جوامع محلی از گردشگری دریایی در اطراف پارک‌های دریایی ترویج دهند. گردشگری پایدار نیز به‌عنوان یک

بخش شناسایی شده که می‌تواند به بهبود وضعیت گونه‌های در خطر مانند پستانداران دریایی، کمک کند. تعدادی از کشورهای واقع در مثلث مرجانی فعالیت‌های ملی در ارتباط با گردشگری را شامل می‌شود. چندین هدف بلندمدت که در برنامه حمایت منطقه‌ای شناسایی و در چارچوب ابتکار گردشگری مبتنی بر طبیعت است، شامل موارد زیر است:

۱) دولت‌ها در شرایط لازم برای گردشگری پایدار سرمایه‌گذاری کنند؛

۲) جوامع مسئولیت مدیریت زیستگاه‌ها و منابع دریایی را بر عهده بگیرند؛

۳) بخش خصوصی در بهترین شیوه‌های گردشگری در مثلث مرجانی سرمایه‌گذاری کند.

با اجرای این اهداف و حمایت از برنامه اقدام منطقه‌ای، می‌توان بهبود مداومی در وضعیت زیست‌محیطی و اقتصادی کشورهای مثلث مرجانی ایجاد کرد و در نتیجه آینده‌ای پایدارتر برای جوامع وابسته به منابع دریایی فراهم آورد.

۳-۸-۳- تهدیدهای موجود در منطقه مثلث مرجانی

منطقه مثلث مرجانی، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین نواحی جهان از نظر تنوع زیستی دریایی، با تهدیداتی جدی مواجه است که می‌توانند تأثیرات گسترده و مخربی بر سلامت و پایداری اکوسیستم‌های دریایی آن داشته باشند. بر اساس گزارش «وضعیت منطقه‌ای مثلث مرجانی» منتشرشده توسط بانک توسعه آسیا، دو تهدید اصلی که بیش از سایر عوامل بر صخره‌های مرجانی اثر می‌گذارند، عبارتند از صید بیش‌ازحد و شیوه‌های صید مخرب. افزون بر این، ورود غیرقابل تحمل مواد مغذی و آلاینده‌ها، توسعه بی‌رویه زمین و سواحل، و بهره‌برداری از گونه‌های در معرض خطر نیز از جمله تهدیدات اساسی در این منطقه محسوب می‌شوند.

تغییرات اقلیمی و آثار فزاینده آن، به‌عنوان تهدیدی ساختاری و بنیادین، ضرورت تقویت تاب‌آوری اکولوژیکی در منطقه را دوچندان کرده است. به‌طور کلی، بیش از ۸۰ درصد از صخره‌های مرجانی در منطقه مثلث مرجانی در معرض خطر قرار دارند، که بیش از نیمی از آن‌ها عمدتاً به دلیل فشارهای ناشی از توسعه ساحلی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع شیلاتی با تهدیدات جدی مواجه‌اند در حوزه گردشگری، توسعه سریع و نامناسب زیرساخت‌های ساحلی، به‌ویژه در مناطق توریستی، منجر به افزایش فشار بر منابع طبیعی و آلودگی اکوسیستم‌های حساس شده است. فقدان سیستم‌های کارآمد تصفیه فاضلاب و مدیریت نامناسب زباله‌های خانگی و پسماندهای ناشی از فعالیت‌های گردشگری، به وخامت این وضعیت افزوده است. همچنین، در زمینه گردشگری دریایی و ورزش‌های آبی، آسیب‌های ناشی از انداختن لنگرها، تماس مستقیم با صخره‌های مرجانی و دیگر اشکال تداخل انسانی، می‌توانند به تخریب غیرقابل بازگشت زیستگاه‌های حساس منجر شوند.

یکی دیگر از تهدیدات قابل توجه در زمینه گردشگری، عدم بهره‌مندی جوامع محلی از منافع اقتصادی حاصل از این بخش است. فقدان مشوق‌های اقتصادی مناسب برای ساکنان محلی، اغلب موجب بی‌تفاوتی آنان نسبت به حفاظت از منابع طبیعی می‌شود، و در مواردی، به تداوم فعالیت‌های

غیرقانونی و مخرب همچون صید غیرمجاز در نواحی گردشگری منجر می‌گردد. این وضعیت در نهایت به کاهش ارزش اکولوژیکی و اقتصادی اکوسیستم‌های ساحلی به‌عنوان سرمایه‌ای حیاتی برای توسعه پایدار گردشگری منجر می‌شود. مجموع این تهدیدات، بیانگر چالش‌هایی چندوجهی و پیچیده هستند که حفاظت از تنوع زیستی و پایداری محیط‌زیست در منطقه مثلث مرجانی را به ضرورتی فوری بدل می‌سازند. مقابله با این چالش‌ها مستلزم رویکردی جامع، هماهنگ و مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

۳-۸-۴- بررسی پتانسیل گردشگری دریایی کشورهای مثلث مرجانی

همانطور که اشاره گردید، بازار گردشگری مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی، فرصتی چشمگیر برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار ارائه می‌دهد. طبق برآوردها، این بازار می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ به ارزش ۲۰۴.۴ میلیارد دلار برسد. این پتانسیل نه تنها به دلیل زیبایی‌های طبیعی و تنوع زیستی فوق‌العاده این منطقه، بلکه به دلیل تمایل فزاینده گردشگران به تجربه‌های طبیعی و ماجراجویانه است. شش کشور عضو ابتکار مثلث مرجانی، هر یک دارای پتانسیل قوی در زمینه گردشگری مبتنی بر طبیعت و ماجراجویی هستند. با وجود اینکه این پتانسیل در هر کشور به شکل‌های متفاوتی بروز می‌کند و چالش‌های خاصی نیز برای استفاده پایدار از آن وجود دارد، اما نقاط مشترک زیادی وجود دارد که می‌تواند به تقویت سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای در گردشگری مبتنی بر طبیعت کمک کند. طبق جدول ۳-۳، ارزش گردشگری در سال ۲۰۱۵ و چشم‌انداز ۲۰۳۰ گردشگری مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی بر اساس پیش‌بینی‌های متوسط جهانی ارائه شده است.

جدول ۳-۳- ارزش گردشگری در سال ۲۰۱۵ و چشم‌انداز ۲۰۳۰ گردشگری مبتنی بر طبیعت در مثلث مرجانی

پیش‌بینی چشم‌انداز ۲۰۳۰ کل ارزش گردشگری (دلار)	تخمین ارزش در سال ۲۰۱۵ کل ارزش گردشگری (دلار)	ناحیه
		کل منطقه مثلث مرجانی
۴۵۴.۳ میلیارد دلار	۹۸.۷ میلیارد دلار	کل منطقه مثلث مرجانی
۳۰۰ میلیون دلار	۵۷ میلیون دلار (فقط ارزش بین‌المللی)	تیمور شرقی
۴۲۰ میلیون دلار	۹۷.۴ میلیون دلار	جزایر سلیمان
۲۰۱ میلیارد دلار	۴۹۶ میلیون دلار	پاپوآ گینه نو
۵۳.۹ میلیارد دلار	۲۶.۱ میلیارد دلار	فیلیپین
۲۱۲.۱ میلیارد دلار	۴۷ میلیارد دلار	اندونزی
۱۸۵.۵ میلیارد دلار	۲۵ میلیارد دلار	مالزی

۳-۹- سازگاری و تاب‌آوری گردشگری دریایی و ساحلی

همانطور که اشاره گردید، گردشگری ساحلی و دریایی یکی از پویاترین زیرمجموعه‌های صنعت گردشگری جهانی محسوب می‌شود که از اواسط قرن بیستم تاکنون، همواره در حال رشد بوده است. این نوع از گردشگری، که شامل فعالیت‌هایی نظیر تعطیلات ساحلی، غواصی، ماهیگیری تفریحی و سفرهای کروز است، سهم قابل توجهی در اقتصاد آبی ایفا می‌کند. در سال ۲۰۱۹، این بخش حدود ۳۳۳ میلیون شغل ایجاد کرده است؛ رقمی که معادل یک شغل از هر یازده شغل جهانی است. با وجود این دستاوردها، گردشگری ساحلی و دریایی با چالش‌های اساسی ناشی از تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست و ضعف در مدیریت یکپارچه مواجه است. مفهوم تاب‌آوری در این بستر، به توانایی سیستم‌های گردشگری در مواجهه، تطبیق و بازسازی از اختلالاتی چون بلایای طبیعی، فشارهای اقتصادی و نوسانات اجتماعی اطلاق می‌شود؛ اختلالاتی که می‌توانند پایداری فعالیت‌های گردشگری را به‌طور جدی تهدید کنند.

۳-۹-۱- مفهوم تاب‌آوری در گردشگری ساحلی و دریایی

درک تاب‌آوری در مقاصد گردشگری مستلزم نگاهی فراتر از بازگشت به وضعیت پیشین پس از بحران است. امروزه تاب‌آوری به عنوان ظرفیتی برای تطبیق فعال، تغییر سازنده و حفظ عملکردهای اصلی در برابر اختلالات شناخته می‌شود. یک مقصد ساحلی زمانی تاب‌آور محسوب می‌شود که حتی در شرایط کاهش شدید گردشگران، وقوع طوفان‌های دریایی یا بالا آمدن سطح دریا بتواند ویژگی‌های کلیدی خود را حفظ و روند توسعه پایدار را ادامه دهد.

این دیدگاه نوین بر تعامل پیچیده میان نظام‌های اجتماعی و اکولوژیکی در نواحی ساحلی تأکید دارد. هدف، نه تنها محافظت از منابع، بلکه ایجاد سیستم‌هایی سازگار و انعطاف‌پذیر است که بتوانند در برابر تغییرات خارجی مقاومت کرده و به‌طور مؤثری پاسخ دهند.

۳-۹-۲- چالش‌های پیش‌روی تاب‌آوری

در مسیر دستیابی به تاب‌آوری در گردشگری ساحلی و دریایی، شناسایی و تحلیل موانع و تهدیدهای کلیدی، گامی اساسی و تعیین‌کننده به‌شمار می‌رود. علی‌رغم ظرفیت‌های بالای این نوع گردشگری برای ایجاد اشتغال، درآمدزایی و ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی، عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند تاب‌آوری این مقاصد را به‌طور جدی تحت‌تأثیر قرار دهند. این عوامل نه تنها پایداری محیطی را به خطر می‌اندازند، بلکه بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع وابسته به گردشگری را نیز متزلزل می‌کنند. در ادامه، به مهم‌ترین چالش‌های فراروی تاب‌آوری در این حوزه پرداخته می‌شود:

۱. **تغییرات اقلیمی:** افزایش دمای هوا و آب، افزایش تعداد روزهای بارانی و طوفانی، بالا آمدن سطح دریا و تغییرات در الگوهای بارش، تأثیرات عمیقی بر اکوسیستم‌ها و

فعالیت‌های گردشگری دارند. این تغییرات منجر به کاهش جذابیت مناطق گردشگری، افزایش بیماری‌های آبی، رشد گونه‌های مهاجم دریایی مانند عروس دریایی، و محدود شدن فعالیت‌هایی مانند شنا، قایق‌سواری و کروز می‌شوند. طبق پیش‌بینی‌ها، گرم‌شدن اقیانوس‌ها و اسیدی‌شدن آن‌ها می‌تواند تا سال ۲۱۰۰، بیش از ۹۰ درصد از ظرفیت اقتصادی گردشگری مبتنی بر صخره‌های مرجانی را کاهش دهد.

۲. **تخریب زیست‌محیطی:** توسعه ناموزون، بهره‌برداری بیش‌از‌حد از منابع طبیعی و ضعف در کنترل فعالیت‌های انسانی، منجر به تخریب زیستگاه‌های حساس مانند جنگل‌های حرا، صخره‌های مرجانی و تالاب‌ها شده است. استفاده بی‌رویه از انرژی، آب و زمین، افزایش پسماندها و فاضلاب‌ها، و از بین رفتن پوشش گیاهی، پیامدهایی جدی برای سلامت اکوسیستم و کیفیت تجربه گردشگری به دنبال دارد.

۳. **مدیریت پراکنده و ناهماهنگ:** در بسیاری از کشورها، نبود سیاست‌گذاری منسجم و عدم هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی و جوامع محلی، منجر به تصمیم‌گیری‌های ناپایدار شده است. فقدان سیستم‌های ارزیابی ظرفیت اکولوژیکی، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و غفلت از محدودیت‌های منابع طبیعی، فشار بی‌رویه بر مناطق گردشگری را تشدید کرده و تاب‌آوری آن‌ها را تضعیف می‌کند.

۴. **آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی:** جوامع ساحلی معمولاً به شدت وابسته به گردشگری فصلی، شیلات، کشاورزی و خدمات مرتبط هستند. ضعف زیرساخت‌ها، نداشتن امنیت شغلی و دسترسی محدود به منابع مالی، انعطاف‌پذیری این جوامع در برابر بحران‌های محیطی و اقتصادی را کاهش می‌دهد.

۳-۹-۳- راهکارهای تقویت تاب‌آوری

تقویت تاب‌آوری در گردشگری ساحلی و دریایی مستلزم عبور از چارچوب‌های سنتی و اتخاذ راهکارهایی هوشمندانه، نظام‌مند و مشارکت‌محور است. در شرایطی که تهدیدات اقلیمی، زیست‌محیطی و اقتصادی روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابند، تنها با تکیه بر سیاست‌گذاری‌های منسجم، تقویت زیرساخت‌ها، تغییر در الگوهای بهره‌برداری و فعال‌سازی ظرفیت جوامع محلی می‌توان به پایداری واقعی دست یافت. در ادامه، به مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای تاب‌آوری گردشگری ساحلی و دریایی اشاره می‌شود:

۱. **سیاست‌گذاری و تأمین مالی هوشمندانه:** ایجاد و اجرای سیاست‌های جامع و هدفمند برای مدیریت گردشگری ساحلی و دریایی، یکی از ارکان بنیادین در تقویت تاب‌آوری این مقاصد به شمار می‌رود. در شرایطی که فشارهای ناشی از تغییرات اقلیمی، بهره‌برداری ناپایدار و رشد فزاینده گردشگری، پایداری این مناطق را تهدید می‌کند، سیاست‌گذاری هوشمندانه می‌تواند مسیر توسعه‌ای متوازن و سازگار با محیط زیست را فراهم آورد. در این

راستا، یکی از گام‌های اساسی، توسعه شبکه مناطق حفاظت‌شده دریایی و ساحلی است؛ چرا که این مناطق نقش مهمی در حفظ تنوع زیستی، ترمیم زیستگاه‌های آسیب‌دیده و حمایت از گونه‌های در معرض تهدید ایفا می‌کنند. اعمال ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های مشخص در مصرف پلاستیک، کنترل شمار بازدیدکنندگان به‌ویژه در فصل‌های حساس زیستی، و اعطای مجوزهای بهره‌برداری هدفمند بر اساس ظرفیت تحمل محیطی، گام‌های مکملی در راستای کاهش فشار انسانی بر این نواحی به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر، استفاده از داده‌های محیطی به‌روز و دقیق در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌بندی و صدور مجوزها، می‌تواند به اتخاذ تصمیم‌های علمی و مبتنی بر واقعیت‌های بوم‌شناختی کمک کند. این داده‌ها شامل اطلاعاتی درباره کیفیت آب، سلامت اکوسیستم‌ها، سطح آسیب‌پذیری مناطق و تغییرات اقلیمی محتمل است که به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد اقدامات پیشگیرانه و سازگارانه اتخاذ کنند. در بعد مالی، تأمین منابع از طریق صندوق‌های آبی تخصصی یا بیمه‌های خاص محیط‌زیستی نظیر بیمه‌های پارامتریک برای حفاظت از صخره‌های مرجانی، می‌تواند پوشش مناسبی در برابر خسارات ناشی از بلایای طبیعی یا فشارهای انسانی فراهم کند. این ابزارهای مالی به حفظ عملکرد اکولوژیکی مناطق گردشگری کمک کرده و امکان بازسازی سریع پس از بحران را افزایش می‌دهند. در نهایت، اخذ عوارض زیست‌محیطی از گردشگران، نه تنها منبعی پایدار برای تأمین مالی پروژه‌های حفاظتی فراهم می‌آورد، بلکه باعث افزایش آگاهی گردشگران از مسئولیت‌های زیست‌محیطی آن‌ها نیز می‌شود. این عوارض می‌توانند در حوزه‌هایی چون مدیریت پسماند، نگهداری زیرساخت‌های سبز و آموزش جوامع محلی صرف شوند و نقش مهمی در ارتقای تاب‌آوری کلی مقاصد گردشگری ایفا کنند.

۲. **زیرساخت‌ها و راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت:** سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایی با ظرفیت کافی و مقاوم در برابر شرایط جوی نامساعد (مانند سیل و طوفان) امری حیاتی است. حفاظت از جنگل‌های حرا، احیای تالاب‌ها، احداث باغ‌های مرجانی، و استفاده از مصالح سازگار با محیط زیست در ساخت‌وسازهای گردشگری، علاوه بر جذب گردشگر، باعث تقویت اکوسیستم و کاهش آسیب‌پذیری مناطق می‌شود.

۳. **تغییر در شیوه‌های بهره‌برداری و تنوع‌بخشی فعالیت‌ها:** گردشگری پایدار نیازمند فعالیت‌هایی با ردپای زیست‌محیطی پایین، بهره‌گیری از فناوری‌های پاک، و مدیریت مؤثر زنجیره تأمین است. بسیاری از شرکت‌ها، از جمله Royal Caribbean Cruises، Travel و Royal Caribbean Cruises، الگوهای موفق در اجرای اقدامات سبز و کاهش گازهای گلخانه‌ای ارائه کرده‌اند. تنوع‌بخشی به بازارهای هدف و توسعه جاذبه‌های جدید مانند موزه‌های زیرآبی یا فعالیت‌های اکوتوریستی، می‌تواند تاب‌آوری مقاصد را در برابر افت بازارهای خارجی افزایش دهد.

۴. **مشارکت فعال جوامع محلی:** جلب مشارکت جوامع محلی از طریق توزیع عادلانه منافع اقتصادی، استفاده از دانش بومی و توانمندسازی آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری، عامل کلیدی در پایداری بلندمدت است. مشارکت مؤثر، نه تنها حفاظت از منابع را تضمین می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد میان ذی‌نفعان و کاهش تعارضات نیز منجر می‌شود. تقویت تاب‌آوری در گردشگری ساحلی و دریایی مستلزم رویکردی چندبعدی، مشارکتی و داده‌محور است. این مهم تنها با تلفیق سیاست‌گذاری دقیق، توسعه زیرساخت‌های پایدار، اعمال شیوه‌های مدیریت محیط زیستی، و مشارکت جوامع محلی تحقق می‌یابد. اتخاذ چنین رویکردی، نه تنها باعث حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده خواهد شد، بلکه توسعه‌ای متوازن، تاب‌آور و پایدار را برای مقاصد گردشگری رقم خواهد زد.

۳-۱۰- نتیجه‌گیری

این فصل به بررسی ابعاد مختلف گردشگری ساحلی و دریایی پایدار پرداخته و بر اهمیت دستیابی به تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرده است. در این فصل، تعارضات بین رشد گردشگری و حفاظت از اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی برجسته شده و ضرورت تغییر نگرش به سمت گردشگری پایدار با محوریت توسعه بلندمدت و حفظ منابع طبیعی مورد بحث قرار گرفت. همچنین، چالش‌ها و تاثیرات گردشگری ساحلی، به‌ویژه در دوران پسا کرونا، تحلیل شده و راهکارهایی برای احیای اکوسیستم‌های آسیب‌دیده ارائه شد. این فصل به تشریح اهمیت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوشمند و سیاست‌های پایداری برای مقاصد ساحلی و دریایی پرداخته و به معرفی ابتکارات منطقه‌ای، مانند طرح مثلث مرجانی، برای حمایت از گردشگری مبتنی بر طبیعت و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و زیست‌محیطی مناطق ساحلی اختصاص داشت. در نهایت، این فصل نشان داد که پایداری در گردشگری دریایی و ساحلی تنها با همکاری گسترده دولت‌ها، صنعت گردشگری، جوامع محلی و سازمان‌های بین‌المللی ممکن است. مدل‌های موفق جهانی، مانند ابتکار مثلث مرجانی، می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای سایر مناطق در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی عمل کنند.



فصل چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری



گردشگری ساحلی و دریایی به عنوان یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد صنعت گردشگری جهانی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی مناطق ساحلی و دریایی ایفا می‌کند. اهمیت این حوزه به ویژه با توجه به ظرفیت‌های بالقوه توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی مناطق ساحلی و دریایی بیش از پیش آشکار شده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که توسعه گردشگری دریایی، به ویژه گردشگری کروز، نیازمند رویکردی چندجانبه و برنامه‌ریزی یکپارچه است که بتواند تعادل میان جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را حفظ کند. تغییرات اکولوژیکی، کیفیت آب و پایداری زیست‌بوم‌های دریایی از عوامل کلیدی تاثیرگذار بر موفقیت و تداوم گردشگری در این مناطق هستند و هرگونه توسعه ناپایدار می‌تواند پیامدهای بلندمدت زیان‌باری داشته باشد. از سوی دیگر، تعامل و مشارکت چندجانبه ذی‌نفعان شامل گردشگران، جوامع محلی، مدیران و تصمیم‌گیرندگان برای طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار، از ضرورت‌های حیاتی به شمار می‌رود. استفاده از رویکردهای نوین مدیریتی مانند مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری جامعه‌محور، می‌تواند زمینه‌ساز حفاظت بهتر از منابع طبیعی و ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی باشد.

مطالعات موردی ارائه شده نیز نشان می‌دهد که بحران‌هایی مانند همه‌گیری کرونا می‌تواند به عنوان محرکی برای تحول و بازنگری در شیوه‌های توسعه گردشگری مطرح شود، به گونه‌ای که ضمن حفظ تاب‌آوری اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی، امکان رشد پایدار و مسئولانه گردشگری فراهم گردد. گردشگری ساحلی و دریایی پایدار مستلزم درک عمیق و جامع از تعاملات پیچیده بین محیط زیست، اقتصاد و جامعه است که تنها با رویکردی سیستمی و استفاده از روش‌های تحقیق چندروشی و مشارکت ذی‌نفعان میسر خواهد بود. برای تحقق این هدف، توجه ویژه به توسعه گردشگری کروز پایدار و افزایش آگاهی گردشگران درباره رفتارهای مسئولانه، همراه با سیاست‌گذاری‌های هدفمند و حمایت از جوامع محلی، از عوامل کلیدی موفقیت به شمار می‌روند. بنابراین، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و فعالان حوزه گردشگری، ضمن بهره‌گیری از مدل‌ها و چارچوب‌های علمی، زمینه‌های مشارکت فعال و همکاری بین‌المللی را تقویت کرده و به توسعه زیرساخت‌های نوآورانه و سازگار با محیط زیست توجه ویژه‌ای داشته باشند تا گردشگری ساحلی و دریایی بتواند به عنوان محرکی پایدار و سازنده در توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست مناطق ساحلی ایفای نقش نماید.

۴-۲- جمع‌بندی گزارش

روشن است که گردشگری دریایی و ساحلی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد جهانی، نقش بسیار مهمی در تأمین معیشت بیش از ۵۲ میلیون نفر و ایجاد درآمدی بالغ بر ۱.۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳ ایفا می‌کند؛ این میزان حدود ۵.۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهد. همچنین، جذب ۷۴ درصد گردشگران خارجی ایالت‌های ساحلی آمریکا مانند فلوریدا، کالیفرنیا و نیویورک و درآمد ۶۴۰ میلیارد دلاری این کشور نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی عظیم این بخش است. با این حال، رشد بی‌رویه گردشگری دریایی بدون رعایت اصول پایداری، فشارهای شدیدی بر اکوسیستم‌های شکننده ساحلی و دریایی وارد کرده که تهدیداتی چون افزایش سطح دریا، سفیدشدگی مرجان‌ها، و افزایش فراوانی طوفان‌ها را تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، پیش‌بینی افزایش تعداد گردشگران منطقه مدیترانه تا ۳۱۲ میلیون نفر تا سال ۲۰۳۰ و تراکم جمعیتی بالای سواحل، لزوم بازنگری فوری در سیاست‌ها و اجرای مدل‌های توسعه پایدار را برجسته می‌کند. این مدل‌ها بر مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، حفظ تعادل میان حفاظت محیط زیست، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی تأکید دارند. علاوه بر این، چارچوب‌های حکمرانی چندسطحی با هماهنگی میان سیاست‌های محلی، ملی و منطقه‌ای به منظور انسجام و جلوگیری از رویکردهای جزیره‌ای ضروری هستند.

تغییرات اقلیمی، از جمله افزایش دمای آب، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و رخدادهای شدید جوی، تهدیدات مستقیمی برای زیرساخت‌ها و زیست‌بوم‌های ساحلی محسوب می‌شوند؛ به‌طور مثال سفیدشدگی مرجان‌ها موجب کاهش تنوع زیستی و درآمد حاصل از گردشگری مرجانی شده است. همچنین افزایش سطح دریا و فرسایش سواحل نیازمند سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در مقاوم‌سازی و جابه‌جایی زیرساخت‌ها است. این عوامل، پیچیدگی و عدم قطعیت برنامه‌ریزی بلندمدت در گردشگری ساحلی را دوچندان می‌کنند.

همچنین، آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی جوامع ساحلی، به ویژه در کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه (SIDS) مانند آروبا و دومینیکا، که به شدت وابسته به گردشگری هستند، افزایش یافته است. این موضوع ضرورت به‌کارگیری راهبردهای انطباقی بومی محور و مشارکت فعال جامعه محلی را برجسته می‌کند. مطالعات موردی مختلف نشان داده‌اند که با بهره‌گیری از حکمرانی چندسطحی و رویکردهای پایدار، می‌توان رشد اقتصادی را با حفاظت زیست‌محیطی و انطباق اقلیمی همسو ساخت؛ برای مثال، در آروبا با تمرکز بر کاهش آلودگی دریایی و در دومینیکا با ترویج سیستم‌های کشاورزی جنگل محور، توانسته‌اند تاب‌آوری محیطی و اقتصادی را ارتقا دهند.

در سطح منطقه‌ای، ادغام مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با برنامه‌ریزی گردشگری، به ویژه در آفریقا و اتحادیه اروپا، نقش کلیدی در تحقق منافع حفاظتی و توسعه‌ای دارد. همچنین، اقدامات نوآورانه محلی همچون تعاونی صیادی صدف در مکزیک نمونه‌هایی موفق از همکاری میان جامعه محلی و نهادهای علمی برای مدیریت پایدار منابع طبیعی است. بنابراین، آینده گردشگری دریایی و ساحلی نیازمند رویکردی جامع است که با ارتقای تاب‌آوری جوامع و زیرساخت‌ها، تقویت هماهنگی نهادی و حکمرانی تطبیقی، و استفاده از مدل‌های توسعه‌ای پایدار، بتواند با چالش‌های اقلیمی و اقتصادی مقابله کند. تنها از این طریق می‌توان تضمین کرد که گردشگری دریایی و ساحلی نه تنها به عنوان موتور اقتصادی مهم باقی بماند، بلکه به عنوان عامل اصلی حفاظت از سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی در برابر تغییرات سریع جهانی عمل نماید.

منابع

1. High Level Panel for a Sustainable Ocean Economy (Ocean Panel). (n.d.). Sustainable coastal & marine tourism. Ocean Panel. Retrieved July 13, 2025, from <https://oceanpanel.org/opportunity/sustainable-coastal-marine-tourism/>
2. Tippett, C. (n.d.). Vision setting: A sustainable coastal and marine tourism sector in 2030 and 2050. Ocean Panel. Retrieved July 13, 2025, from <https://oceanpanel.org/perspective/caroline-tippett-vision-setting-a-sustainable-coastal-and-marine-tourism-sector-in-2030-and-2050/>
3. Dimitrovski, D., Lemmetyinen, A., Nieminen, L., & Pohjola, T. (2021). Understanding coastal and marine tourism sustainability-A multi-stakeholder analysis. *Journal of Destination Marketing & Management*, 19, 100554.
4. Quader, M. S., Hassan, H. M., & Mahbub, T. (2025). Sustainable coastal and marine tourism in bangladesh: A qualitative evaluation. *Tourism and hospitality management*, 31(2), 279-292.
5. Sangthong, S., Pattanapokinsakul, K., & Soonsan, N. (2025). Scuba Tourist Motivations in Coastal and Marine Destinations. *Journal of Park and Recreation Administration*.
6. Troian, M., Prokopenko, O., Järvis, M., Saichuk, V., Komarnitskyi, I., & Glybovets, V. (2023). International marine tourism: Trends and prospects for sustainable development. *Pomorstvo*, 37(1), 23-31.
7. Smirnov, A., Smolokurov, E., Timofeeva, E., & Krovsh, S. (2022). Features of development of sea cruise tourism. *Transportation Research Procedia*, 61, 147-154.
8. Khodadadi, M. (2018). The emergence of cruise tourism in Iran. *Journal of tourism futures*, 4(3), 275-281.
9. Del Chiappa, G., & Abbate, T. (2016). Island cruise tourism development: a resident's perspective in the context of Italy. *Current Issues in Tourism*, 19(13), 1372-1385.

10. Klein, R. A. (2011). Responsible cruise tourism: Issues of cruise tourism and sustainability. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 18(1), 107-116.
11. Williams, A. (2011). Definitions and typologies of coastal tourism beach destinations. In *Disappearing destinations: Climate change and future challenges for coastal tourism* (pp. 47-65). Wallingford UK: Cabi.
12. Jennings, S. (2004). Coastal tourism and shoreline management. *Annals of Tourism Research*, 31(4), 899-922.
13. Balmford, A., Beresford, J., Green, J., Naidoo, R., Walpole, M., & Manica, A. (2009). A global perspective on trends in nature-based tourism. *PLoS biology*, 7(6), e1000144.
14. Papageorgiou, M. (2016). Coastal and marine tourism: A challenging factor in Marine Spatial Planning. *Ocean & coastal management*, 129, 44-48.
15. Gössling, S., Hall, C. M., & Scott, D. (2017). Coastal and ocean tourism. In *Handbook on marine environment protection: Science, impacts and sustainable management* (pp. 773-790). Cham: Springer International Publishing.
16. Espin, P. A., Mena, C. F., & Pizzitutti, F. (2018). A model-based approach to study the tourism sustainability in an island environment: The case of Galapagos Islands. In *Urban Galápagos: Transition to sustainability in complex adaptive systems* (pp. 97-113). Cham: Springer International Publishing.
17. Pizzitutti, F., Walsh, S. J., Rindfuss, R. R., Gunter, R., Quiroga, D., Tippett, R., & Mena, C. F. (2017). Scenario planning for tourism management: a participatory and system dynamics model applied to the Galapagos Islands of Ecuador. *Journal of sustainable Tourism*, 25(8), 1117-1137.
18. Dueñas, P. T. (2023). Galapagos Islands Case Study. *Sustainable Tourism in the Americas*, 172.
19. Abhari, S., Jalali, A., Jaafar, M., & Tajaddini, R. (2022). The impact of Covid-19 pandemic on small businesses in tourism and hospitality industry in Malaysia. *Journal of Research in Marketing and Entrepreneurship*, 24(1), 75-91.
20. Yeh, S. S. (2021). Tourism recovery strategy against COVID-19 pandemic. *Tourism Recreation Research*, 46(2), 188-194.
21. Tan, W. J., Yang, C. F., Château, P. A., Lee, M. T., & Chang, Y. C. (2018). Integrated coastal-zone management for sustainable tourism using a decision support system based on system dynamics: A case study of Cijin, Kaohsiung, Taiwan. *Ocean & coastal management*, 153, 131-139.

22. Biggs, D., Hicks, C. C., Cinner, J. E., & Hall, C. M. (2015). Marine tourism in the face of global change: The resilience of enterprises to crises in Thailand and Australia. *Ocean & coastal management*, 105, 65-74.
23. Papageorgiou, M. (2016). Coastal and marine tourism: A challenging factor in Marine Spatial Planning. *Ocean & coastal management*, 129, 44-48.
24. Jarratt, D., & Davies, N. J. (2020). Planning for climate change impacts: Coastal tourism destination resilience policies. *Tourism Planning & Development*, 17(4), 423-440.
25. Karani, P., & Failler, P. (2020). Comparative coastal and marine tourism, climate change, and the blue economy in African Large Marine Ecosystems. *Environmental Development*, 36, 100572.
26. de-Miguel-Molina, B., de-Miguel-Molina, M., & Rumiche-Sosa, M. E. (2014). Luxury sustainable tourism in small island developing states surrounded by coral reefs. *Ocean & coastal management*, 98, 86-94.
27. Cooper, C. (1995). Strategic planning for sustainable tourism: The case of the offh shore islands of the UK. *Journal of sustainable tourism*, 3(4), 191-209.
28. Pereira, E., Martins, R., Marques, J. F., Flores, A., Aghdash, V., & Mascarenhas, M. (2022). Portugal nautical stations: Strategic alliances for sport tourism and environmental sustainability. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 982691.
29. Ramírez-Guerrero, G., Fernández-Enríquez, A., Arcila-Garrido, M., & Chica-Ruiz, J. A. (2025). Blue Marketing: New Perspectives for the Responsible Tourism Development of Coastal Natural Environments. *Tourism and Hospitality*, 6(3), 136.





بی‌تردید، دستیابی به توسعه پایدار در گردشگری دریایی، نیازمند نظام سیاست‌گذاری هوشمند و مبتنی بر شواهد علمی است؛ نظامی که بتواند میان سه محور اصلی «اقتصاد، محیط زیست و جامعه محلی» تعادل برقرار کند. در این مسیر، شناخت دقیق ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق ساحلی، برنامه‌ریزی فضایی مناسب، آموزش جوامع محلی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مدیریت منابع دریایی، از الزامات اساسی به‌شمار می‌رود. چنین نگاهی، تنها با اتکا به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و همکاری میان نهادهای علمی، اجرایی و بخش خصوصی قابل تحقق است.



پژوهشکده
مطالعات فناوری

نشانی: تهران - خیابان شهید دکتر حبیب‌الله،

تقاطع خیابان سروش (یکم)، پلاک ۹۶،

پژوهشکده مطالعات فناوری

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۰۰۶۵

پست الکترونیکی: info@tsi.ir

شبکه اطلاع‌رسانی: <https://tsi.ir>

